



پروژه‌های جهان متحد شوید!

مسائل بین‌المللی

۵

آذر - دی

سال ۱۳۶۳



انتشارات حزب توده ایران



پوسټر: تس. گانهاٲ

"بگذاړ صلح روى سيار محكمرواځيا"

در مغولستان نمايشگاه طي
پوسټر هاى سياسى زير شعار
" در راه صلح عليه جنگ
هستماى " برقرار گرديد .
نقاشان جمهورى هم مانند تمام
مردم مغولستان سياست تجلوز
گارائه امپرياليسم امريكا را كس
خطرى براى زندگى روى زمين
در بر دارد محكوم ميشند .

اين دواثر نمونه هاى از
د پوسټ اثرى است كه در آن
نمايشگاه عرضه شده است .

پوسټر ن . ساند اگسورن

" براى هريك از ساكنان زمين
پانزده تن مواد منقجه تهيه
شده است ."

فهرست مقالات این شماره :

| نویسندگان مقالهها | عنوان | صفحه |
|-------------------|--|---------|
| بوريس پونومارينف | سوسيالیسم موجود تکیه گاه مطمئن صلح | ۲۰ - ۳ |
| محمد فرهاد | در بهکار برای دموکراسی باید پیرو شد | ۳۰ - ۲۱ |
| - | اجلاس مشورتی در پیران کمیته های مرکزی احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی | ۳۵ - ۳۱ |
| نعیم اشهب | احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت میهن | ۴۴ - ۳۶ |
| - | نیروی تعیین کننده جریان انقلابی | ۵۹ - ۴۵ |
| گراهس گیره | مراحل انقلاب اتیوپی | ۶۶ - ۶۰ |
| - | بهیست و پنج سال مبارزه علیه تبعیض نژادی و آپارتاید | ۶۸ - ۶۷ |
| ر. سمبون | اردوگاه کار اجباری انصار باید بسته شود | ۷۰ - ۶۹ |
| - | خبرهای کوتاه | ۷۱ - ۷۰ |

سوسیالیسم موجود تکیه گاه مطمئن صلح

بوريس پونومارينف

عضو مشاور و بوروی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

همکاری احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی عاملی است که از اهمیت تاریخی و سیاسی فراوان برخوردار است. تمدن نو سوسیالیستی جلوی چشم ما شکل میگیرد که سمت اصلی پیشرفت جهانی معاصر را هر چه بیشتر تعیین میکند. سرعت ترقی تاریخی در قرن بیستم بسیار زیاد است. طی دوران زندگی یانگسل و جنگ جهانی رویداده و انقلابهای سوسیالیستی در بسیاری از کشورهای جهان تحقق یافته است. این نسل شرکت جوینده در چرخش بزرگ در تاریخ جهان نظیر انقلاب کبیر اکتبر بود. جلوی چشم ما نخستین جامعه سوسیالیستی در جهان تشکیل گردید که در همان سالها با قدرت زست خود جهان را به شکفتی واداشت و راه را برای تحقق آرزوهای کهن رنجبران در سراسر زمین گشود.

و. ای. لنین نوشت: یا ما مقاومت میکنیم و پیروز میشویم یا چندین دهه در هشت های خونبار ترورگار سفید را انتظار است (۱). جامعه نو در آینهنگام ایستادگی نشان داد و دود هم دیگر باز هم در درگیری با فاشیسم کتفا مخلقها را به ناپودی یا بردگی تهدید میکرد، ایستادگی کرد. پس از پیروزی بزرگ بر فاشیسم هیتلری و ملیتاریسم ژاپن خلقهای بسیاری از کشورهای سوسیالیستی شروع به ایجاد آینه سوسیالیستی خویش کردند. دیگر اتحاد شوروی یگانه کشوری نبود که سوسیالیستی باشد. پیدایش سیستم سوسیالیستی جهانی پس از اکتبر و همین نقطه عطف بستار مهم در تاریخ جهان گردید.

از آن زمان به بعد کشورهای جامعه سوسیالیستی راه عظیم ویرافتاری را طی کرده اند . موفقیت های آنها در ساختمان جامعه نوسمی در امراترناسیونالیستی مشترک تمام جنبش کمونیستی و امرتقی اجتماعی تمام جامعه بشری است .

وجود جامعه کشورهای سوسیالیستی در روی زمین برای جامعه بشری سعادت است . کشورهای و خلیقهای که در آن متحد گردیده اند و پایه ای در برابر خود قرار داده اند که از لحاظ مقیاس خود بی نظیر است و آن اینکه جامعه بشری را از جنگهای جهانی رهایی بخشند . حتی در شرایط بسیار خطرناک و وخیم بین المللی کنونی کشورهای سوسیالیستی برای دست یافتن به این هدف آنچه را که لازم و ممکن است انجام میدهند . اجلاس مشورتی اقتصادی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در سطح عالی که در ژوئن سال ۱۹۸۴ در مسکو تشکیل یافت گواه بارزی بر این است . شرکت کنندگان در آن در نقطه مقابل برنامه های دهشتناک جنگی و سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم برنامه ساختمان اقتصادی سلامت آمیز برای ده سال آینده را قرار دادند . بدین ترتیب آنها در برابر جهانیان اطمینان بفری خود و برتری سوسیالیسم بمنزله سیستم اجتماعی و اطمینان به اجتناب ناپذیر بودن پیروزی آرمانهای انسانی آن و سعی و کوشش برای راه اندادن به بلیمه هسته ای را نشان دادند .

استراتژی درازمدت در عرصه اقتصاد که در اجلاس مشورتی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی بطور دسته جمعی تهیه و تنظیم شد تایید تازه ای بر این است که کشورهای سوسیالیستی صادقانه برای صلح تلاش میکنند و اقتصاد خود را در جهت پیشرفت صلح آمیز و طرحریزی مینمایند . این نتیجه عمده اجلاس مشورتی با نتایج دیدار " هفت کشور " سرمایه داری در لندن و فعالیت ناتسو در تضاد شدیدا است .

در پاسخ به ستیزهجویی ملیتارستی امپریالیسم اجلاس مسکو با احساس مسئولیت اعلام داشت : " هیچیک از معضلات جهانی ، از جمله مناقشه تاریخی میان سوسیالیسم و سرمایه داری از راه جنگ قابل حل شدن نیست " (۱) .

این اصل پاسخگوی منافع تمام خلیقا و تمام جامعه بشری است . جامعه کشورهای سوسیالیستی ضمن تحکیم برادری خویش و اقدام در صف واحد و یکپارچه ، با افزایش نگرش پرچم مارکسیسم -

لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری هرچه در توان دارد برای حفظ صلح انجام خواهد داد . همبستگی و پشتیبانی متقابل کشورهای برادر و انترناسیونالیسم پرولتری نیروی مادی عظیم ترقی دوران کنونی است . استفاده صحیح و کامل از این نیرو " جنگ صلیمی " نوبتی امپریالیسم

علیه کمونیسم راهمانطور که در گذشته بارها اتفاق افتاده به شکست محکوم میکند .

پروسه انقلابی جهانی اکنون مرحله ای را میگذراند که بنا بر گفته لنین " این قانون تایید شده است که نیروی انقلاب ، نیروی تعرض ، انرژی ، قاطعیت و پیروزی آن در همین حال نیروی مقاومت از طرف پیروزی را هم تشدید میکند . هر قدر ما بیشتر پیروز میشویم ، استعمارگران سرمایه داری همانقدر بیشتر می آموزند که متحد شوند و به حمله قاطعانه تری دست میزنند " (۱) .

معلوم است که نیروهای انقلاب اینک باندازه قوی تر از سال ۱۹۲۰ (هنگامیکه این سخنان بیان گردیده است) میباشند . این نیروها همراه با جامعه کشورهای سوسیالیستی با اطمینان توانایی خود را در تقویت ساختن سیاست ضد حمله امپریالیستی که برای تمام جامعه بشری هلاکتبار است نشان میدهند .

همانطور که در قرار شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی مصوب در سامبر سال ۱۹۸۳ - جهانیان اعلام شد " اتحاد شوروی به امنیت هیچ کشوری نه در غرب و نه در شرق تجاوز نخواهد کرد . اتحاد شوروی میخواهد با تمام کشورهای در صلح بسر برد و از اصل همزیستی مسالمت آمیز کشورهای کسب دارای نظام اجتماعی - سیاسی مختلف هستند پیروی میکند . ارگان عالی حاکمیت کشور شوروی اظهار اطمینان میکند که خرد میتواند و باید جامعه بشری را از بلیمه هسته ای حفظ کند " .

رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی با طرح برنامه خروج از وضع خطرناکی که دستگاه دولتی امریکا و ناتو ایجاد کرده اند و با دفاع قاطعانه و مبتکرانه از آن فعالانه و هدفمند عمل میکند . این موضوع در درجه اول در سخنان و گفت و شنود های ک . او . چرننکو در بیروت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و در رهیت رهبر شورای عالی اتحاد شوروی ، اعضای بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، اعلامیه های دولت شوروی و اظهارات اصولی دیگر مربوط به مسائل سیاست خارجی با زتاب میباشد . اظهارات معتبر رهبران کشورهای سوسیالیستی برادر و شخصیت های مهم حزبی و دولتی دارای اهمیت فراوان است . اینها اقدامات سیاسی بزرگی است که ماسک تبلیغات بورژوازی را میدرد و از اعمال تحریف کنندگان سیاست بین المللی سوسیالیسم پرد میبرد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی به افزایش فعالیت خود در عرصه بین المللی ادامه میدهد . کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی ضمن تأکید بر توانی و استحکام مشی اصولی خود از بلنوم فوریه (سال ۱۹۸۴) به بعد یک سلسله پیشنهادات مهم تازه مطرح ساختند . برنامه مبارزه در راه صلح با توجه به شرایط تغییر پذیر یعنی ترگرید به و تکمیل شده است . اعلامیه دولت

شوروی که حاوی پیشنهاد مشخصی برای آغاز مذاکرات شوروی و آمریکا در مورد جلوگیری از میلیتاریزه کردن فضای کیهانی است، در این زمینه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این مسئله اینک اهمیت کلیدی کسب میکند، زیرا شاهه سابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی در زمان محدود ساختن و کاهش تسلیحات بطور کلی را از بین میبرد.

تمام اینها نشان میدهد که اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی ابتکار را بطور استوار در دست خود دارند و وجهه و اعتبار سوسیالیسم در امور مربوط به صلح بسیار زیاد است. واقعیت این است که طی چند ماه گذشته دولت مردانی از اطراف و اکناف جهان به مسکو و پکنت های سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی سفر کردند. رهبران کشورهای ناتو و سایر کشورهای هم پیمان ایالات متحده آمریکا (مانند جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا، بریتانیای کبیر، اسپانیا، فرانسه، اطریش) و رهبران کشورهای بیطرف و غیر متعهد و نمایندگان احزاب حاکم و اپوزیسیون از جمله آنها بودند. این نشان میدهد که دولت مردان بسیاری از کشورهای غربی این واقعیت را درک میکنند که بدون توجه به منافع قانونی کشورهای سوسیالیستی هیچیک از معضلات عظیم بین المللی نمیتواند حل شود. توجه و ابراز علاقه رهبری ما به پیامهای شخصیت های اجتماعی و سازمانهای گوناگون بازتاب گسترده ای در جهان دارد. پاسخ های ک. او. جرنکو به رهبران انترناسیونال سوسیالیستی، پ. کلی نماینده "سبزها"، ر. هاروین و ک. ساگان دانشمندان آمریکا و دیگران هم بر این گواهی میدهد. این پدیده بدان سبب از اهمیت بیشتری برخوردار است که تبلیغات بورژوازی بشدت تلاش میکند به افکار عمومی (در ضمن نه فقط در غرب) تلقین کند که گویا "خشونت بی مورد و دلیل از خصائص" سیاست اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی است. میگویند، فراخوانهای صلح و ستانه ریگان که اینک، در گرماگرم مبارزات انتخاباتی از کاخ سفید بمعنی واقعی کلمه فوران میکند گویا "دیوارناشنوای" مسکو و پرومیشود. این یک شگرد بهیشرمانه سیاسی است که ایالات متحده بکام آن میخواهد مشی عملا تجاوزکارانه خود را استوار نماید.

اصولیت و پیگیری کشورهای سوسیالیستی در دفاع قاطعانه از اساسهای امنیت بین المللی
منافع قانونی خود در مرصه بین المللی و دفاع از دستاوردهای انقلابی خود را، هم شرایط عینی در این مرحله معین، و هم خصلت مبارزه طلبیدن سوسیالیسم از طرف محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا الزام میکند.

ماهیت سیاست کنونی ایالات متحده آمریکا چیست؟

اول، "جنگ صلیبی" که در سال قبل ریگان اعلام کرده حرف پوچ نیست. این اقدام منعکس کننده سیاست واقعی، مشی رویارویی و تشدید مسابقه تسلیحاتی است. دولت ایالات متحده

با اجرای اراد و مجتمع نظامی - صنعتی میکوشد به کار طبقاتی در مرصه بین المللی را به مجسرای رقابت نظامی افکند. این نه فقط کشور ما را که لمبیتز استراتژی میلیتاریستی متوجه آمنت، نه فقط سایر کشورهای سوسیالیسم، بلکه تمام کشورهای مترقی - دموکراتیک، تمام خلقها و کشورهای دوا در آخرین تحلیل خود موجودیت تمدن را هم تهدید میکند.

دوم. ایالات متحده آمریکا از طرح ریزی تدابیری بمنظور دست یافتن به برتری نظامی به اقدامات عملی برای تحقق برنامه های متناسب با آن پرداخته است. آغاز استقرار موشک های آمریکائی در اروپای غربی مهمترین (ولی نهمگانه) حلقه سیاستی است که در واقع برابر با تشدید تدارک مادی جنگ جهانی است.

دولت ریگان در نظر دارد تا پایان دهه اخیر مرحله بسیار مهم کنونی و مهمترین آن کینی تجدید تسلیحات را به پایان رساند. برای انجام این منظور فقط طی پنج سال آینده (۱۹۸۸-۱۹۸۴)، طبق برآورد های موجود، قرار است در حدود ۱۸۰ تریلیون دلار خرج شود. برای همین سال آینده تقریباً ۱۰ میلیارد دلار بمنظور تدارک و تهیه سیستم های سلاحهای استراتژیک تنها جی، ایجساد سیستم گسترده دفاع ضد موشک، سلاح ضد ماهواره و غیره اعتبار داده شده است.

سوم. مداخله بهیشرمانه در امور کشورهای مستقل، تلاش برای خفه کردن جنبش انقلابی و آزاد بخش بکام مجازات، محاصره و مداخله مستقیم، امید بستن به تروریسم دولتی، اینها آلات و ابزار استراتژی امپراطوری مآبانه و اشنگن میباشد. فشار شدیدی در تمام جهات وسیله عمده نقشه های سلطه جویانه است. تشدید فعالیت ایالات متحده در حوضه های اقیانوس های آرام و هند و وسط و شرقی در قاره آسیا و کوشش برای استفاده از "ورق چین" و غیره گویای این واقعیت است، خشونت بهیسا بقده مشی ایالات متحده نسبت به امریکای لاتین و در درجه اول نسبت به امریکای مرکزی هم گویای همین است. ایالات متحده آمریکا مداخله مسلحانه در نیکاراگوئه را سازمان میدهد و از آن حمایت میکند و هم اکنون در آستانه اشتراک مستقیم در این مداخله است. ایالات متحده آشکارا از تمام رژیم های ارتجاعی و متجاوزنشینانی میکند؛ از جمله از اسرائیل که سرزمین های عربی را لگد مال میکند، از جمهوری آفریقای جنوبی که به همسایگان خود هجوم میبرد، از خونخواران سالوادور که علیه خلق خود می جنگد، از گردانندگان هند و روس که کشور خود را به پایگاه تجاوز علیه نیکاراگوئه تبدیل کرده اند، از اشراش (باسماچی) که در افغانستان عمل میکنند. پنتاگون در منطقه خلیج فارس، با استفاده از جنگ ایران و عراق در راه هدف های استراتژیک خود، اسلحه برخ میکشد.

پیدايش كانون های تازه درگیری و تجدید درگیریهایی که به خطر فراروشی آنها به آتش سوزی

همگانی نتیجه این سیاست است، سیاستی که تا حال در آنها هزار قربانی بجای گذاشته است.

چهارم، ایالات متحده آمریکا سلسله قرارداد های بسیار مهمی را که با اتحاد جماهیر شوروی منعقد ساخته بود و اعتبار قانونی همید ا کرد بودند (در اس آنها " اصول روابط فیما بین " سال ۱۹۲۲) نقض کرده است . علاوه بر این بسیاری از قرارداد های مهم اصولی را که با اتحاد شوروی باضمان رسانده بود ، از جمله سال ۲۰ - برهم زده است . هیچگونه مانور یا آکروپاسی لفظی نمایندگان ایالات متحده نمیتواند این واقعیت را بپوشاند که آمریکا مایل نیست هیچ تعهدی را که سابقه تسلیحاتی را محدود کند و یا پیشدستی در بکار بردن سلاح هسته ای و یا بطور کلی نیروی نظامی در مناسبات میان دولتها را قدغن نماید بپذیرد .

پنجم . دشمن طبقاتی ما خوبی متوجه این نکته است که سوسیالیسم و جامعه کشورهای سوسیالیستی مانع همه در سر راه نیات ارتجاعی آن است . به همین سبب متزلزل ساختن پایه و اساس سوسیالیسم موجود ، تلاش در راه تفرقه افکندن میان کشورهای سوسیالیستی و رود روی یکدیگر قرار دادن آنها که يك شگرد قدیمی و کاملاً شناخته شده است ، اشکال هر چه ظریف تر و گستاخانهتری بخود میگیرد .

و بالاخره ششم اینکه ، بطوریکه اجلاس چهارم کمیته شورای ناتو در واشنگتن و ملاقات لندن " هفتکشور بزرگ " نشان داد ، کشورهای امپریالیستی برفرم تضاد های اقتصادی و سیاسی که با ایالات متحده دارند از سیاست آن کشور پیروی میکنند .

مش کشورهای سوسیالیستی در برابر خطر ناک ترین ستیزه جویی تازه امپریالیسم طی دهه های اخیر در پیدارهای رهبران جزئی و دولتی آنها تمعین گردیده است . این مشی مقدم بر هر چیز استواری در دفاع از مواضع سیاسی و نظامی - استراتژیک سوسیالیسم است . این مشی در عین حال فعالیت پر تحرک و مبتکرانه کاملاً هم آهنگی است که هدف آن دست یافتن به نتایج عملی در امر مبارک کردن مسابقه تسلیحاتی و احیای پروسه کاهش تشنج میباشد .

بطوریکه فاکت های ماههای اخیر نشان میدهند پروسههایی وجود دارد که همیشه ریگان عمل میکنند . این پروسهها را بطور خیلی کلی میتوان بشرح زیر تشریح نمود :

مشی ریگان در جهت تیره کردن مناسبات با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی
با مخالفت هر چه محسوستری در خود آمریکا مواجه میشود . حزب دموکرات و کاندیدای آن برای مقام ریاست جمهوری علیه این مشی و ویژه در عرصه مسابقه تسلیحاتی و روبرویی با اتحاد شوروی اظهار نظر کردند . حتی در حزب جمهوریخواه هم ناراضی و جوش و خروش آغاز میشود .

این اواخر در کنگره هم ابراز مقاومت احساس میشود . کنگره ، اگر چه با گامهایی نااستوار ، ولی میکوشد اشتباهی پنهان را در برخی از موارد کاهش دهد . اعتبارات ویژه موشکهای " MX " را کاهش

داد ، از واگذاری اعتبار برای آغاز تولید سلاح شیمیایی بنیاب امتناع کرد و برخی محدودیت هابرای آزمایش برداشته سلاح ضد ماهواره وضع کرد .

در ایالات متحده هر چه رساتر از رئیس جمهوری میخواهند گامهای واقعی (نه ظاهر فریب) بردارند که به بهبود مناسبات آمریکا و شوروی انجامد .

اگر چه بهینس امریکائی بطور کلی از برنامه های ضد اجتماعی کاخ سفید پشتیبانی میکند ، در باره مناسبات دنیای معاملاتی نسبت به سیاست خارجی کاخ سفید این رانمیتوان گفت .

جلسه شورای بازرگانی - اقتصادی آمریکا و شوروی که در سال جاری تشکیل شد از این لحاظ نمونهوار و تپیک است . بسیاری از نمایندگان بانفوذ بهینس امریکائی در آن جلسه خواستار احیای اعتماد میان اتحاد شوروی و ایالات متحده وسط و تکامل همکاری مفید برای هر دو طرف گردیدند . در اینجا اصل قضیه فقط مربوط به منافع بازرگانی نیست . مسابقه تسلیحاتی لجاب گسیخته ای که سیاست ضد شوروی را با آن توجیه میکنند کسر بودجه هنگفتی (در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار) بوجود میآورد که بنا بر گفته اقتصاد دانان و بهینسمن ها عطر ورور شکستگی مالی - اعتباراتی را در بردارد .

شخصیت های اجتماعی برجسته ایالات متحده ، دانشمندان بزرگ و مشهور و محافل گسترده علمی هر چه آشکار تر مشی سیاست خارجی ریگان و ویژه برنامه های میلیتاریزه کردن فضای کیهانی را مورد انتقاد قرار میدهند .

مراجعه آراء عمومی در ایالات متحده هم نشان میدهد که برخورد منفی به سیاست روبرویی و میلیتاریسم در کشور پیشه های عمیقی دوانده است .

علاوه بر این ، تمایل به دوری جستن از مشی خود خواهانه و ماجراجویانه ریگان در اروپای غربی هم تشدید میگردد . این جریان درون ناتو هم احساس میشود . در محافل مختلف این راه رچه بیشتر درک میکنند که ایالات متحده آمریکا اروپای غربی را بسان " استحکامات جلوی جبهه " و یا صحنه پیکاری بشمار میآورد که در جریان نبرد میتوان آنرا قربانی کرد . بسیاری از اروپائیان عهد رستی چنین نتیجه گیری میکنند که فقط باید کردن استراتژی واشنگتن امنیت را میتوان حفظ کرد . به تاخیر انداختن تصمیم نهایی در باره استقرار موشک در هلند ، قرار پارلمان دانمارک و ابر بردم شرکت ایسن کشور در اختصاص بودجه برای ایجاد ساختارهای لازم بمنظور استقرار این قبیل موشک ها در اروپای غربی امتناع دولتهای یونان و اسپانیا از بهیوستن کامل به اسناد اجلاس اخیر شورای ناتو ، همه بر این گواهی میدهند . حتی برخی از طرفداران دواتشه سیاست پیروی از آمریکا گاه و بیگاه اعتراف میکنند که واشنگتن مایل نیست منافع ملی - دولتی آنها را در نظر بگیرد و بدین ترتیب به امنیت آنها زیان وارد میآورد .

از زبان شخصیت های سیاسی برجسته کشورهای سرمایه داری که حتی در اتحاد آتلانتیک

شرکت دارند میتوان شنید که آنها به اینکه اتحاد شوروی دارای نیت تجاوزکارانه باشد باورند دارند .
آیا این بهترین اعتراف بر آن نیست که ناتو ، خلاف آنچه میگویند ، برای دفاع برابر "خطر واهی
شوروی" میباشد ؟ این سؤال پیش میآید که در اینصورت پس این مسابقه تسلیحاتی جنون آمیز و هزینه
های سرسام آور مخصوص آن برای چیست ؟

تفسیرات مثبت چشمگیر فعالیت ضد جنگ سوسیال دموکراسی هم شاهان توجه است .
احوال و روحیه ضد موشک در محیط آنها آشکارا شدت یافته است . برخی از احزاب بانفوذ سوسیال
دموکرات (مانند ، احزاب سوسیال دموکرات آلمان غربی ، یونان ، سوئد ، فنلاند ، اطریش ،
انگستان و نپور) سیاست های اطریش (هرچه بیشتر و مصرانه تر پیشنهاد هائی مطرح میکنند که با مشی
ایالات متحده امریکا مغایرت دارند و در برخی از نکات با پیشنهادات سیاست خارجی کشورهای
سوسیالیستی هم آهنگ است . اکثر احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات اروپای غربی (باستثنای
احزاب فرانسه ، پرتغال و برخی دیگر) با " پرشینگ - ۲ " و موشکهای بالذات مخالفت میکنند اگرچه
در مسئله عمده یعنی ضرورت خارج ساختن این موشکها بمنزله شرط لازم مقداتی برای تجدید مذاکرات
شوروی و امریکا ، از خود تردید نشان میدهند .

بسیاری از رجال دولتی معتبرند نیای غیر سوسیالیستی هرچه فعلا نه تنها تکرار سازنده ای
(مغایر با مواضع واشنگتن) بخرج میدهند . در خشان ترین نمونه آن اعلامیه مشترک لیدرهای شش کشور
چهارقاره است که زیر آثر ره آلفونسین رئیس جمهوری آرژانتین ، آنها پاندره او نخست وزیر یونان ،
ای . گاندی نخست وزیر هند ، م . دلا مادیو رئیس جمهوری مکزیک ، ج . نبرو رئیس جمهوری
تانزانی و او . پالنه نخست وزیر سوئد امضاء کرده اند . این اعلامیه حاوی فراخوانی است دایر بر
قطع آزمایش ، تولید و افزایش سهمتهای سلاحهای هسته ای و وسائل حمل و نقل آن که پس از این اقدام
باید بدون درنگ کاهش قابل ملاحظه نیروهای هسته ای آغاز گردد . بدینال این گام نخستین باید
برنامه کاهش تسلیحات آغاز شود که در نهایت امر به خلع سلاح کامل و همگانی منجر گردد .

سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکان را قیاس آرام موجب نگرانی روز افزون کشورهای
آسیای است . ایالات متحده در آنجا شبکه ای از پایگاههای نظامی و نقاط اتکاء ایجاد کرده است
در آنجا سلاح هسته ای مستقر ساخته ، مشی احیا و تقویت مصلحتیسم ژاپن را در پیش گرفته و مصلحت
واشنگتن - توکیو - سئول را بوجود میآورد . چندی پیش ج . شولتز وزیر امور خارجه امریکابه کشورهای
جنوب شرقی آسیا مسافرت کرد . بطوریکه روزنامه " نیویورک تایمز " مینویسد : او در نتیجه انتقادات
شدیدی که در ارتباط با سیاست واگذاری تسلیحات امریکائی به چین شنیده بود با خشم و عصبانیت
آشکار بازگشت .

نهایت ، جنبش ضد جنگ پس از فروکش معینی در آغاز سال جاری نیرومند تر میگردد . میزان
تاثیر و فعالیت آن افزایش مییابد . این پدیده در جریان راه پیمائی های مائو تزل و یوه تولد مسیح
و تظاهرات ماسه و یوه تظاهرات اعتراض آمیز چندین هزار نفره بمناسبت مسافرت ماه ژوئن ریگان به
اروپا بطور بارزی نمودار شد . در انتخابات پارلمان اروپا بطور عمده آن احزابی موفقیت بدست
آوردند که مسائل کاهش تشنج و صلح را در مرکز مبارزات انتخاباتی خود قرار دادند و جدا با موشکهای
امریکائی مخالفت کردند .

در باره امکانات واقعی جنبش ضد جنگ آنچه در هلند اتفاق افتاد گواهی میدهد ، زیرا
تصمیم دولت و پارلمان این کشور نتیجه آشکار مبارزات خارج از پارلمان و مقاومت شد پدیده ها است .
این نشانه نمرخش بودن مبارزه ضد جنگ است .

کاخ سفید تحت تاثیر تمام اینها و ملاحظاتی انتخاباتی ناچار شد در ماههای اخیر صورت ظاهر
تاکتیک خود را تغییر دهد و به عوام فریبی " صلحد و ستانه " متوسل گردید .

البته تغییر اصطلاحات همگالی از اهمیت نیست ، زیرا این گواه معینی بر نمرخشی مشی
سیاست خارجی جامعه کثروهای سوسیالیستی و تاثیر جنبش ضد جنگ است . ولی نباید نیت ریگان را
که عوام فریبی خواهد داشت و نیت کسانی را که صد اصدای او میدهند و از او حمایت میکنند از نظر
دور داشت .

اولا ، جمله پردازی " صلحد و ستانه " برای استوار مسابقه تسلیحاتی ، تسریع در انجام
برنامه های نظامی ، استفاده از قوه قهریه و پنهان کردن این واقعیت است که مشی مصلحتیست
و ماجراجویانه دولت تغییر نخواهد کرد . ثانيا ، ریگان میکوشد رقباي خود را از حزب دموکرات از میدان
بدر کند و عنوان " رئیس جمهوری جنگ " را از خود دور سازد . ثالثا ، دستگاه دولتی ایالات متحده
بدین ترتیب میخواهد جنبش ضد جنگ را گمراه کند . بالاخره ، راهبا ، ریگان و گروه او با بر حرفی در باره
" سرسختی نشان دادن مسکو " ، " خطر شوروی " ، " فساد اخلاق کونینسم آنتیسم " و مانند اینها
در نظر دارند جنگ روانی تبلیغاتی راه یک قوس بالا تر ببرند . بهیچوجه تصادفی نیست که همزمان
باتشدید عوام فریبی های " صلحد و ستانه " دستور برگزاری تظاهرات و تشدید تبلیغات ضد شوروی و
ضد سوسیالیستی در باره اصطلاح تروریسم بین المللی ، در اطراف افغانستان و کامپوچی و کوبا
و نیکاراگوئه و مانند اینها صادر شد .

نباید در این تصویر باطل بود که گویا " تعرض مقابل صلح " نمایندگان ایالات متحده امریکا
و ناتوی هابیدایش تفسیراتی در سیاست واقعی را منعکس میکند . اما این راه نباید ناپدیده گرفت
که این امر میتواند عده ای را گمراه سازد . هستند کسانی که باین فکر گرایش پیدا میکنند که در بهر

این جمله بردا زنها گویا باید آمادگی برای انجام اقدامات مشخص و با انجام مذاکرات بدون قید و شرط مقدّماتی را بدد .

برای تکذیب این قبیل گمراهی ها و افشای مواضع ایالات متحده در مورد مذاکرات و مسائل نیرومندی وجود دارد . از جمله مجموعه پیشنهاد ائتلافی سوسیالیستی و برنامه کامل اتخاذ تدابیری است که امکان میدهد به سابقه تسلیحاتی پایان داده و وخامت وضع بین المللی را برطرف ساخت . تمام این پیشنهادات روی میز ولتر مردان ایالات متحده قرار دارد . ولی دولت امریکایان به پاسخ دادن مساعد نمیکنند و با پاسخ ضعیف میدهد ، یا "پیشنهادات" متقابل مطرح میکند که اصولاً قابل قبول نیست ، زیرا هدف آنها نقض اصل برابری و امنیت یکسان است .

با آوری میکنم :

— کشورهای ناتو پیشنهاد قبول تعهد برای عدم پیشدستی در بکار بردن سلاح هسته ای را رد میکنند .

— ایالات متحده امریکا پیشنهاد متوقف ساختن تولید و ذخیره سلاحهای هسته ای را که کشورهای سوسیالیستی مطرح ساختند و در بیانیه مشهورش کشور هم آمده است بدون درنگ رد کرد .

— ایالات متحده از تجدید مذاکرات درباره قدغن ساختن کامل آزمایش سلاح هسته ای ، به این بهانه که مسئله مربوط به کنترل آن بررسی نشده است ، امتناع میکند .

— ناتو در رجه اول ایالات متحده امریکا پیشنهادات خود درباره سلاح شیمیائی را پس چنان شرایطی برای کنترل همراه میکنند که توافق را عملاً غیرممکن میسازد .

— ناتو در رجه اول ایالات متحده در پیشنهاد انعقاد قرارداد عدم استفاده از نیروی نظامی میان سازمان پیمان ورشو و ناتو کارشکنی میکنند . در اظهارات ریگان در ویلین ، با وجود تصام کوششی که بعمل آمده تا آنرا بمنزله پدایش تغییر مواضع ایالات متحده قلمداد کنند ، کلمه ای هم در این مورد گفته نشده است که ایالات متحده امریکا نسبت به اندیشه امضای قرارداد درباره ایمن موضوع چه برخورد یدارد . باید تذکر داد که بی اعتنائی کامل به این پیشنهاد برای کشورهای غربی هرچه دشوارتر میگردد . در کشورهای ناتو رضائی از اینکه ایالات متحده برای درپیش گرفتن مشی سازنده ای در استکھلم از خود آمادگی نشان نمیدهد افزایش مییابد . در ضمن نمایندگان واشنگتن به سفیضه خود ادامه میدهند و اظهار میکنند که پیشنهاد ائتلافی سوسیالیستی گویا "وعدہ صوری" است . در چنین صورتی اساسنامه سازمان ملل متحد راهم میتوان صوری نامید . اتحاد شوروی در کنفرانس استکھلم از مشی روشنی پیروی میکند : اتحاد شوروی از بررسی همزمان و پارالل تدابیر بزرگ سیاسی برای احیای اعتماد و تدابیر نظامی — تکنیکی پشتیبانی میکند ، ولی البته ، بشرطیکه

خصیلت جمع آوری اطلاعات و جاسوسی نداشته باشد .

سؤال دیگری این است که ایالات متحده امریکا در برابر پیشنهاد اتحاد شوروی درباره مذاکرات مربوط به فضای کیهانی و تعیین محل و تاریخ انجام مذاکرات چه واکنشی نشان داد ؟ بهبود منیست که این ابتکار شوروی در سراسر جهان با واکنشی گسترده و با رزقلاقه روبرو شده است . ولی ایالات متحده در حقیقت آنرا با توسل به شگردی ریاکارانه رد کرد و اظهار داشت که گویا مسائل ملاقات هیئت نمایندگی و طرف موافق است ، ولی فقط برای اینکه بحث و مذاکره در اطراف مسائل مربوط به کاهش و محدودیت تسلیحات استراتژیک و محدود ساختن تسلیحات هسته ای در اروپا طبق شرایط امریکا را بقبولاند .

اما موافقت با این بجه معنی میدهد ؟ بطوریکه میدانیم ایالات متحده امریکا از طرح استقرار موشکهای خود در اروپا صریحاً نخواهد کرد و از این کار دست بردار نیست . دولت امریکا راه حل های "در حد صفر" و "بینا بینی" خود را بدون تغییر حفظ کرده است . فقط طرز بیان برای استتار مقاصد فرق میکند .

در چنین شرایطی تجدید مذاکرات درباره کاهش تسلیحات استراتژیک ، محدود ساختن آن تسلیحات هسته ای در اروپا از خطر تهدید های اتمی بیهیچوجه نمیگاست و برای دست یافتن به توافق هم هیچ روزنه امیدی در بر نداشت .

در شرایط کنونی اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی حداکثر تحمل را از خود نشان میدهند . واکنش از لحاظ میزان و خصیلت آن متناسب با خطراتی است که اقدامات ایالات متحده ایجاد میکنند . ک . او . چرننکو تأکید کرد "درباره آنچه اتحاد شوروی مربوط میشود ، باید گفت ما در جستجوی برتری برای خود نیستیم . اگر از طرف امریکا مانشانه ای از تلافی واقعی به دست یافتن بیه راحل های قابل قبول طرفین دیده بودیم از طرف ما واقعه ای در کار پدید نمیآمد" (۱) .

آیا میتوان سپر خطرناک رویداد های جهان را تخمین زد و خنثی کرد و دنیا بسوی بلیه هسته ای را متوقف ساخت ؟ حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب برادر ریان پرسش پاسخ مثبت میدهند . خوش بینی ما در این مورد ظاهری و لفظی نیست . این خوش بینی بر پایه درک امکانات عظیمی است که نیروهای صلح در اختیار دارند ، نیروهایی که قادرند نقشه های مخافل ستیزه جوی امپریالیسم را تقیم سازند . این نیروها عبارتست از :

— اتحاد شوروی ، جامعه کشورهای سوسیالیستی با قدرتی واقعی و اقتصادی آنها ؛

— جنبش تازه ضد جنگ که از لحاظ تعداد شرکت کنندگان و تنوع وضع اجتماعی آنها بسیار نظیر است و

— نیروهای ضد امپریالیستی کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین و جنبش مردم تعهد که با مشی تجاوزکارانه و نواستعماری امپریالیسم مقابل می‌کند و

— جنبش کمونیستی با پیگیرترین و متشکل ترین بخش جنبش کارگری و موکراتیک جهان و

— بالاخره، گروهها و شخصیت های واقع بین کشورهای سرمایه داری .

وجود این نیروها امکان میدهند چنین نتیجه بگیریم که بهم پیوستن مشی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی که بیانگر زور فترتین خواستها و تمایلات خلقهاست با اراد موقوف تا نیروهای صلح دوست و یگرتاد راست جریان رویداد های جهان را در جهت بهتری تغییر دهد .

ولی این کامنتیزم آنست که نگرانی عمیق و روزافزون میلیونها نفر کمزوشی تجاوزکارانه امپریالیسم ناشی شده است به اقدامات شخصی بمقیاس و با نیروی بیسابقه مبدل گرد . بحرکت در آوردن نیروی بالقوه ضد جنگ عظیم و در حقیقت لا بزوال خلقها بمعنی ایجاد سدی غیرقابل عبور در راه نقشه های هسته ای امریکا و نتاوست .

وضع رانها باید بطور تصنعی در اما تیزه کرد ، ولی به خطر هسته ای فزونی یافته همناید کم بها داد . میلیونها نفر از انسانها باید بدانند که کشتارگاه هسته ای " زمستان هسته ای " و سایرین آمد های هلاکتبار جنگ هسته ای جامعه بشری را تهدید میدکند . نتایج بررسی های دانشمندان پزشکان و متخصصین دیگر گواه این مدعا است . اگر جنگ هسته ای آغاز گردد ، میتواند همنابود ی تمدن بشری انجامد .

مردم حقایق را در باره این موضوع هرچه بیشتر درک میکنند و همن آنان را به اقدامات جدی برین انگیزد و بعد م اعتماد و خشم و نفرت نسبت به سیاستوا شنگتن افزود میگردد . تشریح و توضیح قانع کننده مسائلی که بیش از هر چیز دیگری مردم را نگران میسازد و تبلیغات پرزواشی آنها را گستاخانه تحریف میکند به این امر کمک مینماید . این مسائل بقرار زیر است : چه کسی مسئول قطع مذاکرات است ، شرایط لازم برای اوسر گرفتن آنها کدامست ، مفهوم و معنای تدابیر متقابل کشورهای سوسیالیستی چیست ، مواضع واقعی ناتو و سازمان پیمان و روشود مورد مسائل خلق هسته ای و شیمیائی ، جلوگیری از میل تار تیزه شدن فضای کیهانی و همچنین کاهش سلاحهای معمولی کدامست . محافل حاکمه ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای ناتوا استفاده از دستگاه عظیم تبلیغاتی خود میکوشند هر طور که ممکن است مانع از این شوند که توده ها عاقل واقعی بد ترشدن وضع بین الطلی و تشدد بد خطر هسته ای را درک کنند و از گسترش جنبش ضد جنگ جلوگیری نمود و با آنها بمسمرناد رستی

افتکند . کوشش برای مسکوت نهادن یا تحریف در سهای جنگ جهانی دوم هم از جمله بهمین منظور است .

در آیهایی که در پیش است چهلصین سالروز پیروزی بر فاشیسم هیتلری و میل تار تیزم ژاپن برگزار خواهد شد . محافل تجاوزکار امپریالیستی مایلند از این سالگرد بمنظور موجه جلوه دادن سیاست خود استفاده کنند . از این کار باید جلوگیری کرد . پتانسیل معنوی و اخلاقی حافظه تاریخی خلقها بسیار زیاد است و این عامل مهم جنبش ضد جنگ معاصر است . نسل های تازه انسانها در سراسر جهان باید حقایق را در باره فاشیسم هیتلری که زیر پرچم مبارزه برای " ریشه کن ساختن کمونیسم " جنگ را آغاز کرد و همچنین در باره نقش تعیین کننده اتحاد شوروی و سهم تمام نیروهای ضد فاشیسم و میهن پرست در آزادی خلقها از ظلم و ستم نازی ها بدانند . حقایق مربوط به جنگ جهانی دوم باید سلاح موثری در مبارزه علیه تد ارك جنگ تازه گردد .

مسئله مبارزه علیه گرایش های انتقامجویانه (روانشیستی) مسئله حادی است . این گرایشها اکنون طنین تازه ای یافته اند و در زمینه " جنگ صلیبی " جایی باز کرده اند . تصویب قرار مربوط به الغای آخرین محدودیت ها در راه ساختن هر نوع تسلیحات معمولی در جمهوری فدرال آلمان از طرف شورای اتحا داروهای غربی خطر روانشیسم را تشدید میکند .

موج تازه تبلیغات گسترده در باره نقض وا هوی حقوق بشر در کشورهای سوسیالیسم نیازمند واکنش قاطعانه است . بی جواب نگذاشتن حملات افترا آمیز ضد افغان در زمین حقوق بشر ، ادامه مبارزه بی امان ، افشای هر چه بیشتر نقض حقوق بشر در کشورهای سرمایه داری ، انجام این کار بطور مشخص و با بردن نام قربانیان خود کامگی و تضییق و فشار از جمله علیه مبارزان راه صلح ، نشان دادن مسئولیت امپریالیسم در نابودی جمعی انسانها ، آوار کشید ، نژاد پرستی ، اعمال تهر ظلمه توده های مردم ، افشای عواطفی های کسانکی که خود تروریسم را به سطح سیاست دولتی رسانده اند و در همین حال هم جنبش های آزاد بیخش و هم حتی پشتیبانی از این جنبش ها را " تروریسم " مینامند ، بمسود امر صلح است .

نکته مهمی هست که باید بر آن تاکید کرد و آن اینکه مسائل جنگ و صلح هم از جمله مانند تمام مسائل جهانی بخودی خود بوجود نیامده اند ، آنها از تضاد های اجتماعی جهانی و بیطرفت مبارزه طبقاتی جدائی ناپذیرند . هم اکنون میتوان دید که اعتلای تازه جنبش کارگری و اعتراضات اجتماعی توده ای در کشورهای سرمایه داری بنوع مهمی با مبارزه در راه صلح بهم پیوندند . بطور مثال این واقعیتی است که افزایش عظیم وام دولت امریکا که ناشی از همنه های نظامی است روشن و آشکار نه فقط خود امریکائی ها بلکه شرکای اروپای غربی ایالات متحده را هم متضرر میکند و البته بزبان کشورهای

در حال رشد هم که در اسارت عالی بسر میبرند هست . مقاومت قانونمند و هر چه آشکارتر در برابر ماسای
و اشنگتن بمنظور انداختن بار سابقه تسلیحاتی بدوش دیگران هم از اینجا سرچشمه میگیرد .

توده های مردم در کشورهای آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین نیروی عظیم مبارزه جهانی ضد
جنگ و ضد امپریالیستی را تشکیل میدهند . بحران در مناسبات این کشورها با کشورهای پیشرفته
صنعتی سرمایه داری تشدید میگردد . در اینجا نیز سابقه تسلیحاتی تاثیر مستقیم دارد . زیرا با
بلمعدن منابع بیحد نیروی فکری و مالی بتمتع هر چه بیشتر فاصله میان ثروتمندان و مستضعفان
می انجامد .

هیچ اعلامیه صوری هم نظیر آنچه اجلاسیه " هفت کشور " در لندن بتصویب رساند نمیتواند
این را مخفی کند که غرب بدستپای زاین در این اندیشه است که کشورهای در حال رشد را به زیر سلطه
خود درآورد و به استثمار بیرحمانه خلقهای مستعمرات و نیمه مستعمران سابق ادامه دهد . در ضمن
ایالات متحده و متحدین آن از تمام اهرمهای اقتصاد و سیاسی و در این اواخر هر چه فعالانه تر
از اهرم نظامی هم استفاده میکنند . " دیپلماسی دلار " و " دیپلماسی افعال زور آشکار " ، میتوان
گفت ، دست در دست هم عمل میکنند . در ایالات متحده امریکا برنامه کاملی برای ایجاد و سائل
نظامی تازه برای مبارزه با جنبش آزاد بیخش ملی بنام باصطلاح " نیروهای عملیاتی بالقوه " در دست
انجام است . منظور از فرماندهی واحد این نیروها که در آغاز سال جاری ایجاد گردید عملیات مشترک
مخصوص انواع نیروهای مسلح امریکا است که هدف آن سرکوب جنبش های آزاد بیخش در تمام نقاط
جهان است . این اقدام بسیار خطرناکی علیه جنبشهای آزاد بیخشا است و باید هدفهای واقعی
آنرا بر ملا ساخت .

نمونه امریکای لاتین نشان میدهد که سیاست تجاوزکارانه و مداخله گرانه ایالات متحده چگونه
موج ضد امریکایی نیرومند بوجود میآورد . در سال جاری درها و اوانا نخستین اجلاسیه مشورتی سازمانهای
ضد امپریالیستی کشورهای امریکای مرکزی و حوضه کارائیب تشکیل یافت . این اجلاسیه سند کوبنده
ضد امپریالیستی یا اعلامیه مشترکی را بتصویب رساند که مشی تجاوزکارانه و اشنگتن در منطقه در آن محکوم
گردد و به وظایف اطمینان کامل شده است که مبارزه در راه استقلال از مبارزه در راه صلح تفکیک ناپذیر
است .

در آغاز ماه ژوئیه در پوئنوس آیرس جلسه مشورتی احزاب کمونیست امریکای جنوبی برگزار شد .
در آنجا اقدامات مشترک برای مقابله با سیاست ریگان در امریکای لاتین و ویژه در امریکای مرکزی مورد
بحث و بررسی قرار گرفت . با اساس کامل میتوان گفت در قاره مرحله تازه ای از اعتراضات توده ای ضد
جنگ و ضد امپریالیستی آغاز میگردد .

در خاور نزدیک هم که یکی از " داغ ترین نقاط " سیاره ما است مقاومت علیه سیاست
تجاوزکارانه و امپریالیستی ایالات متحده و اسرائیل افزایش مییابد . این مقاومت بطوریکه در اعلامیه
جلسه مشورتی احزاب کمونیست کشورهای عربی که در روشن سال جاری تشکیل شد تاکید میگردد ،
هر چه بیشتر با جنبش بین المللی ضد جنگ در هم آمیزد .

این مسئله که پتانسیل ضد جنگ عظیم خلقهای آسیا را چگونه باید بحرکت درآورد بویژه
اکنون بسیار حاد و مهم است . برگزاری مجمع بزرگی از نیروهای اجتماعی میتوانست نیروی محرکه
جدی در این جهت باشد . در ششمین کنگره سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا که در الجزیره
تشکیل گردید چنین پیشنهادی مطرح شد . اندیشه های سازنده جنبش عدم تعهد و پیشنهادات
و ابتکارات مشهور جمهوری خلق مغولستان ، ویتنام ، لاوس ، کامبوج ، جمهوری توده ای و موزکراتیک
کره و اتحاد جماهیر شوروی میتواند در این مجمع مورد بحث و بررسی قرار گیرد . البته ، در اینجاده شواری
های بزرگی هم موجود است که بر طرف ساختن آنها زمان لازم دارد . ولی هدف روشن است :

صدای خلقهای آسیا هم برای دفع خطر جنگ باید هر چه رساتر شنیده انداز گردد .
در باره سازمانهای اجتماعی اتحاد شوروی میتوان گفت آنها در کنفرانس های مختلف و سایر
اقدامات ضد جنگ اشتراک جسته و خواهند جست و حقایق مربوط به سیاست کشورهای سوسیالیستی
را تشریح خواهند کرد .

جنبش کمونیستی در مبارزه ضد جنگ خلقها نقش ویژه ای دارد که با هیچ چیز دیگری نمیتوان
آنرا عوض کرد . در شرایطی که خطر هسته ای جهان را تهدید میکند کمونیست ها که همواره مبارزان
فعال علیه ظلم و استثمار انسان بوسیله انسان بوده اند ، بوسیله خود زندگی به صفوف مقدم
مبارزه برای حفظ تمدن و حق حیات برای انسانها جلب میشوند . آنها با درک عمیق هلال واقعی و منابع
خطر جنگ هدفهای مبارزه ضد جنگ را به فتوروشنی معین میکنند ، روح خوش بینی و رزمجویی به جنبش
ضد جنگ می بخشد و از دایه لوگ و همکاری میان تمام نیروهای صلح دوست ، صرف نظر از جهان بنیسی و
معتقدات سیاسی ، طرفداری میکنند .

وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم ، انترناسیونالیسم پرولتری و تحکیم صفوف خویش شرایط
مهم موفقیت در تحقق وظایفی است که در برابر جنبش کمونیستی قرار دارد . این را خطر روز افزون جنگ
هسته ای و استراتژی " جنگ صلحی " که امپریالیسم امریکا آغاز کرده ، تشبیه موقعیت نیروهای
راستگرای بورژوازی که به حمله هم آهنگی به سطح زندگی و حقوق اجتماعی زحمتکشان دست زد مانند
و ضرورت همبستگی فعالا تشری و تشریبا سوسیالیسم موجود و مبارزه آزاد بیخش خلقهای آسیا ، آفریقا و
امریکای لاتین نیز صراحت الزام میکند .

تجربه باشد بیشتر تایید میکند گمنان میکهارچگی هر چه گسترده تر تا جنبه‌ها بر پایه مبارزه ضد جنگ از اهمیت وظیفه همبستگی انترناسیونالیستی کمونیست‌ها در حال حاضر بر پایه اصول طبقاتی (که تعیین کننده سمای مستقل جنبش کمونیستی است) چیزی کم نمیکند. در ضمن چنین همبستگی هنگامی بعد اعلیٰ تر بخش خواهد بود که احزاب کمونیست بخش فیروسیالیستی جهان با احزاب اکثریت با احزاب برادرجامعه کشورهای سوسیالیستی عمل کنند.

پیش کشیدن مسائل مبارزه ضد جنگ در فعالیت کمونیست‌ها نقش اتحاد های ضد انحصاری و فعالیت آنها را کاهش نمیدهد. این جهات کار احزاب برادری بخش غیر سوسیالیستی جهان عطا پشتیبان یکدیگر بوده و متقابلاً یکدیگر را تقویت میکنند. علاوه بر این خود مبارزه ضد جنگ هم در واقع مبارزه علیه تجاوزکارترین و ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیسم و علیه "احزاب جنگ" درون بورژوازی بین‌المللی است. بنابراین آنها بطور عینی دارای طبل اجتماعی و طبقاتی است.

بخودی خود معلوم است که کمونیست‌ها با ابتکارات ویژه خود و تدابیر مشترکشان بهیچوجه خود را از سایر نیروهای سیاسی و اجتماعی که متحد آنها در مبارزه در راه صلح و ترقی اجتماعی هستند و با هم توانند باشند جدا نمیکنند. دیدارهای احزاب برادریه دیا لوج و همکاری گسترده و سازنده جریانهای متنوع صلح و ضد امپریالیست، در ضمن حفظ کامل خود و یوگی و استقلال آنها، همواره نیروی محرکه شدیدی بخشیده است. فراخوان‌های آنها همیشه خطاب به مغلقتها و جامعه بشری بوده است.

شرکت کنندگان در آخرین اجلاس دهیوان کمیته‌های مرکزی احزاب برادری کشورهای سوسیالیستی و بیژمسائل بین‌المللی واید پولونیک (پراگ ژوئیه سال جاری) خواستار افزایش همبستگی و همکاری تمام احزاب کمونیست و کارگری شدند. آنها برای دیا لوج جدی سیاسی و همکاری با احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات و نیروهای اجتماعی - سیاسی مختلف در صفوف جنبش ضد جنگ و ضد موشک، بسود جستجوی راههایی که به محل و فصل سازنده مسائل ضد جنگ و صلح و نیایان دادن به مسابقه تسلیحاتی (در درجه اول هسته ای) انجامد و اظهار آمادگی کردند. روشن است که ساختمان، پیشرفت و تکامل جامعه سوسیالیستی موجود چه اهمیت فراوان و حتی اساسی برای سیاست جهانی و آینده سراسر جامعه بشری دارد. بیست و ششمین کنگره وینوم‌های بعدی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برنامه مشخص تکامل جامعه سوسیالیستی پیشرفته در کشور ما را از لحاظ نظریه مدلل ساخته و تایید کردند. این برنامه تمام جهات زندگی جامعه ما را، از پیشرفت نیروهای مولد واید پولونوی در بر میگیرد.

این برنامه بطور پیگیر و عملی می‌شود. تحکیم انضباط، افزایش نظم و ترتیب و بالا بردن احساس مسئولیت کارها مشهود است. حزب، بدون گاستن از توجه خود بدین عوامل، گامی قراتی بسوی تغییرات کیفی می‌نهد که نوسازی بنیاد های تولیدی بر پایه پتانز متزین دست آورد های طبقه کارگر کمونیست بهیچود بنیادی سیستم مدیریت، تجدید ساختمان مکانیسم اقتصادی و تکامل روحی سیاسی، ایدئولوژیک و پیشرفت سوابقات اجتماعی را میطلبند.

در قرن انقلاب علمی و فنی و در سطح کنونی بیکار و سیستم اجتماعی جهانی این راه بمانا امکان میدهد: الف) پتانسیل اقتصادی شایسته سوسیالیسم آخر قرن بیستم بوجود آوردن و ب) چنان سطح زندگی برای خلقهای کشورهای سوسیالیستی تا همین کیم و سطح آگاهی و فرهنگی تود بهاراتا اندازه ای بالا ببریم که با سخگونی موازین عالی تمدن معاصر باشد و پ) قدرت دفاعی لازم برای دفاع از دست آورد های سوسیالیستی و حفظ شرایط مسالمت آمیز برای ساختمان سوسیالیسم در کشورهایمان در اختیار داشته باشیم، و این قدرت دفاعی ضامن مطمئنی برای حفظ سکنه زمین در مقابل جنگ هسته ای باشد. ب) افزایش مداوم وجهه سیاسی و نفوذ سوسیالیسم در سیاست جهانی دست یابیم. ب) جاذبه سوسیالیسم برای خلقها را افزایش دهیم، زیرا این جاذبه به برتری سرنوشت سازی در نبرد میان سوسیالیسم و سرمایه داری برای جلب افکار مردم بوجود میآورد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با چنین معیارهایی به فعالیت خود برای تکامل جامعه شوروی برخوردار میکند.

هریک از احزاب برادری کشورهای سوسیالیستی در شرایط ویژه ملی خود در چهار چوب جامعه کشورهای سوسیالیستی مشغول حل بفرنج ترین مسائل ساختمان و پیشرفت سوسیالیسم است. این تجسم کنکرت رسالت میهن دستانه و انترناسیونالیستی بزرگ احزاب کمونیست حاکم است. کار اجلاس پراگ دهیوان کمیته‌های مرکزی احزاب برادری کشورهای سوسیالیستی ویژه مسائل بین‌المللی واید پولونیک نشان داد که اکنون نظرمشترک در برخورد به حل مسائل گرهی وضع بین‌المللی تاچه اندازه برای جهان سوسیالیستی مبرم است. بهینهم این برخورد باچه چیزی مشخص و معین میگردد. بنظر نگارنده نکات عمده زیر را در بر میگیرد:

— پیروی پیگیر و استوار از مشی مشترکات تهیه شده باشد، در عرصه بین‌المللی در تمام جهات، در جنبه‌های دیپلماتیک، ایدئولوژیک و تبلیغاتی یعنی هر آنچه که موضع کنونی، خطر مبارزه طلبی امپریالیستی و ضرورت تامین شرایط مساعد بین‌المللی برای پیشرفت و تکامل نظام سوسیالیستی الزام میکند. نقش روز افزون وحدت میکهارچگی کشورهای سوسیالیستی، میکهارچگی احزاب برادری بر پایه اصول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری هم از اینجا سرچشمه میگردد.

— اقدامات مداوم برای تحقق مشی سیاست خارجی هم آهنگ و استفاده از تمام وسایل سیاسی و تبلیغاتی که احزاب و کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در اختیار دارند .
 — جستجوی توأم با ابتکار اشکال عملی همکاری با نیروهای اجتماعی مترقی مختلف ، بر قراری دیالوگ و همکاری با آنها با خاطر سالم سازی محیط اخلاقی — سیاسی در جهان .
 — نهایت ، پیوند ارگانیک فعالیت های داخلی و بین المللی . در آخرین تحلیل —
 شمر بخشی و حاصل کوشش ها در مبارزه ایدئولوژیک در عرصه بین المللی تا حدود زیادی وابسته به این است که کارها در هر کشور سوسیالیستی جداگانه و در جامعه کشورهای سوسیالیستی روی هم رفته تا چه اندازه با موفقیت انجام شده و میشود .

حزب کمونیست اتحاد شوروی و رهبری آن یقین دارند که کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی سایر کشورهای صلح دوست و تمام خلقهای روی زمین این امکان را دارند که با مساعی مشترک مانع آن شوند که امپریالیسم تلاشهای خود را در این راه بکاربرد که مناقشه تاریخی با سوسیالیسم را در راه های جنگ هسته ای حل و فصل کند و در همین حال قدرت آنها را دارند که این توطئه شوم علیه جامعه بشری را عقیم سازند . سوسیالیسم و امر صلح جدائی ناپذیرند .

در پیکار برای دموکراسی باید پیروز شد

محمد فرهاد

دبیرکل کمیته مرکزی حزب
 کمونیست بنگلادش

در زندگی سیاسی کشور ما از سال ۱۹۷۵ به اینطرف گرایش برای بدست آوردن حاکمیت باکشت و کشتار و شورش پدید آمد . ۱۵ اوت همان سال جناح ارتجاعی طرفداران امپریالیسم ها کسه حزب عوامی مجیب الرحمان در زد و بند با برخی محافظ ارتشی ایجاد کرده بود کودتا کرد . خسود مجیب الرحمان و اعضای خانواده اش وحشیانه بقتل رسیدند (۱) .

تا همین امروز (یعنی طی نه سال از سیزده سال و شش ماهی که بنگلادش استقلال یافته است) زندگی کشور سرشار از شورش و اغتشاش است و بی اندازه بی ثبات . در طول این مدت زمان امر مستقیم یا غیر مستقیم ، در دست ارتش است . سلسله رویداد هایی که پس از قتل مجیب الرحمان بوقوع پیوست سگان رهبری کشور را به سر لشکر ضیا الرحمان واگذار کرد . او برای محاکمه و مجازات قاتلین مجیب الرحمان هیچ اقدامی بعمل نیاورد . بعکس کوشش شده است که نام " پدر ملت " را از صفحه تاریخ مایاک کنند . سپس خود ضیا الرحمان هم بوسیله دسته بندیهای نظامی رقیب کنار گذارده شد . آنهایی هم که او را برکنار کردند ، در واقع بمجازات نرسیدند . بالاخره در مارس سال ۱۹۸۲ ژنرال ح . م . ارشاد با اعلام حکومت نظامی حاکمیت را بدست گرفت .

او بدون چون و چرا اعلام داشت : باید راه بوسیله ای یافت که برای همیشه به خونریزی و فحش حاکمیت پایان داده شود . برای این کار پیشنهاد شد در قانون اساسی کشور ماده ای منظور گردد که مقام دائمی در ارگانهای قوای مقننه و مجریه بمنبروهای مسلح اختصاص دهد . ارشاد میگفت چون نظامیان بمنزله " بهترین اندیشمندان " جامعه و ارتش و نهاد ملی هستند نه نیروی بیگانه ، همگان

۱ — فقط بود و خستریزیدنت که در آنتهنگام خسار از کشور بودند از این فاجعه جان سالم

بدر بردند .

باید بدانها حق بدهند که در رهبری کشور شرکت کنند . در ضمن انزومنه‌های اندونزی و ترکیه را در نظر میگرفت و میخواست بنگلادش را هم بهمان راه سوق دهد .

این اندیشه موجود داشت : برای بهبود وضع اقتصاد باید فساد را بشکن ساخت و اقتصاد کشور را شریک ترادار کرد و گویا این اقدامات فقط هنگامی امکان پذیر است که نظامیان بطور مداوم در رأس حاکمیت باشند . اینکه زنرال ارشاد از بهبود وضع اقتصادی " چمنظوری داشته نیازی به شرح وسط ندارد . این کار برای اوصحنی پیروی از دستورات امپریالیست ها و گام برداشتن در راه پیشرفت سرمایه داری وابسته است . " مبارزه با فساد " بمعنی بدست آوردن حق شرکت در حیف و میل غیرقانونی دارائی کشور " افزایش شریک شدن کار دستگاه دولتی " تمویض بوروکراسی غیر نظامیان با بوروکراسی نظامی است . اینک دو سال است که این خط مشی پشت در نیال میشود . ماهیچوقت نکته مهم کگویا نیروهای مسلح در دست دشمن مردم است . این نیروهای ملی مسا در لباس ارتش است ، ولی گروه بندیهای اجتماعی برای استفاده از نیروهای مسلح در راه منسافع آزمندان خویشتن برای نظامیان وضع فوق العاده ممتازی بوجود میآورند . قشرفوقانی حاکم بر کشور پس از نصب حاکمیت بنام ارتش از سیاست ضد خلقی پیروی میکند که مطلوب امپریالیسم و اعمال محلی آن و در درجه اول به سود کمرادر و رها و کمسانی است که بحساب خزانه دولت ثروت اندوخته اند . در همین حال تعرض به حقوق و موکراتیک مردم هم افزایش مییابد . چنین است خصمه اساسی حکومت نظامیان در کشور ما ، در بنگلادش . در ضمن با هر تغییر نهی دولت سمت ضد خلقی مشی هم که در نیال میشود هر چه آشکارتر میگردد .

دستآورد های مرفقی نخستین سالهای استقلال ، اینک به یاد رفته است . حکام نظامی که با امپریالیست هازد و بند دارند با رستگین استثمار اقتصاد ی نواستعماری راه کشور را تحمیل میکنند . به پشتیبانی و بتوافق کامل آنان قشری از بود ولتان که بحساب غارت بی بند و بار خزانه دولت ثروتمند میشوند بد میآید . و اصبا و اعتباراتی که از بانکهای ملی شده به میزان صد ها میلیون تا (۱) گرفته شده با زمین داده نشده است . سود اگران بدون آنکه وامهای گذشته را برداخته باشند ، وامهای تازه ای میگیرند و با پولهایی که در واقع زردیده اند بانکها و موسساتی را که در گذشته بد ولت متعلق بود به ثمن بخش خریداری میکنند .

طبق محاسبات ما ، بنگلادش از منابع خارجی بشکل کمکهای گوناگون ۲۷۰ میلیارد تا کار ریافت کرده است . صرف پول در بخش های غیرمولد و فساد شد بد رکار کارمندان دولت منجر بد ان گردید

۱ - واحد پول بنگلادش ۲۳۷۵ تاکا برابر یک دلا و ایالات متحده امریکا است .

که پولها به حیب قشرفوقانی بوروکرات و نوکیسه‌های دزد خزانه دولت سران بر میشد . نوکیسه هیا ریخت و پاش فراوان دارند و اغلب به میزان بیشتری از ثروتمندان کشورهای پیشرفته سرمایه داری پول خرج میکنند . بطور مثال حاضرند برای ساختن حمام خانه خود یک میلیون تا یکصد برسانند . این راهبرسم در کشوری است که از لحاظ سطح زندگی اهالی مقا قابل آخر را در جهان دارد . درآمد صرانه سالانه در کشور ما به ۹۰ دلا میرسد . ۸۷ درصد از اهالی بنگلادش زیر سطح فقر و مسکنت زندگی میکنند و بیش از نیمی از آنها ، در شرایط فقر شدید ، زندگی دارند که شایسته هیچ انسانی نیست (۱) . ما اینک ارتام دیگری را برای مجسم ساختن واقعیت دشوار زندگی در بنگلادش ارائه میدیم . از هر سنفر یک نفر بیکار است . از هر پنج نفر فقط یک نفر با سواد است . در آستانه آزادی کشور ۳۰ درصد دهقانان بی زمین بودند ، اکنون این شاخص به ۶۰ درصد میرسد . قدرت خرید پول کشور (نسبت به ارزهای خارجی) در مقایسه با سال ۱۹۷۰ ده بار کاهش یافته و مزد واقعی کارگران و کارمندان تا چهار برابر تنزل کرده است .

بنگلادش یک کشور کشاورزی است . ولی هیچ اصلاحات ارضی جدی که هدف آن تغییر سیستم صنایع اجتماعی عهد عتیق در روستا باشد ، تاکنون انجام نگرفته است . برای مدرن کردن تولیدات کشاورزی هم کار مهمی نشده است . سطح نازل هم از خصائص صنایع کشاور است . اقتصاد عملا در حالت رکود است . با آنکه حد و میزان تکثیر نفوس در سطح بالای است ، کوششی که برای پیشرفت تولید بعمل میآید بطور پیروزی غیر ممکن است . یگانه شکل فعالیت در این جهت در واگذاری موسسات بخش دولتی به بخش خصوصی خلاص میشود . کمبود کالا های کشاورزی و صنعتی بدیده عادی است . ولی این کمبود برای سود اگران کمراد و مساعدترین امکانات را فراهم میکند ، چون کمبود را اجبارا باید با واردات جبران کرد و معاملات وارداتی مرتبط با کمک خارجی هم در حقیقت " گنج باد آورد " است . سیاست خارجی دولت هایی که پس از کودتای سال ۱۹۷۵ یکد بگروا هوش کرده اند و از جمله دولت کوشی عبارت از تن دادن به " دیکتات " امپریالیسم ، در درجه اول امپریالیسم امریکا ، و تعلق و جاپلوسی به سابقه در مقابل محافظی بوده است که در نظر داشتند از آنها کمک بگیرند (مانند رژیم های اسلامی راستگرا و از جمله عربستان سعودی و پاکشوری مانند چین) . در همین حال تیسرگی شد بد روابط بانکشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه با اتحاد شوروی ، چشم میخورد . پس از آنکه در نوا برود سامبر سال ۱۹۸۳ تظاهرات برای دفاع از دموکراسی و مطالبه انقای حکومت نظامی گمقترض و شدت یافت اولیای امر به فانتزی و خیال پروری پرهیال داده و " دستمسکو " را در پس پرده پدید آید . دیدند . بد نیال آن مرکز فرهنگی اتحاد شوروی در اکتامطیل شد و یک سلسله اقدامات ضد شوروی دیگر

۱ - ارتام مربوط به سال ۱۹۷۹ است و از آن زمان به بعد وضع فقط بدتر شده است .

بعمل آمد .

نمونه بارز چرخش تند در مستگیری سیاست خارجی بنگلادش ، برخورد آن بناوگان هفتم آمریکا است . در روزهای کمخلاق مادر گریه گامگامشیدی در راه آزادی بود ، کشتی های آن ناوگان آبهای قلمرو ربانی کشور را در خلیج بنگال میشکافتند و نیات خصمانه خود را هم پنهان نمیکردند . ولی مقدر نبود کمینات آنها جامع عمل بیوشد زیرا هندوستان و کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی قاطعانه از مبارزه آزاد بیخوش ما پشتیبانی بعمل آورده و بدان کمک کردند . ولی اکنون دولت موافقت کرده است بناد بنگلادش را بروی ناوگان هفتم آمریکا بازگذارد .

هرگاه بخواهیم بطور خلاصه از آنچه گفته شد نتیجه گیری کنیم باید گفت : ما با پیرویه بازگشت به عقب ، در جهتی خلاف آنچه کشور ما بلافاصله پس از دست آوردن آزادی گام نهاد روبرو هستیم . اکنون ما زهد ف و آوارمانهای آن دوران بسیار ورشده ایم . نتیجه بحران عمیق بمقاس سراسر کشور است .

سیاست دولت زندگی مردم راه رنج بد اوم و گرفتاری همجانیه مبدل کرده است . حکومت نظامی ، سرکوب دموکراسی و بحران اقتصادی حاد موجب ناراضی شدید مردم است . در این اواخر توده های مردم هر چه قاطعانه تر مبارزه دست میزنند و دولت را به بیگانه قزاس خوانند . اکنون جنبشی در راه دموکراسی آغاز کرده که زمینه بسیار گسترده ای دارد . شعار عمده آن الغای فوری حکومت نظامی و انجام انتخابات عمومی برای پارلمان است .

وقتی در ژانویه سال گذشته ، در زمینه تشدید مخالفت ها با دولت ، ارشاد اعلام داشت که بنگلادش " جمهوری اسلامی " خواهد شد ، این سخن در محافل روشنفکران و قشرهای متوسط موجب خشم و غضب انبجار گونه بمعنی واقعی گلمه شد . مردم کشور ما از این قبیل فزاحوان های " اسلامی " طی حاکمیت پاکستان بیش از حد و اندازه شنیده اند .

احزاب دموکراتیک عمده کشور به رنگ د بلوک معروف به اتحاد پانزده حزب متحد شدند . در این بلوک ، علاوه بر کمونیست ها ، حزب عوامی و حزب ملی مردم ، سازمانهایی هم داخل شدند که زمانی بمشئی طرفداری از یکن گرایش داشتند و موضع آنها در گذشته اساسا در مخالفت با حزب کمونیست بنگلادش و حزب عوامی خلاصه میشد . طی دوران گذشته نظریات سیاسی آنها در ستخوش تغییرات چشمگیری شده است .

نیروهای عمده اتحاد را حزب عوامی تشکیل میدهد . این بدان معنی است که رهبری جنبش اینک در دست بورژوازی است . ولی نکته دیگری هم کاملا روشن است : حزب عوامی بدون کمونیست ها و سایر سازمانهای چپ و یگرا احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی نظیر آن قادر نیست به این جنبش تحریک

بخشد . این کار را عهد لیدران بورژوازی به تنهایی بر نمآید .

نقش واحد ضربه ای در جنبش های بزرگ اجتماعی در بنگلادش را بطور مستقیم دانشجویان ایفا میکنند . در فوریه سال گذشته آنها با صفوف یکپارچه با سیاست ضد خلقی در عرصه آموزش و پرورش مخالفت کردند و خواستار الغای حکومت نظامی و ایجاد دولت دموکراتیک گردیدند . حکومت نظامی باین عمل با تضییق و فشار شدیدی پاسخ داد . بسیاری از دانشجویان با گلوله پلیس بهلاکت رسیدند . رهبران اتحاد ۱۵ حزب ، از جمله نویسنده این مقاله در زندان اداره ضد جاسوسی ارتش زندانی شدند .

حتی د خترم . رحمان خُمنیه هم زندانی شد (اکنون او حزب عوامی را رهبری میکند) . ولی اقدامات حکومت نظامی فقط به تشدید مبارزه ای انجامید که بزودی سراسر کشور را فرا گرفت . دولت مجبوره گذشت هاشی شد . رهبران اپوزیسیون از زندان آزاد گردیدند . در عرصه ای که فعالیت سیاسی نامید میشود تسهیلات محدودی بعمل آمد (پس از اعلام حکومت نظامی هرگونه فعالیت سیاسی قذفن شده بود) .

وحدت شرکت کنندگان در اتحاد ۱۵ حزب استحکام یافت . آنها برنامه سیاسی مشترکی تهیه کردند . مواد اساسی این برنامه عبارتست از : الغای حکومت نظامی ، احیای اشکال دموکراتیک پارلمانی اداره امور کشور بر پایه قانون اساسی سال ۱۹۷۲ (یعنی پیش از اضافه کردن تبصره ۴ بدان) (۱) . بعد ها خواسته های مهم دیگری هم به برنامه اضافه شد . احیای دست آورد های مترقی مبارزه آزاد بیخوش ، بازگشت به سیاست ملی کردن و انجام اصلاحات ارضی از جمله این خواسته ها است . اتحاد خواستار ارضی نیازمندیهای عادلانه کارگران کشاورزی بدون زمین ، سبکاران و دهقانان فقیر ، افزایش مزد و حقوق کارگران و کارمندان ، قبول حق آنان برای متحد شدن در اتحادیه ها و شرکت در اداره امورات . ما اولیای امورا به پیروی از سیاست خارجی مستقل ، ضد امپریالیستی و صلحجویانه ، حل فصل مسائل مربوط به مناسبات متقابل با هندوستان و سایر کشورهای همسایه بطریق مسالمت آمیز و بهبود روابط با کشورهای سوسیالیستی فرامخوانیم . فعالیت روز افزون احزاب عضو اتحاد و نظاهرات توده ای گف آنها ترتیب میدهند بلافاصله در تشدید مبارزات مردم موثر واقع شد .

۱ - این تبصره که در سال ۱۹۷۵ با ابتکار مجیب الرحمان به تصویب رسید تمرکز تمام اختیارات قوه مجریه و مقدرات قابل توجهی از اختیارات قانونگذاری در دست رئیس جمهوری را شامل میشد . تجربه نشان داد که این نظریه در شرایط کشور ما در واقع دارای گرایش مبدل شدن به دیکتاتوری فردی است . علاوه بر این برای توطئه گران هم هنگامیکه لازم شود همین فرد معین را برکنار سازند آسان تر است که بر حاکمیت خلا ایجاد کرده و دولت را تغییر دهند . با اتکا به تجارت گذشته ما تصمیم گرفتیم از خواست بازگشت به سیستم پارلمانی حاکمیت پشتیبانی بعمل آوریم .

در عرصه سیاسی، هموارزات اینها حوادث دیگری هم بوقوع می پیوست. ژنرال ارشاد موفق شد در حزب ناسیونالیستی بنگلادش تفرقه و انشعاب بوجود آورد و جناح انشعابی را تحت حمایت خود قرار دهد (تاری کار آمدن ارشاد، این حزب، حزب حاکم بود). بجای است یاد آوریم که دولت حزب ناسیونالیستی بنگلادش بموقع خود از پیش پهری میگرد که با سیاست دولت کنونی ابد اتفاق می افتد. آند دولت هم به ارتجاع راستگرا گرایش داشت و علیه حزب ماتزبیک و فشار ویژه ای بعمل میگرد. ولی بهر حال دولت گذشته زمام امور را در نتیجه انتخابات بدست آورد، اگرچه آن انتخابات دارای نواقص بسیاری بود. ارشاد هم اکنون هم از آن انتخاب میگرد. او با استفاده از تمام قدرت خود بمنزله فرمانده کل قوا، حزب تازه ای سرهم بندی میکند. کابینه وزرای او از ژنرال ها، چند کارمند دولت و افراد ویژه ای که از این حزب انتخاب کرده تشکیل میشود (نخست وزیر هم از همین گروه اخیر است). بدین ترتیب با اعمال آشکاره و تهریه حزبی بر کارگرد بد و حزب دیگری (بدون انجام انتخابات) زمام امور را بدست گرفت.

پس از بد این انشعاب در حزب ناسیونالیستی بنگلادش، جناحی که تحت رهبری بیوه رئیس جمهوری مقتول، بگم خالد اضیاء، بود سازمان خود را استحکام بخشید و تحت تاثیر روحیه رزمجویانه بود و هابه فکر شرکت در مبارزه افتاد. ولی برنامه ای که او مطرح میکند، بر فراری دموکراسی پارلمانی، تحقق اصلاحات ارضی، پاپهروی از پیش ضد امپریالیستی را الزام نمیکند. علاوه بر این دولت ارشاد باین دلیل مورد انتقاد قرار میگیرد که "در مقابل هند وستان اظهار بندگی میکند" در حالیکه هند وستان دارای مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی است! بنا بر این میتوان گفت علاوه بر اختلاف واقعی در مسائل بنیادی سیاسی میان حزب ناسیونالیستی بنگلادش با گردانندگان کنونی وجود ندارد. ولی، آن حزب، بهر حال، نسبت به حکمروایی نظامیان در پاپهروسمون است و از دموکراسی حرف میزند. بهربری آن بلوک دیگری متشکل از ۷ حزب بوجود آمد.

بمنظور گسترش زمینه اجتماعی جنبش (تا حد اکثر ممکن) با ابتکار ماگامهایی برای دست یافتن به تفاهم متقابل معینی میان اتحاد پانزده حزب و بلوک تازه بداشته شد. در نتیجه برنامه مشترکی بدید آمد که خواستههای اساسی زیر را دربردارد: ۱- الفای حکومت نظامی، ۲- احیای حقوق دموکراتیک، ۳- از جمله حق فعالیت سیاسی، ۴- انجام انتخابات پارلمانی بمنزله یک اقدام ضروری فوری و واگذاری حاکمیت به پارلمانی که در باره مسئله منوط به شکل حکومت باید تصمیم بگیرد، ۵- آزادی تمام زندانیان سیاسی، ۶- تشکیل کمیسیون بمنظور بررسی شرایط وطل بهلاکت رسیدن دانشجویانی که در فوریه سال ۱۹۸۳ بقتل رسیدند و مجازات سخت کماتیکه در این جنایت دست داشته اند. این سند حیاتی سیاسی در سراسر کشور بمنزله برنامه پنج ماده ای مشهور است. پشتیبانی گسترده تمام قشرهای اهالی بدان غصلت خواست تمام خلق را داده است.

توافق میان بلوک ۱۵ و ۷ حزب که در برنامه ۵ ماده ای تجسم یافته، امید فراوانی بسبب موفقیت جنبش به مردم بخشیده است و در همین حال دولت را بیشتر ضربه زده است. با اینهمه، اگرچه هر دو ائتلاف در مبارزه علیه حاکمیت نظامی برای دموکراسی زمینمشتکی پیدا کرده اند، اختلافات سیاسی بنیادی میان آنها باقی است. به همین دلیل است که ما هیچوقت سعی نکردیم تفاهم متقابلی را که بدست آمده گسترش دهیم و بطور مثال، جنبه واحدی ایجاد کنیم. خط مشی مابارت از هم آهنگ ساختن اقداماتی است که هموارزات هم انجام میگرد. این سیاست ثمرات خود را بهار میآورد. خونتهای نظامی که مبرانه خواست "انتخابات پارلمانی، پیش از هر اقدام دیگری" را پشت گوش می اندازد، تلاش کرد انتخابات برای ارگانهای اداری محلی را انجام دهد تا زمینه ای فراهم سازد که دولت کنونی بتواند آنرا تکیه گاه خود قرار دهد. هر دو بلوک ۱۵ و ۷ حزب مردم را به تهریم این انتخابات فراخواندند. دولت بمنظور تامین موفقیت خود در این امر آماده بود از تمام قدرت دستگساره اعمال قهر استفاده کند، ولی مقاومت قاطعانه توده های مردم دولت را مجبور کرد از این کار صرف نظر کند. این پیروزی خلق که ابتکار و ائتلاف حزبی الهام بخش مبارزات آن بود وضع را در عرصه سیاسی دگرگون ساخت.

این تفاهم موفقیتمان بود. میتوان از بدست آوردن امکان فعالیت سیاسی علفی، آزادی اکثریت زندانیان سیاسی، از جمله کمونیست ها، خانه پیگردی که چندی پیش علیه تنگ رنده این مقاله با تهمام ساختگی "تحریک به شورش و قیام"، آغاز شده بود و مانند اینها نیز سخن گفت. به نسبت تشد بسند مبارزه کارگران، کارمندان، دهقانان بی زمین و صمکاران نیز هر یک به بر آورده شدن برخی از خواست های خود توفیق یافتند. ولی این را نباید فراموش کرد که اساس خواستههای مردم که برنامه سیاسی حیاتی پنج ماده ای بود، بالاخره از طرف دولت پذیرفته نشد.

پس از پیروزی جنبش تحریک انتخابات ارگانهای محلی ارشاد ۲۲ حزب را به دپالوگ برای یافتن راه خروج از بحران سیاسی فراخواند. ما هیچوقت تمام دوهارا در زمینه تلاش برای حل و فصل مسالمت آمیز مسائل نیمه تمامیم. هر دو بلوک در دپالوگ شرکت کردند، ولی گفتگها شکست کامل رو سرو شد، زیرا رئیس دولت غاصب از نقشه های خود بمنظور باقی ماندن در سمت ریاست جمهوری، بیک یک ترفند انتخاباتی دست برداشت. در جریان این دیدار، او موافقت کرد، قبل از هر چیز، آغاز انتخابات پارلمانی را اعلام کند. ولی این یک بلوف آشکار است، زیرا، چنانکه از تمام او خطاب به مردم در ۱۲ ماهه سال ۱۹۸۴ بر میآید، پارلمان تا وقتی که خود ارشاد به سمت رئیس جمهوری انتخاب نشود تشکیل نخواهد شد. به همین جهت هم ۱۵ حزب وهم ۷ حزب برنامه ای را که دوازده ماهه تهیه و اعلام شده بود، رد کردند.

طبق قوانین بنگلادش نظامیان حق شرکت در احزاب سیاسی و بطور کلی فعالیت سیاسی ندارند . اولیای امور کونی برای این قبیل قوانین احتیاطی قائل نیستند و مستقیماً در زندگی سیاسی دخالت میکنند . هرگاه به این گرایش پایان داده نشود ، شرکت در انتخابات برای احزاب اپوزیسیون بی معنی خواهد شد .

ما از اعتراض طمیمند اخله مداوم ارتش در پروسه سیاسی باز نخواهیم ایستاد و امید داریم که نیروهای دموکراسی از این بروز شوند ، زیرا تود مها با ما هستند . ولی اگر دولت عقب نشینی نکند و خواستهای مردم را بر آورده نسازد و نیروی ارتش را علیه مردم به میدان آورد وضع فوق العاده جدی بوجود خواهد آمد . اکنون در زندگی کشور لحظه بحرانی پدید آمده است (۱) .

یکپارچگی بیسابقه طبقه کارگری از خصائص مهم وضع حاضر است . طبقه کارگران با ایفای نقش مهمی در جنبش سیاسی سراسری ملی ، در همین حال در راه بر آورده شدن خواستهای ویژه خویش مانند افزایش دستمزدها ، امکان ایجاد اتحاد بهای کارگری و غیره همباز میگردند . با کوشش مستمر ۱۶ فدراسیون سندیکائی کمیته واحد عملیاتی کارگران و کارمندان برای دفاع از منافع زحمتکشان تشکیل شد . بدوئت این کمیته ۲۸ آوریل سال جاری اعتصاب بی نظیر دامنه داری سازمان داده شد که سراسر کشور را فراگرفت .

بعلت پافشاری دولت ، کمیته عملیاتی خواست که روزهای ۲۳ و ۲۴ مه مهم اعتصاب تازه ۴۸ ساعته ای تشکیل داده شود . طبقه کارگران با قطعیت عمل میکرد و دولت در برابر قدرت یکپارچه صفوف آن ناچار شد تن به شکست در دهد . شب ۲۱ ماه مه دولت بارهبران سندیکا ها موافقت نامه ای را به امضاء رساند که بر اساس آن حداقل دستمزدها کارگران از ۲۷۰ تا ۴۶۰ تاکا افزایش یافت و بسیاری از حقوق آنها بر رسمیت شناخته شد .

از شخصیت های تشریفاتی حاکم گرفته تا مردم عادی ، تمام کسانی که اندک تصویری در ساره رویداد های کشور دارند بدین نکته معتقدند که نقش عمده در جنبش کارگری را کمونیست ها و اتحاد بهائی که تحت رهبری آنها است ایفا میکنند . چون ، همانطور که گفته شد ، بنگلادش یک کشور کشاورزی است و ما مقدم بر هر چیز در تشکل کارگران کشاورزی و دهقانان اصرار میبریم . آنها در این او اخر موفقیت هایی در مبارزه بدست آورده اند . دولت مجبور شد حداقل دستمزدهای برای بخش کشاورزی مقرر کند و خواست دهقانان بی زمین و سهامکاران را در بر برد ریافت و موسم محصول و تثبیت حق آنان در مورد زمینی که روی آن کار میکنند بر آورده سازد .

۱ - این مقاله در ژوئیه سال ۱۹۸۴ بدست ما رسیده است .

کمونیست ها در جنبش های جوانان و دانشجو یان هم فعالانه شرکت میکنند . بزرگترین سازمان زنان بنگلادش را رفقای ما بوجود آورده اند . آنها در رتظاهرات و سایر فعالیت های روشنفکران مانند مهند سین ، پزشکان و غیره هم در صف مقدم قرار دارند . جنبش صلح در کشور با هنوز ادامه گسترده ای ندارد ، ولی در این او اخر یک سلسله تظاهرات ضد جنگ و تدابیر دیگری تحقق یافته است .

با اینهمه مبارزه سیاسی اساسی در کشور ، همانطور که گفته شد اکنون در اطراف مسئله دموکراسی است . حزب ما در این جریان نقش بسیار مهمی دارد . پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش که چندی پیش برگزار گردید تا بید نمود که کمونیست ها در تمام مراحل نبرد نقش اصلی را ایفا میکنند . این واقعیت بیان روشن خود را در کوشش های ما برای دسترسی به وحدت سیاسی نیروهای دموکراتیک و تحکیم آن و تشدید و گسترش فعالیت توده ها یافت .

حزب کمونیست بنگلادش ضمن پیروی از مضمی خود استواری تزلزل ناپذیر در اصول و نبرش در تاکتیک از خود نشان میدهد . در شرایط کنونی ما برای حفظ اتحاد پانزده حزب اهمیت زیادی قائل هستیم . در همین حال در جهت تحکیم حسن تفاهم متقابل احزاب چپ و چپ با لقه گامهای قاطعانه ای بر میداریم تا در نتیجه بعد ها جنبش در راه تحولات اجتماعی درد ستور روز قرار گیرد .

امپریالیسم ، عمال محلی آن و محافظ ارتجاعی با توسل به شیوه های توطئه و کشتار بنگلادش را از آرمانها و امید هائی که ما در دوران مبارزات آزاد بخش بخاطر آنها پیکار میکردیم بسیار دور کرده اند . اینک وظیفه رستاخیز ملی نوین با حدت تمام در برابر ما قرار دارد . انجام این وظیفه فقط با اشتراک مستقیم توده های زحمتکش امکان پذیر است . کمونیست ها با در نظر گرفتن این ضرورت مبرم برای یکپارچه ساختن محافل مترقی و دموکراتیک در زمینه برنامه ملی و مبین پرستانه و منظور تحکیم مواضع آنها بطور خستگی ناپذیر فعالیت میکنند . این واقعیت را که تناسیب نیروها درون اتحاد پانزده حزب برای پیشرفت در این جهت مساعد است میتوان نشان نمایی بشمار آورد .

وضع سیاسی و اجتماعی - اقتصادی در بنگلادش بشکل انکار ناپذیری بر این گواهی میدهد که آزادی کشور از زنجیر سارت امپریالیسم ، استحکام استقلال ملی و حق حاکمیت ، دست یافتن به حل و فصل مسالمت آمیز و عادلانه مسائل مورد اختلاف در مناسبات متقابل با کشورهای همسایه ، برطرف ساختن شکاف عمیق در وضع طبقات مختلف و جلوگیری از تشدید مداوم و روز افزون معضلات اجتماعی مسئله عمده است . باید از فارت تروتهای ملی جلوگیری کرد ، وسیله پیشرفت اقتصاد ی را تامین نمود ، بسایه برای همیشه به قتل های سیاسی و شورشها پایان داده شود و دموکراسی استوار و شتاب احیا گردد . برای انجام این کارها راه دیگری غیر از درگروتهای بنیادی اجتماعی و انقلاب اجتماعی که

دورنمای ساختمان سوسیالیسم را بکشاید ، وجودندارد . بحقیقده ماسئله چنین انقلابی ، اینسک
در دستور روز قرار گرفته است .

جنبش کمونی علمیه دیکتاتوری و وظیفه رستاخیز وطنی با تحقق انقلاب دموکراتیک ملی درجهت
گذاردی به سوسیالیسم راه یوارچین غیرقابل عیورازیک بگرجد انکرده است . در سندی تحت
عنوان " راه بنگلادش بصوی سوسیالیسم " که درکنگره اخیر (سوم) حزب کمونیست بنگلادش (سال
۱۹۸۰) بتصویب رسیده یادآوری شده است که حزب ماضن مبارزه در راه دموکراسی ، در همین حال
بمگسترش دامنه مبارزات طبقاتی کمک میکند و مصراخواستار وحدت گسترده میهن پرستان و دموکرات ها
وحسن تفاهم میان نیروهای چپ بمنظور بسط دامنه جنبش درجهت ایجاد تحولات اجتماعی است .

اینک رفتای مابرای عطفی ساختن دستورات ، مقاصد و مشی که مجمع حزبی تعیین کرده
باکمال جدیت میکوشند . درک این نکته دشوار نیست که در این راه چه مشکلات بزرگی وجود دارد .
وضع بخرنج بین المللی ، آنتیم در شرایطی که دولت ریگان که در تیوتاب تدارکات مایلتاریستی است
" جنگ صلیبی " علیه کمونیسم و انقلابهای آزاد پیش ملی اعلام کرده ، بد شواریهای افزایش ، فعالیت
های توطئه گرانه و تخریبی امپریالیسم در منطقه اشکال بویژه حادی بخود میگردد . این رانیز نمایسد
فراموش کرد که طی ۹ سال اخیر محافل طرفدار امپریالیسم زمام امور را در بنگلادش در دست دارند .

ولی ، با وجود تمام این موانع مابظور مرد اوم مبارزه را تشدید میکنیم . برای حصول توفیق در این
مبارزه اغلب ناگزیر میشویم بهای گزاف زندگی افراد را بپردازیم . نام بسیاری از اعضای حزب کمونیست
بنگلادش و رهبران آن به قهر دست طولانی اسامی قهرمانانی که بهلاکت رسیده اند افزوده شده است .
تاج الاسلام ، این کمونیست و سرکرده پرولتاریا ، بهنگام سازمان دادن به صفوف کارگران یکی از بزرگترین
موسسات صنعتی بنگلادش یعنی کارخانه تهیه کف آدامجی بمنظور شرکت در بیکاری برای دموکراسی
بدست عمال دولت بقتل رسید . فزار عطفی عضو بگر حزب دینبرد های طبقاتی در روستا جان خود را
از دست داد . چندی پیش یکی از فعالین ماکه دانشجوی ۱۷ ساله ای بود و امید زیادی به اومی
بستند در خواب با قساوت تمام بدست یکی از اعضای گروهک ارتجایی افراطی " اسلامی " ، جماعت
اسلامی بهلاکت رسید .

این قبیل قربانی ها برای ماتازگی ندارد . حزب از همان آغاز بیدایش خود در سال ۱۹۴۸ با
دادن این قربانی ها در جریان نبرد های سخت راه را میگشود . در ریز توگذاشته پرافتخار حزب کمونیست
بنگلادش و مشی درست رزمجویانه کمونی آن به ارج و اعتبار کمونیست ها و نفوذ شان میان توده ها افزوده
میشود و سازمانهای حزبی در شهر و روستا پدید گردیده و استحکامی یابند . شرایط برای اینک حزب
خصلت توده ای بیشتری کسب کند مساعد است .

بقیه در صفحه ۴۴

زندگی احزاب

**اجلاسیه مشورتی دیران کمیته های مرکزی
احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی**

روزهای ۱۱ و ۱۲ ژوئیه سال ۱۹۸۴ اجلاسیه مشورتی نهی دیران کمیته های مرکزی
احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی ویژه مسائل بین المللی واید تلوژیک در پراگ تشکیل
شد . در این اجلاسیه نمایندگان حزب کمونیست بلغارستان ، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان
حزب کمونیست ویتنام ، حزب سوسیالیست متحد آلمان ، حزب کمونیست کوبا ، حزب واحد کارگری
لهستان ، حزب انقلابی خلق مغولستان ، حزب انقلابی خلق لائوس ، حزب کمونیست روسانی ،
حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست چکسلواکی اشتراک جستند .

شرکت کنندگان در اجلاسیه در باره مسائل مهم وضع کمونی جهان و کارهای آیند تلوژیک
تبادل نظر کردند . خاطرنشان شد که در نتیجه مشی روباوشی که بمنظور برتری جستن نظامی ، نقض
استقلال و حق حاکمیت خلقها و همچنین راهبروش توسعه طلبانه از طرف محافل تجاوزکار امپریالیسم و در
درجه اول ایالات متحده امریکاد پیش گرفته شده صلح بطور جدی و شدت در معرض خطر قرار گرفته
است . یکی از علل عمده تشدید و خامت وضع بین المللی و افزایش خطر جنگ هسته ای گمترش دامنه مسابقه
تسلیحاتی از طرف این محافل است که آقا زاستقرار موشک های هسته ای امریکائی با برد متوسط در برخی
از کشورهای ناتو مرحله بویژه خطرناک آنرا پری ریزی کرد . این اقدام اتحاد شوروی و سایر کشورهای
عضو پیمان ورشوررا مجبور کرد تا دابهر مقابلگی اتخاذ کنند .

مشی تجاوزکارانه امپریالیسم موجب نگرانی عمیق خلقها است و واکنش قاطعانه جنبش ضد
جنگ و تمام جریانهای اجتماعی و شخصیت های دولتی را برصی انگیزد که نسبت به آیند جامعه بشری
احساس مسئولیت میکنند .

محافل امپریالیستی تجاوزکار ایالات متحده امریکا و ناتو که با محکوم شدن مشی روباوشی
و مسایقتسلیحاتی برخوردار میکنند میکوشند ماهیت واقعی سیاست خود را استتار نمایند . ولی جملسه

پردازه‌های جمعی در باره صلح در مواضع آنها تغییر می‌بوجود نمی‌آورد ، ماهیت این موضعگیری بطوریکه آنها خودشان اعلام میکنند ، مانند گذشته حساب روی بدست آوردن برتری نظامی ، حل و فصل مسائل بین‌المللی بکمک قوه قهریه و یا تهدید بدان است که به افزایش خطر بلایه‌همه‌ای می‌انجامد .

در این اواخر روایتگش منی ملیتاریزه کردن فضای کیهانی را بشدت دنبال میکنند . اشاعه مسابقه تسلیحاتی در این‌عرضه خطردرگیری هسته‌ای را خیلی بیشتر افزایش خواهد داد و امکان دست یافتن به خلیج سلاح را بفرنج تر خواهد کرد . شرکت کنندگان در اجلاس سه‌سر اهمیت پیشنهاد اتحاد شوروی را بپر شروع بلا درنگ مذاکرات بمنظور جلوگیری از ملیتاریزه کردن فضای کیهانی تاکید کردند و پشتیبانی کامل خود را از آن ابراز نمودند .

راه‌های برطرف ساختن وضع و هامت آمیزی را که بوسیله محافل تجاوزکار امپریالیسم در جهان بوجود آمده ، برنامه واقع بینانه مبارزه در راه صلح که کشورهای سوسیالیستی بطور جمععی تهیه کرده اند نشان میدهند . هدف از آن دست یافتن به توافق هائی است که قادر باشند سطح رویارویی نظامی را کاهش دهند ، بکار بردن قوه قهریه در زندگی بین‌المللی و یا تهدید به استفاده از آنرا منتفی سازند و از جنگ هسته‌ای جلوگیری کنند . کشورهای سوسیالیستی ، همان‌طور که رهبران این کشورها بطور مستمر تاکید میکنند ، آماده دیا لوگ سازنده بصلح و امنیت بین‌المللی هستند . آنها دست یافتن به افزایش سهم سازمان ملل متحد برای رسیدن به این هدف‌ها را حائز اهمیت میدانند .

احزاب شرکت کنند در اجلاس سه‌روی مسئله پایان دادن به استقرار موشک‌های هسته‌ای با برد متوسط امریکائی در اروپای غربی اصرار می‌ورزند و اعلام میدارند که اگر تدابیری برای خارج ساختن موشک‌هایی که تاکنون در آنجا استقرار یافته اتخاذ گردد ، هم‌زمان با آن گام‌هایی در جهت فضای تدابیر متقابل برداشته خواهد شد . این اساسی برای از سر گرفتن مذاکرات بمنظور دست یافتن به توافق هائی در راه آزاد ساختن اروپا از سلاح هسته‌ای ، خواه بایر متوسط و خواه سلاح‌های تاکتیکی بوجود خواهد آورد .

شرکت کنندگان در اجلاس سه اهمیت ویژه تشریح مدلل و تحقیقاتی را بدار آوردن نسیب که در اعلامیه سیاسی پراگ کشورهای عضو پیمان ورشو (۵ ژانویه سال ۱۹۸۳) ، در اعلامیه مشترک دیدا روسکوره بران حزبی و دلیتی کشورهای سوسیالیستی (۲۸ ژوئن سال ۱۹۸۳) ، در اعلامیه جلسه مشورتی اقتصادی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصاد در سطح عالی (۱۴ ژوئن سال ۱۹۸۴) تحت عنوان (حفظ صلح و همکاری اقتصادی بین‌المللی) و در دیگر پیشنهاد های کشورهای جامعه

کشورهای سوسیالیستی آمده است و همه در جهت ایجاد شرایط برای مذاکرات جدی و کار سازد رباره محدودیت و کاهش تسلیحات بر پایه برابری و امنیت یکسان طرفین و برای سالمسازی محیط سیاسی بین‌المللی است .

اگرچه در جهان معضلات بسیار فرنجی روی هم انباشته شده ، شرکت کنندگان در اجلاس سه اظهار اطمینان کردند که اگر خلیقها و نیروهای صلحدوست در صف واحدی عمل کنند ، میتوانند مسیر خطرناک رویدادها را تغییر دهند و محل و فصل مسائل دشواری که در مقابل جامعه بشری قرار دارد دست یابند .

قدرت و وحدت کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ، یکپارچگی احزاب کمونیست و کارگری آنها بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم سوسیالیستی (که کمک متقابل و همکاری رفیقانه را هم در بر میگیرد) برابری حقوق کامل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و احترام به حق هر حزب در تعیین و تحقق منی سیاسی خود بطور مستقل ضامن موفقیت در مبارزه علیه خطر جنگ هسته‌ای است .

شرکت کنندگان در اجلاس سه خواستار تحکیم همبستگی و همکاری تمام احزاب کمونیست و کارگری شدند . آنها برای دیا لوگ سیاسی فعالانه و همکاری با احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات ، با نیروهای اجتماعی - سیاسی مختلف در صفوف جنبش ضد جنگ و ضد موشک برای یافتن راه‌هایی که بمحل و فصل سازنده مسائل حاد جنگ و صلح ، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی (در درجه اول هسته‌ای) می‌انجامد ، اظهار آمادگی کردند .

در اجلاس سه تاکید گردید که تشدید ملیتاریسم در کشورهای امپریالیستی با افزایش خرابکاری‌های ایدئولوژیک علیه کشورهای سوسیالیستی ، تشدید تبلیغات گسترده افترا آمیز و تلاش برای مداخلات ناهنجار در امور داخلی آنها و استفاده از انواع مجازات‌های اقتصادی همراه است .

ارتباط مستقیم میان منی امپریالیسم در زمینه تشدید هر چه بیشتر مسابقه تسلیحاتی و تعرض انحصارها به منافع زحمتکشان در کشورهای سرمایه و سرکوب جنبش‌های مترقی که خواستار تغییرات اجتماعی هستند نیز خاطر نشان گردید . امپریالیسم که در امور جهان بجز و اعمال قهرتکیه میکند هر چه آشکارتر به شوونیسم و نژاد پرستی دامن می‌زند ، به انتقام جویی و نشوفا شسیم میدان میدهد ، تروریسم علیه خلقها را به سطح سیاست دولت میرساند .

در اجلاس سه به ضرورت تشدید تبلیغات برای نشان دادن برتریهای سوسیالیسم موجود و دست آورد های آن که حق کار ، تحصیل ، شرکت دموکراتیک در امور کشور و بشارت آزاد شخصیت را اعلا تا مین کرده است اشاره گردید .

ارتجاع امپریالیستی تعرض خود به دموکراسی و حقوق اجتماعی زحمتکشان را با تبلیغات گسترده و عوامفریبانه در باره نقض واهی حقوق بشر در کشورهای سوسیالیسم استوار میکند. بموازات تکذیب قانع کننده این قبیل اباطیل، آشکارا ساختن این مطلب بر پایه فاکت های مشخص نیز حائز اهمیت است که چگونه حقوق بشر در کشورهای سرمایه آشفکار بود و هیچ تشریحاتی نقض میگردد و بیگاری، استثمار، تبعیض نژادی وطنی، اشاعه بزهکاری و مواد مخدر و توسل به قوه قهریه و دامن زدن به نفرت و کینه میان ملل و خلقها چه بی آمد هائی برای زحمتکشان در بر دارد.

نماینده گان احزاب برادر براد آورشدند که تصمیمات اجلاس مشورتی اقتصادی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در سطح عالی در روزهای تازه و مساعدی برای پیشرفت سریع اقتصاد ملی این کشورها و مجموع جامعه کشورهای سوسیالیستی برای تحکیم قدرت و ارج اعتبار سوسیالیسم جهانی در مقابل آنها میگذارد. این اجلاس به گواهی افزایش باطنی و بیگاری کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی و قاطعیت آنها برای استفاده گسترده تر از همکاری خود بمنظور اعتلای هر چه بیشتر اقتصاد ملی، تسریع در ترقی علمی - تکنیکی و افزایش سطح زندگی زحمتکشان بود.

جبهات اساسی کار مشترک در روزآمدت که مورد توافق رهبران احزاب و کشورهای برادر قرار گرفت تابع هدفهای سازنده ایست و با طرفداری جدی آنها از مصلح و همکاری بین المللی در ارتباط است. همانطور که در اجلاس مسکو تاکید شد، کشورهای سوسیالیستی از بسط و تکامل روابط بازرگانی اقتصادی شش بخش بر پایه سود متقابل با تمام کشورهای که برای این کار آمادگی دارند، طرفداری میکنند. نتایج اجلاس مشورتی اقتصادی با وضوح بیشتری نشان دادند که فقط در شرایط سوسیالیسم همکاری سود مند و کمک متقابل برادرانه واقعی امکان پذیر است و فقط سوسیالیسم از حقوق حقه خلقهای کشورهای در حال رشد عملا پشتیبانی بعمل میآورد. این نتایج با سیاست کشورهای سرمایه داری که شیوه های تحت فشار قرار دادن و "مجازات"، تلاش برای تحصیل منافع خود به سایر کشورها، استناع از کمک و اقامت منظم سرمایه سود وضع اقتصادی در اماتیک کشورهای در حال رشد از ویژگیهای آنست، کاملاً مغایرت دارد.

همبستگی کشورهای سوسیالیستی با جنبش عدت عهد و خلقهای در حال رشد که علیاً امپریالیسم، استثمار و نواستعمار و راه حق پیشرفت آزاد و مستقل و بازسازی زندگی خود بر مبنای عادلانه و دموکراتیک و در برابر طرف ساختن عقب افتادگی و برقراری نظم اقتصادی نهی بین المللی مبارزه میکنند بار دیگر تأیید گردید.

شرکت کنندگان در اجلاس مشورتی از نوه همبستگی احزاب خود را با مبارزه خلقها علیه سیاست امپریالیستی تجاوز و مداخله در امور داخلی کشورهای خاور نزدیک، امریکای مرکزی، حوضه

کارائیب، آسیای جنوب شرقی، جنوب افریقا و برای بر طرف ساختن کانون های و خاست و درگیری در سراسر جهان تأیید کردند.

به چهلین سالگرد قریب الوقوع پیروزی بر فاشیسم هیتلری و ملیتاریسم ژاپن توجه فراوانی مبدول گردید. کارهای ایدئولوژیک مربوط به این رویداد تاریخی به امر تربیت انترناسیونالیستی سوسیالیستی و مین پرستی و مصالح مبارزه علیه خطر جنگ باری خواهد رساند. نسل های تازه انسان ها در سراسر جهان باید حقایق مربوط به جنگ جهانی دوم و این واقعیت را بداند که آنرا فاشیسم هیتلری یعنی تجاوز کارترین نیروی امپریالیسم بین المللی برانگیخت و از نقش اتحاد شوروی و سپهمنش کونیستی و کارگری و تمام نیروهای ضد فاشیست و مین پرست در تأمین پیروزی مطلع گردند.

در همین حقیقتی و سیاست گذاری کامل و احترام نسبت به تمام قربانیان و تمام مبارزان علیه فاشیسم و ملیتاریسم هم در شرق و هم در غرب نمیتوان به تخریب کنندگان تاریخ اجازه داد که در سپه های جنگ جهانی دوم را مسکوت گذارند و با تحریف کنند. عده ترین این در سه عبارت از این است که علیه خطر جنگ باید پیش از آن مبارزه کرد که اسلحه و بطریق اولی اسلحه اتی به سخن درآید. تجربه تاریخ نیازمند وحدت عمل تمام نیروهای صلح، دموکراسی، ترقی و واقع بین سیاسی است. در اجلاس مشورتی، همچنین، سایر مسائل مهم مربوط به کار ایدئولوژیک و تبلیغات سوسی احزاب برادر بررسی شد.

اجلاس در محیطی رفیقانه و با روح همکاری، وحدت و همبستگی کامل برگزار شد.

اسناد کنگره ، قرارهای آن و مقدم بر هر چیز برنامه سیاسی آن باید شمراند پشه جمعی تمام رفقا خواه
در سرزمین فلسطین وخواه خارج از آن باشد .

بحث و مذاکره در اطراف مسائل که مطرح شده بود جدی و با احساس مسئولیت انجام
یافت و محیط آن واقعا دموکراتیک بود . علاوه بر سایر مسائل ، دو نکته توجه را بخود جلب میکرد .
اولا . بین نمایندگان اکثریت با جوانان بود و این بازتاب طبیعی جوانی خود حزب ما است (سن
متوسط اعضای آن ۲۴ سال است) . ثانیا . وزن مخصوص کسانی که از محیط پرولتری بودند
در ترکیب شرکت کنندگان در کنگره بسیار زیاد بود . علت این از یکسو وجود تعداد زیادی کارگر
(نزدیک به ۵۰ درصد (۱)) در صفوف کمونیست ها است . از سوی دیگر طبق موازین مصوبه
برای نمایندگی از محیط کارگری از هر سی نفر کارگر یک نماینده برای شرکت در کنگره انتخاب گردید
و از سایر قشرهای اجتماعی از هر ۵ نفر یک نفر . در شرایط مبارزه مرگ و زندگی با اشغالگران
اسرائیلی ، امتیازی که بنمایندگان طبقه کارگر داده شده برای آنست که با استحکام ایدئولوژیک
سیاسی صفوف حزب کمک کند و مانعی بر سر راه گرایشهای بیگانه با ایدئولوژی پرولتری نباشد که فشار
خطرناک آنها در شرایط دشوار کنونی مرتبا افزایش میابد .

برنامه سیاسی حزب کمونیست فلسطین که در کنگره به تصویب رسید حاوا اهمیت خاصی برای
آنست . صحبت بر سر این نیست که این نخستین برنامه ما است . موضوع دیگری هم فوق العاده مهم
است . بدین شرح که برنامه بمسئله بی اندازه بغرنج فلسطین از مواضع انترناسیونالیستی که نقطه
مخصوص کمونیست ها است برخورد میکند و شیوه برخوردی را نشان میدهد که با آنچه برای سایر واحدها
جنبش ملی فلسطین نمونه و از است تفاوت دارد .

برنامه دستاورد مهم حزب ما در تجزیه و تحلیل وضع بحرانی است که انقلاب فلسطین ، اینک
در جستجوی راههای نجات ملی ، میگرداند . تصویب آن بمنزله تأیید نهایی سیاستی است که از طرف
کمونیست های فلسطین ، صرف نظر از اینکه در چهارچوب کدام سازمان فعالیت میکردند طی دهها
سال بدون انحراف دنبال میشد . این پیگیری برغم حملات مداوم (مخصوصا در گذشته) و پیوسته
از طرف محافل ارتجاعی که شریک توطئه علیه خلق ما هستند ، نشان داده شد . درستی این مشی
سیاسی را که با پایبند بودن به اصول و تدابیر ما میگردد خود زندگی بطور قانع کننده ای نشان داده

۱ - این فاکت ، بنوبه خود ، تا اندازه ای منعکس کننده تغییرات ساختار اجتماعی است که در اثر
سیاست اشغالگران در اراضی اشغال شده بوجود آمده است . طرد انسانها از روی زمین ها و تشدید
روز افزون فقر اهالی پیوستن آنها به صفوف پرولترها را ، تسریع میکند .

احساس مسئولیت نسبت به سر نوشت میهن

نعیم اشهب

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست فلسطین

بطوریکه میدانیم حزب ما در فوریه سال ۱۹۸۲ بوجود آمد (۱) . دو سال بعد اطلاع داده
شد این حزب با موفقیت نخستین کنگره خود را (که در همین حال کنگره مؤسسان بود) تشکیل داد ما است .
نمایندگان این مجمع حزبی فعالیت آنرا از زمان پیدایش بعد مورد بررسی قرار دادند ، برنامه آنرا
با اسانماه تصویب کردند و ارگانهای رهبری را انتخاب نمودند . در کنگره وحدت با سازمان کمونیست
های فلسطین در نوار غزه (۲) انجام یافت و بر اساس اسنادی که به تصویب رسید گروههای کمونیستی
همکه به علل تاریخی در چهارچوب احزاب برادر تشکیل شده و پیشرفت کرده بودند به حزب کمونیست
فلسطین پیوستند .

نخستین کنگره که رویداد واقعا برجسته ای برای تمام کمونیست های فلسطین بود در شرایط
فوق العاده بغرنجی برگزار گردید . حزب هم در سرزمینهای اشغال شده و هم در کشورهای متحد
کمرکز جمع و ناهندگی فلسطینی ها است فعالیت میکند و در شرایط مخفی بسر میبرد . حفظ ارتباطهای
درون حزبی در چنین شرایطی مسئله بسیار دشوار است . ولی ما جدا از این اصل پیروی میکردیم که

۱ - مشروح تردیدها را تا سپس حزب کمونیست فلسطین رجوع کنید به : ن . اشهب . استواری اصول ،
نرمش در تاکتیک . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۲ سال ۱۹۸۲ .

۲ - پس از تجزیه فلسطین در سال ۱۹۴۸ این منطقه تا اشغال آن بوسیله اسرائیل در سال ۱۹۶۷
از طرف مصر اداره میشد . کمونیست های محلی که خود را شعبه جمعیت آزادی ملی نوار غزه
مینامیدند بکار خود ادامه میدادند . این جمع در سال ۱۹۵۳ حزب کمونیست فلسطین نوار غزه
نامیده شد .

است و اکنون که برخورد های بیرونی ملی گرایانه به حل و فصل مسئله کاملاً باشکست مواجه شده است بطریق اولی مستدل و با اساس جلوه میکند .

مهمترین سلاح ایدئولوژیک سیاسی که برنامه حزب کمونیست فلسطین بدست ما میدهد تعیین ملی و مارکسیستی - لنینیستی خصلت مرحله کنونی مبارزه خلق فلسطین بمنزله مرحله "آزادی ملی و انجام وظائف انقلاب آزاد بیخشی ملی است" (۱) . این تعریف ناشی از آنست که خلق ما ، برخلاف سایر خلقهای منطقه ، با وجود مبارزات شدید چندین ساله و دادن قربانی های فراوان در جریان آن ، تا حال موفق نشده است از یوغ ظلم و ستم بیگانگان رهائی یابد .

تصادفی نیست که برنامه حزب کمونیست فلسطین که زیر عنوان "درواه آزادی سرزمین های اشغالی فلسطین و تحقق حقوق سلب نشدنی خلق فلسطین" انتشار یافته و وظائف این مرحله را بطور فشرده چنین بیان میدارد :

۱ - مغلوب ساختن نیروهای اشغالگرا اسرائیل و آزاد کردن سرزمین های عربی که در سال ۱۹۶۷ اشغال شده است .

۲ - تأمین حق تعیین سرنوشت برای خلق فلسطین ، با ایجاد کشور مستقل خود در ساحل غربی رودخانه اردن بضمیمه بخش عرب نشین اورشلیم و هم در نوار غزّه .

۳ - فراهم ساختن امکان برای فراریان ، تا بتوانند حق بازگشت به کانون های خانوادگی خود را طبق قرارهای سازمان ملل متحد ، تحقق بخشند .

۴ - عقیم کردن تمام نقشه های امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع که بمنظور نفی مسئله فلسطین و نابود ساختن خود ویژگیهای ملی فلسطینی ها (در درجه اول توافق کمپ - دود ، طرح های مربوط به وضع خود مختاری اداری و ایجاد دوایر کشوری ، اندیشه بوجود آوردن "صهیون دوم" برای فلسطینی ها ، "برنامه ریگان" و مانند آنها در نظر است) چیده شده و مقابله با تعرضات امپریالیسم ایالات متحده و امریکاکه در تلاش آنست تا سلطه خود را در منطقه برقرار سازد .

مقصود از تحقق این وظائف صهیون پرستانه ایجاد مانع بر سر راه دعاوی توسعه طلبان صهیونیست ها و محدود ساختن فعالیت اسرائیل بمنزله ژاندارم امپریالیسم در منطقه است که موجب بروز تضاد های درونی جامعه اسرائیل خواهد شد . این تضاد ها فعلاً بکمک برانگیختن احساسات شوونیستی و روحیه تجاوزکاری در پرده میمانند .

۱ - برنامه حزب کمونیست فلسطین " در راه آزادی سازی سرزمین های اشغال شده فلسطین ، در راه تحقق حقوق حقه خلق فلسطین " ، صفحه ۱۳ (بزبان عربی) .

تعیین و تعریف ملی خصلت مرحله ای که از سر میگذرانیم و وظائف مربوط به آن که در برنامه موجود است به حزب و جنبش ملی فلسطین در مجموع کمک میکند تا انبیش کشیدن شعارهای بهموقع و تعیین هدفهایی که در این مرحله نمیتوان بد آنها دست یافت اجتناب ورزند ، زیرا چنین اقداماتی میتواند جلب نیروهای بسیار گسترده بمبارزه مشترک علیه اشغالگری اسرائیل را دشوار سازد . اشاره به فرق آشکار وظایفی که اکنون در برابر خلق فلسطین قرار دارد با وظایفی که سایر خلقهای منطقه ، از جمله خلق اردن ، دارند نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است . میدانیم که رژیم عمان میکوشد این اختلاف را منکر گردد و اظهار میدارد که سرنوشت هر دو خلق ، یعنی خلقهای اردن و فلسطین ، با هم تطابق میکند و فقط در صورت ظاهراً اصطلاح در دو وجود جلوه میکند . هدف از این هم موجبه جلوه دادن تلاش و کوشش برای محروم ساختن خلق فلسطین از حق تعیین سرنوشت و تحمیل قومیت جدیدی بر آنست .

ولی حزب کمونیست فلسطین فقط به تعیین رهنمود های بلا واسطه مبارزه خود اکتفا نمیکند . آخرین بخش برنامه دارای این عنوان است : " هدف حزب در درازمدت سوسیالیسم است " . این بخش دارای اصول کیفی دیگری است که با نظریات سایر نیروهای صهیونیستی که در صحنه فلسطین عمل میکنند فرقه های بنیادی دارند . آنها که وظیفه مرحله کنونی را ایجاد دولت مستقل در اراضی که در سال ۱۹۶۷ اشغال شده میدانند ، هدف نهائی و استراتژیک را ایجاد دولت غیرمذهبی فلسطین در سراسر اراضی فلسطین تحت الحمايه سابق بشمار میآورند . ولی در برنامه حزب ما هدف دور رسا استراتژیک به شکل " دفاع از خود مختاری کشور مستقل فلسطین ، تحکیم پتانسیل اقتصادی - سیاسی و نظامی آن و پیروی از مشی دگرگونیهای بنیادی سوسیالیستی " تعیین شده است تا در نتیجه " کشور بصورت حلقه ای از جنبه نیروهای ضد امپریالیستی در منطقه و در سراسر جهان تا حد برقراری سوسیالیسم " درآید (۱) . در ضمن یادآوری میشود که شرایطی که از قرار معلوم ، کشور نوا استقلال با آن روبرو میگردد (در درجه اول خطر تجاوز و توسعه طلبی از طرف گردانندگان صهیونیست اسرائیل) از اهمیت ویژه ای برخوردار است و براتیک صهیونیسم را در پیوند کامل با تمام نیروهای انقلابی و آزاد بیخشی منطقه و از جمله طرفداران دموکراسی در خود اسرائیل ایجاد میکند .

بعبارت دیگر کمونیست های انترناسیونالیست معتقدیم که : راه حل نهائی هر مسئله ملی و از جمله مسئله فلسطین فقط میتواند راه حل اجتماعی باشد . این راه حل عبارتست از ساختمان سوسیالیسم که ملل خصوصت همان ملت ها و اقوام را ریشه کن میسازد و اساس دوستی میان آنها را بریزی میکند . ولی تا فرارسیدن پیروزی سوسیالیسم جریان پیشرفت مسئله فلسطین در منطقه ما رانتهای پیچ

مبارزات شدید خلقها و از جمله خلق فلسطین ، علیه سلطه و منافع آزمندانه امپریالیسم و خزشهای تجاوزکارانه و توسعه طلبانه محافل حاکمه اسرائیل تعیین خواهد کرد . این امر در تمام عرصه‌های زندگی و شاید حتی در واقعیت جغرافیایی کنونی هم تاثیر خود را باقی خواهد گذاشت .

در بخش مربوط به تعیین وظایف مرحله در برنامه ، نیروهای هم که باید انجام وظایف را بعهده خود گیرند یعنی طبقه کارگر ، دهقانان ، عقبه زحمتکشان ، روشنفکران انقلابی ، دانشجویان ، قشرهای خرد و بورژوازی بطور کلی و همچنین آن محافل بورژوازی ملی که وابسته به اشغالگران یا رژیم‌های ارتجاعی نیستند ، از یکدیگر تفکیک شده است . کمونیست‌ها در مرحله انقلاب آزاد بخش ملی برای ایجاد جبهه ملی بسیار گسترده و استواری از تمام کسانی که مخالف اشغالگری هستند و صادقانه در راه دست یافتن به استقلال کوشش میکنند ، اهمیت فوق العاده قائل میباشند .

" اتحاد انقلابی کارگران ، دهقانان و قشرهای زحمتکشان فلسطین " (١) باید هسته اصلی چنین جبهه ای و ضامن توانائی آن برای رسیدن به هدفهای خود باشد .

توجه خاص به دامنه گسترده جبهه ای که ایجاد میگردد و تنوع طیف شرکت کنندگان در آن مشروط به ماهیت اشغالگری اسرائیل است که اکثریت فلسطینی‌ها را به زندگی در خارج از کشور محکوم ساخته و پیش این است که بخش باقیمانده را هم به صف فراریان بپیوندند ، تا آحاد بیسایه صهیونیستی بتوانند زمین‌های بدون صاحب " را بارت ببرند . به همین سبب از مجموعه اختلافات سیاسی میان طبقات و قشرهای گوناگون جامعه فلسطین نه اختلاف نظر میان " راستگرایان " و " چپ گرایان " بلکه اختلاف میان " میمن پرستان " و " مخالفین آنها " اختلاف اساسی است . طبیعی است که جبهه ملی بسته به شرایط مشخص میتواند این یا آن شکل را بخود بگیرد . در برنامه حزب کمونیست فلسطین نوشته شده است که در جنبش ما " سازمان آزاد بخش فلسطین که تجسم سیاسی خود ویژگی فلسطین است و با کسب افتخار برای خود در جریان مبارزه خصلت یگانه نماینده قانونی خلق فلسطین را پیدا کرده قادر است نقش چهارچوب سازمانی گسترده ترین جبهه واحد ملی را بعهده گیرد " (٢) .

کمونیست‌های فلسطین که به وظیفه ملی خود وفادار هستند از هیچ کوششی برای حفظ وحدت و یکپارچگی درونی سازمان آزاد بخش فلسطین در زمینه‌های سیاسی میمن پرستانه بگریزند و در حال واقع بینانه خود داری نخواهند کرد . این سازمان محصول ابراز اراده قانونی فلسطینی‌ها است و از پشتیبانی اکثریت قاطع خلق ما ، خواه در سرزمین فلسطین و خواه خارج از آن برخوردار است .

تفاهم دوستان خویش مقدم بر همه اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ، روبرو میگردد . به عقیده ما این مشق متحد و نهادهی در قرارهای شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین (١) تجسم یافت . ما بر این متکی هستیم که بر سمیت شناختن سازمان آزاد بخش فلسطین در جهان عرب و در عرصه بین المللی بمنزله یگانه نماینده قانونی خلق فلسطین بزرگترین پیروزی تاریخی است که پس از فاجعه اخراج سال ١٩٤٨ به بهای قربانیان بیشمار بدست آمده است . این شناسایی با پشتیبانی از حقوق فلسطینی‌ها برای تعیین سر نوشت و ایجاد دولت مستقل ملی پس از آزادی سرزمین‌هایی که اسرائیلی‌ها در نتیجه تجاوز سال ١٩٦٧ اشغال کرده اند ارتباط ناگسستی و ارگانیک دارد .

حزب مائستولیت بزرگی را که در امر ایجاد جبهه واحد ملی و وحدت تمام میمن پرستان فلسطین بعهده دارد عمیقاً درک میکند . حزب فعالانه خواستار وسط و تکامل و تثبیت موازین دموکراتیک واقعی صحتی بر احترام متقابل و اعتماد ، در زمین حفظ استقلال ایدئولوژیک - سیاسی و سازمانی هر یک از شرکت کنندگان در جبهه در مناسبات میان آنهاست ، زیرا چنین چیزی با خواستها و تمایلات ملی عمومی مغایرت ندارد . کمونیست‌ها همراه با سایر نیروهای میمن پرست برای اینکه سازمان آزاد بخش فلسطین مداخلت جبهه ملی کسب کند (آنها تنها فقط در " قشرهای پائین " ، بلکه در سطح رهبری هم) از هیچ اقدامی فروگذار نمیکنند . این سازمان باید در واقع سازمان جمعی باشد و از نمایندگان تاجیروهای میمن پرستی که در صحنه فلسطین عمل میکنند (خواه در سرزمین‌های اشغالی و خواه خارج از آن) تشکیل شود . وقت آن است که به تبعیض نسبت به کمونیست‌ها و حزب آنها پایان داد شود . نمایندگی در ارگانهای رهبری نه فقط حق طبیعی شرکت کنندگان در جبهه ، بلکه یگانه وسیله است که امکان میدهد با دشواریهای تازه و خطرناکی که پس از بیرون رفتن جنبش مقاومت فلسطین از بیروت در سال ١٩٨٢ بدست آمده بطور موفقیت آمیز مقابله شود ، به عبارت دیگر ، فقط این کار میتواند خطر عقب رانده شدن را از ما دور سازد .

همینکه بحران کنونی درون سازمان آزاد بخش فلسطین آغاز شد حزب ما با اصولیت متزلزل ناپذیر و با قاطعیت با هر کوششی که برای متزلزل ساختن وحدت سازمان بعمل میآید ، از طرف هر کس که هر عنوانی که باشد مخالفت کرد . کمونیست‌ها با سایر واحدهای فلسطینی و مقدم بر همه با آنهاست که در درگیریهایی و برادر کشی‌های شهرت بیولوژی در شمال لبنان شرکت نداشتند ، علیه هر گونه خزشی برای ایجاد چیزی بگری بجای سازمان آزاد بخش فلسطین مخالفت و مبارزه میکردند . زیرا چنین گامی مقدمه انحلال و نابودی سازمان بمنزله یگانه نماینده خلق ما بود و نه فرومایترین وجهی مورد استفاده و نیروهای ضد فلسطینی ، برای پیش کشیدن " انواع آلترناتیوهای " دیگری که برخلاف اراده توده‌های پرزنده ١ - در فوریه سال ١٩٨٣ در الجزیره تشکیل گردید . هیئت تحریریه .

است ، قرار میگرفت . مادر راه استحکام استقلال سازمان آزاد بیخس فلسطین ، تثبیت استقلال ملی فلسطین در اتخاذ تصمیم علیه هرگونه تلاشی برای محدود ساختن این استقلال و باعد م توجه بدان مبارزه کرد و میگوید . حزب ما با پیروی بدون قید و شرط از تصمیمات شانزد همین اجلاس سه شورای ملی فلسطین و پیروی از مشی ایجاد تغییراتی در دستگاه سازمان آزاد بیخس فلسطین بطرز موکراتیک (مقدم بر هر چیز تا مین رهبری جمعی آن) در تماس ها و مداراتی که هدفشان احیای وحدت در چهارچوب سازمان است بطرز موثری شرکت میجوید . این مشی اصولی که خود تأییدی بر همین پرستی عمیق حزب کمونیست فلسطین است به بالا رفتن چشمگیر و اعتبار و وجهه آن ، در درجه اول میان توده های خلق فلسطین و نیروهای ملی میهن پرست در جهان عرب و در عرصه بین المللی ، یاری میرساند .

در برنامه حزب وضع مقام ترین و فعال ترین بخش خلق ما یعنی بخشی که از سال ۱۹۶۲ به اینطرف زیر بوع اشغال اسرائیل بسر میبرد ، مورد بررسی قرار گرفته است و ضرورت اقدام برای احیای جبهه ملی مبارزه علیه اشغالگران در سرزمین های اشغال شده فلسطینی ها که رسالت دارد تکیه گاه اساسی و یگانه نماینده سازمان آزاد بیخس فلسطین در این اراضی باشد ، تأکید شده است .

هنگامیکه واحد های جنبش مقاومت فلسطین بیروت را ترک کردند تجاوزکاری گردانندگان اسرائیل شدت بیشتری یافت . به سرعت " یهودی کردن " سرزمین ها افزوده میشود ، چنین انتظار میرود که فعالیت مشترک امریکا - اسرائیل آردن ، بدین منظور که پشت سر خلق ما و نماینده آن سازمان آزاد بیخس فلسطین مسئله فلسطین را دفن کنند از سر گرفته شود . احیای جبهه ملی در سرزمین های اشغالی (البته نه به عنوان یک ارگان اجرایی فقط ، بلکه بمنزله فرماندهی که بطور خلاق و شمر بخش در عرصه اساسی کنونی بیکار عمل میکند) در این شرایط اهمیت فوق العاده ای کسب میکند . نوع برخورد به مصاحی که اکنون برای احیای این جبهه بعمل میآید (مصاحی که حزب مادر آن ها نقش برجسته ای ایفاء میکند) معیاری بر این است که این یا آن واحد جنبش فلسطین بوظیفه مقابله با توطئه های روز افزون علیه خلق فلسطین و امراد لانه آن که آشکال گوناگونی بخود میگیرند ، تاجیه اندازه جدی برخورد میکند .

در برنامه بموضع پناهندگان فلسطینی ، از جمله در کشورهای عربی برادر هم توجه شده است ، و ماهیت و رگانه مناسبات متقابل آنها با نیروهای مترقی و میهن پرست محلی از موضع دیاکتیکی تجزیه و تحلیل شده است .

خصلت زندگی سیاسی در کشوری که آنها اقامت دارند در شرایط زمست فلسطینی های مقیم تأثیری مستقیم و تعیین کننده دارد . آنها در جمع توده های هر کشور معینی مورد تفسیق و فشار و بیگ ترد

قرار میگیرند ، در اثر فقدان آزاد بهای دموکراتیک رنج میبرند و گاهی مجبور میشوند اسپورسم فلسطینی را هم از دست بدهند . این وضع همراه با هدفهای کلی مبارزه وظیفه دیگری در برابر آنها مطرح میسازد و آن اینکه بموازات ضرورت ادای سهم خود در بیکار ملی خلق خویش با نیروهای انقلابی کشورهای عربی هم کمخواستار قطع روابط با امپریالیسم و تحقق هدفهای انقلاب ملی - دموکراتیک هستند ابراهیمستی کنند .

یک سلسله عوامل تاریخی ، جغرافیائی و قوم و قبیله ای برای فلسطینی های ساکن اردن وضع خاصی بوجود آورده است . در اینجا تمایل و کوشش آنها برای از بین بردن اشغالگری اسرائیل و ایجاد کشور مستقل خود بانجام وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور کاملاً ارتباط پیدا میکند . این نیز نیازمند اشتراک مستقیم فلسطینی ها در جنبش واحد توده ای میهن پرستانه در همین حفظ خود ویژگی ملی خویش است .

معلوم است که این شرح و تفسیر وظایف سیاسی پناهندگان فلسطینی در کشورهای عربی با طرح مسئله از طرف نیروهای که در مواضع ناسیونالیسم قرار دارند دارای اختلاف فاحشی است . برنامه ای که در نخستین کنگره بتصویب رسیده ، ضمن تشریح و تعریف ماهیت طبقاتی حزب کمونیست فلسطین و ایدئولوژی آن ، در همین حال تأکید میکند که کمونیست ها یکی از واحد های فعال جنبش ملی فلسطین را تشکیل میدهند . این واحدی است که از میان توده های مردم برخاسته و از هر آنچه میهن پرستانه و مترقی در میراث رزمنده خلق ما است الهام میگیرد . ما برای تجربه فنی انقلابی آن که در مراحل گوناگون نبرد علیه استعمار ، امپریالیسم و صهیونیسم و در دفاع از سرزمین های آنها واجد ادای خود و برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت و استقلال گرد آورده ارزش خاصی قائل هستیم .

در همین حال حزب کمونیست فلسطین بخشی از جنبش آزاد بیخس ملی عربی است . برای این اساس هم وظایف آن در عرصه فعالیت های اعراب و از جمله در مورد مسئله وحدت عربی مشخص میگردد . کمونیست ها با سایر نیروهای انقلابی و مترقی خواستار تحقق چنین وحدتی برپایه آزادی و دموکراسی هستند .

در مقطع بین المللی حزب ماجزئی از جنبش کمونیستی و کارگری جهانی است . حزب ما قاطعانه خواستار تحکیم وحدت آن برپایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری است و بشدت علیه هرگونه تلاشی برای متزلزل ساختن این وحدت مبارزه میکند . حزب کمونیست فلسطین از بیکارگی آموزش مارکسیستی - لنینیستی دفاع میکند ، سهم خود را در پیشرفت خلق آن ادا مینماید و با هر هرگونه تجدید نظر طلبی و تشریگری در عرصه ایدئولوژی مقابله میکند . حزب از همان

آغاز به پیش خود به برقراری روابط انترناسیونالیستی و مجموعه‌ای در جهان عرب و مرصه بین المللی پرداخت . دریافت دها تیریک و تنهیت خطاب به نخستین کنگره که بگرمی مورد استقبال نمایندگان مجمع مآ قرار گرفتند و ما بد آنها افتخار میکنیم گواه گسترش سریع و شریخش این روابط است .

موفقیت های بزرگی که حزب کمونیست فلسطین در مرصه های گوناگون طی دوران کوتاه موجودیت خود بدست آورده صحت مطلق تصمیم کمونیست های فلسطین را برای ایجاد حزب مستقل به طرز قانع کننده ای به اثبات میرساند . این گام ادامه و تکامل کیفی موفقیت های بسیار در راه مبارزات قهرمانانه ای بود که آنها طی دهها سال دنبال میکردند . بدین حزب کمونیست فلسطین بیانگسر افزایش آشکار نقش طبقه کارگر و سایر رزحمتکشان در مبارزه آزاد بخش ملی و استحکام چشمگیر عامل ذهنی آن یعنی جنبش کمونیستی فلسطین بود و نیازهای عینی این مبارزه را برآورده میساخت .

نخستین کنگره حزب کمونیست فلسطین نیروی تازه فراوانی بکار جادی تمام رفقای ما برای وحدت و تحکیم صفوف حزب ، بالا بردن وجهه و اعتبار آن و افزایش نفوذش بین نیروهای آزاد بخش فلسطینی و عربی و در مرصه بین المللی بخشید . این کنگره برای همیشه در تاریخ مبارزات کمونیست ها و تمام خلق ما بمنزله مرحله مهمی ثبت خواهد شد .

بقیه از صفحه ۳۰

مانا گزیریم به جنگ تن به تن ببرد ازیم . ما سوگند یاد کردیم که بجای تاج الاسلام هزاران تاج الاسلام دیگرها خواهند خاست و پرچم سرخ انقلاب بالا تره اهتزاز دمایید . در روی زمین نیروی وجود ندارد که بتواند کمونیست های بنگلادش را از هذ فهایشان که عبارت از تحکیم استقلال ملی و ساختمان سوسیالیسم بخاطر آزادی مردم زحمتکش ما است منحرف کند و ما وفاداری ما به آرمان های انترناسیونالیسم پرولتری را متزلزل سازد .

مردم بنگلادش و در درجه اول زحمتکشان بهایم خیزند . بیداری توده ها و اوضاع را در جهت بهتری تغییر داده است و ما یقین داریم : هیچ تضییق و فشاری و هیچگونه مانعی قادر نیست مبارزه توده ها در راه صلح استوار و آزادی و ترقی اجتماعی را متوقف سازد .

نیروی تعیین کننده جریان انقلابی

سمپوزیوم بین المللی در باره نقش بیشتاز طبقه کارگر
در امریکای لاتین

شرکت فعال پرولتاریا در مبارزه در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی (مبارزه ای کفلی سالهای اخیر در امریکای لاتین به سطح بالاتری اعتلا یافته) پدیده ای فوق العاده مهم است . چنین است یکی از نتیجه گیریهای عمده سمپوزیوم بین المللی که موضوع آن " طبقه کارگر در پروسه انقلابی معاصر امریکای لاتین و وظائف کمونیست ها " بود و مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " تشکیل و برگزاری آنرا بعهده داشت . این افراد در سمپوزیوم مذکور شرکت جستند : ف . رود ریگس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلیوی ، آ . دوس سانتوس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل ، خ . ریوا عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست د مینیکان ، ا . کایبید عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کلمبیا ، ل . کورالس عضو کمیته مرکزی حزب بیشتاز خلق کستاریکا ، ر . والدس و ویو عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا ، آ . فرانکو عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد میکزیک ، ف . دیکسون عضو کمیته مرکزی حزب خلق پاناما ، ر . گونسالس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه ، س . خیمنس نماینده حزب کمونیست پرو و دشورای هیئت تحریریه مجله ، خ . باررئوس عضو کمیته سیاسی حزب کمونیست سالوادور ، س . بهاک نماینده حزب کمونیست اورگوئه و دشورای هیئت تحریریه مجله ، ا . ویسپانی نماینده حزب کمونیست شیلی ، در دشورای هیئت تحریریه مجله ، ا . آراندا نماینده فدراسیون سندیکائی جهانی ، د بیرفد راسیون سندیکائی جهانی ، آ . ویلیامارین دبیرانجمن بین المللی سندیکاهای کارمندان بازرگانی ، با . کرزیمز دبیر کل انجمن بین المللی سندیکاهای زحمتکشان صنایع منسوجات ، خیاطی ، چرم و کفش ، ل . تورپانسکی مشاور سیاسی فدراسیون سندیکائی جهانی ، ت . لیپووادانشیار فرهنگستان علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان ، ح . خرنکو دانشیار فرهنگستان علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست آلمان ، آ . شولگووسکی دکتور در رشته علوم تاریخی ، پروفیسور ، رئیس شعبه

دانشکده امریکای لاتین، فرهنگستان علوم اتحاد شوروی، س. مامونف، پروفیسور، دکتور رشته علوم فیلولوژی و کارمند مجله، دانشیارا. دباغیان نامزد علوم تاریخی.

مقاله ای که در زیر چاپ میرسد و بوسیله ا. کاپسید و از شرکت کنندگان در بحث و تبادل نظر تهیه شده، بدین گونه بدین معنی منعکس نمودن کامل تمام نظریات و جهات مختلف مسائل مورد بحث باشد به برخی نتیجه گیرها بسند میکند.

شرکت کنندگان در بحث و مذاکره سمپوزیوم ضمن تجزیه و تحلیل فعالیت طبقه کارگر در منطقه بر این تاکید میکردند که آنرا بمنزله بخش ارگانیک پروسه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این منطقه کره زمین بشمار میآورد. به پتانسیل ضد امپریالیستی نیرومند امریکای لاتین، سطح و دامنه فزاینده وظایفی که پرولتاریای آن باید انجام دهد توجه ویژه ای مدول میگردد. بیکارهای اجتماعی - طبقاتی و نبرد های آزاد بخش که در اینجا در جریان است، با جنبش انقلابی جهانی ارتباط ناگسستنی دارند و تضاد اساسی عصر ما یعنی تضاد میان سوسیالیسم و سرمایه داری در آنها کاملاً موثر است. در این قاره سه جریان عمده انقلابی دوران معاصر چشمخورد: سوسیالیسم موجود در سیما کوبا، مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری، که هرچه قاطعانه تر موضوع مبارزه پیشرو در راه دموکراسی نزدیک میشود و طرح های سیاسی را که انحصارهای ایالات متحده امریکا تحمیل کرده اند در هم میریزد و جنبش ملی آزاد بخش که بویژه در امریکای مرکزی پرتحرک است و نبرد تعیین کننده نیز در آنجا جریان دارد.

استحکام هر چه بیشتر سیستم سوسیالیستی جهانی، از جمله موفقیت های ساختمان جامعه نود رکوبا، تعمیق بحران عمومی که با رستگین آن را باشد تهرجه بیشتری کشورهای عقب افتاده و وابسته احساس میکنند، تجاویز کاری روز افزون امپریالیسم که بی آمد از دست رفتن موقعیت مسلط آنست، دست آورد های طبقه کارگر بین المللی، موفقیت های مبارزه ملی آزاد بخش (بطور مثال در نیکاراگوئه) اینها همه عوامل عمده ای هستند که بدستگرتش دامنه مبارزات زحمتکشان یاری میرسانند.

سرمایه داری در امریکای لاتین (صرفنظر از تغییر رنگی (دفورماسیون) که نتیجه وابستگی به امپریالیسم امریکای شمالی، وجود صورت بند یهای ماقبل سرمایه داری و همچنین خصوصیات و درجات گوناگون پیشرفت اجتماعی اقتصاد در کشورهای جداگانه است) بطور کلی به حد لازم پیشرفت برای ایجاد شرایط مقداماتی مادی گذار به سوسیالیسم رسیده است. بورژوازی امریکای لاتین توانایی آنرا داشت که گرگونی های مادی متناسب با منافع خود را به انجام رساند و مشکلات جدی را که زائیده بحران ساختار نیست بر طرف سازد. از سوی دیگر وزن مخصوص طبقه کارگر در اجتماع افزایش یافت، طبقه

کارگری که دارای سنن رزمجویانه استواری است و به آگاهی سیاسی و تشکل و نفوذش افزوده شده است. تمام اینها ضرورت انجام وظیفه واحد و متحدی را که عبارتست از بدست آوردن آزادی ملی و آزاد یهای اجتماعی، بویژه مبرم تر ساخت. در آخرین تحلیل جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک برهبری پرولتاریا اهدافی را در برابر خود مطرح میسازد که از چهار چوب انقلاب بورژوازی و دموکراتیک فراتر میرود. بار دیگر اهمیت تغییرناپذیر آموزش لنین در باره فراروش انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی که تکمیل اندیشه ک. مارکس و ف. انگلس در باره انقلاب بی درین بود، تأیید میشود (۱).

ناموزونی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای سرمایه داری امریکای لاتین - ضرورت آموزش و بررسی کثرت ویژگی های عمده هر یک از آنها را الزام میکند. ولی تفاوت های ملی نباید مانع بروز برخی گرایش های مشترک گردد که میتوان آنها را بهنگام ارزیابی دینامیک مبارزه طبقاتی در منطقه طی دهه های گذشته و آینده نزدیک، گرایش های عمده بشمار آورد.

تغییرات ساختاری و علل آنها

در سمپوزیوم توجه فراوانی به تغییراتی میشد که طی سالهای اخیر در طبقه کارگر پیدا شده است و این مسئله هم مورد توجه بود که این تغییرات در کردار و رفتار اجتماعی آن چگونه بازتاب یافته است.

مرحله کنونی با تغییرات طبیعی که زائیده بحران عمومی سرمایه داری، حادث شدن مسائل ساختاری (که مدتهاست ویژه کشورهای امریکای لاتین است) و افزایش تمرکز و متمرکز شدن تولید و پیشرفت سرمایه داری دولتی - انحصاری وابسته و انقلاب علمی - تکنیکی است مشخص میگردد.

نفوذ شرکت های ترانس ناسیونال در اقتصاد امریکای لاتین به در هم آمیختگی بیشتر تر عوامل اقتصادی داخلی و خارجی در یک کشورها منجر گردید. در مرحله کنونی، برخلاف گذشته، انحصارهای دیگر به موقعیت محصور و محدود خود در اقتصاد قناعت نمیکند و به جزئی از اجزای سیستم اجتماعی - اقتصادی بدل میشوند. در نتیجه، اگرچه پروسه نوشتن برخی ارزشها تسریع میگردد اشکال ابتدایی سرمایه داری و سطح کلی عقیماندگی نسبی باقی میماند و این نیز وابستگی را شدت بخشید. شرایط زندگی مردم را بسیار بدتر میکند و به تشدید تضاد های اجتماعی می انجامد. در عین حال شرکت های ترانس ناسیونال و شرکای محلی آنها میکوشند در بیکان توریهای ارتجایی را تعمیم دهند و به تفرقه و پراکندگی میان زحمتکشان دامن زنند تا در نتیجه مبارزه آنها در راه تحقق خواستههایشان و استقرار

حاکمیت واقعی خلق را تضعیف کنند . گرایش به فاشیسم و میلیتاریسم در رژیم های سیاسی و تحمیل باصطلاح " دموکراسی محدود " هم با این نیت تطابق میکند .

تحت تاثیر پیروسی های تکنیکی - اقتصاد ی پیدا بشرق طبیعت شدید در صفوف پرولتاریای صنعتی انجاسی پذیرد . رکود در عرصه های مختلف فعالیت های اقتصاد و پایداری کامل آنها به محدود شدن دایره فعالیت و کساد ی بازار تخصص های قدیمی که بویژه با کار فیزیکی سنگین ارتباط دارد ، می انجامد . اما تمهید تکنولوژی معاصر حرفه های تازه ای بوجود آورده است که آمادگی فنی در سطح بالا را ایجاد میکند . بمنسبت پیشرفت تولیدات جدید بخش صنعتی بخرنج ترمیگردد .

در ارتباط با این موضوع از طرف سخنرانان پاسخ های مستند و مدلی بمنظاریات بورژوازی و تجدید نظر طلبانه ای داده میشود که در این اواخر شاهه یافته است . هم تئوری " انتگراسیون " طبقه کارگر در سیستم سرمایه داری که تاثیر اقتصاد گرائی (اکونومیسم) را مطلق میکند هم اظهاراتی درباره نابودی تدریجی و قانونمندانه طبقه کارگر یا کاهش کمی تدریجی آن و عدم توانائیش برای بقای نقش رهبری در پیروسی های انقلابی قاطعانه مردود شناخته شدند . این تز هم که رشد قشر های متوسط گویا رسالت تاریخی پرولتاریا را با شک و تردید مواجه میسازد و خود پرولتاریا هم گویا بطور محتوم و مقدر محکوم به افتادن بمحالت توده غیر فعالی است که از طرف طبقات و قشر های متنازمو در استفاده قرار میگیرد از موضع مارکسیستی - لنینیستی مورد انتقاد قرار گرفت و رد شد .

نتیجه گیریهای شرکت کنندگان در بحث و بررسی با ارقام و آمار ی که ارائه میشود با ثبات میرسید . بطور مثال ، در آغاز سالهای ۸۰ سکنه امریکای لاتین که از لحاظ اقتصادی فعال (آکتیو) بشمار میآیند ۱۱۳ میلیون نفر بود که ۶۰ میلیون نفر آن بشکل اجیر و مزدور کار میکرد . بطور مستقیم تعداد پرولتاریا افزوده میشود و این طبقه در اکثر کشورهای قاره به توده ایترین کاتگوری اجتماعی مبدل میگردد . طبق آمار برخی از منابع در دوره ای که نام بردیم (۱۹۵۱) درصد از سکنه فعال را (در حدود ۱۰ میلیون نفر) طبقه کارگر تشکیل میداد . از این تعداد ۴۳٫۲ درصد در صنایع ، ۲۰ درصد در بخش کشاورزی و ۳۶٫۸ درصد در بازرگانی و خدمات کار میکردند . بر آنچه گفته شد میتوان این را افزود که بموازات هسته پرولتری که در رشته های سنتی مشغول کار هستند (در برخی نقاط این هسته گاهش مییابد) و گروه های تازه ای از کارگران با تخصص عالی که در جریان تکامل پیشرفت و اتوماتیزاسیون صنایع پدید آمده است ، در تولید خرد کالای ، ساختمان و در عرصه خدمات هنوز تعداد قابل توجهی کارگران روز مزد کار میکنند . در ضمن آهنگ رشد تخصصین تکنیکی و کارمندان هم بسیار سریع است : سهم آنان در جمع سکنه فعال طی سه دهه اخیر تقریباً دو برابر شده است .

تمرکز و قطبیت ، علاوه بر محیط اجتماعی و کار در عرصه ای هم که با اعلام ارضی مشخص میشود ،

جریان دارد . رشته های عمده اقتصاد در نواحی معینی متمرکز میگردد که " قطب های پیشرفت " اقتصاد را تشکیل میدهند . بطور مثال ، در آغاز سالهای ۸۰ بیش از ۶۰ درصد اهالی در شهر هائی زندگی میکردند که جمعیت آنها از یک میلیون نفر بیشتر بود . در سال ۱۹۷۹ یک سوم مجموعه صنایع فلزکاری و افزایش سازی امریکای لاتین در بوئنوس آیرس ، سن پاولو و مکزیکوترکز یافته بود . در همین حال مناطق وسیعی از ترقی بدور مانده بودند .

به عدتجانم نیروی کار مزدی بحساب افزایش وزن مخصوص کار میند سی - تکنیکی در بسیاری از سطوح تولید ، در رشته های مختلف صنایع و در کارخانه ها و فابریک های جداگانه هم افزوده میشود . سن متوسط افراد ای هم که در این عرصه بکار اشتغال دارند یکسان نیست . دسته های - تازه کارگران نه فقط از لحاظ تحصیلات عمومی و تخصصی در سطح بالاتری قرار دارند ، بلکه ، معمولا جوان تر هستند . با توجه بموقعیت این گروهها در موسسات مهم ، سریع الرشد و پیشرفته تکنیکی باید پذیرفت که در ورنا های مبارزه طبقاتی پرولتاریا ، وابسته بمواضع آنان است .

دسته بزرگی از زحمتکشانی هم که در عرصه گردش کالا و خدمات مستقلا و یا در دستگاه عریض و طویل دولتی بطور مزد بگیر کار میکنند شایان توجه نژاوان است . برخی از شرکت کنندگان در بحث و مذاکره افراد این کاتگوری و حتی کسانی راهم که از ترس بیکاری به کسب و تجارت و خرده فروشی پرداخته اند ، پرولتر شمار میآوردند . در ضمن ، اینطور اظهار نظر میشد که آنها همه نه به قشر های متوسط ، بلکه بهمان طبقه ای منسوب میشوند که کارگرانی که در عرصه تولید ی کار میکنند ، زیرا بطوریکه تجزیه و تحلیل نشان میدهد کار و وظیفه آنها برای صورت پذیرفتن ارزش اضافی که در آنجا ایجاد میگردد ضروری است . ولی نظرد ، دیگری از سخنرانان چنین بود که برخورد طبقی جدی نیازمند جداسازی صیغی و ذهنی اجزا متشکله جداگانه آن مجموعه است که زحمتکشان بطور کلی تشکیل میدهند . انجام این امر برای شریخی فعالیت های سیاسی هم بسیار مهم است .

بطوریکه دیده میشود ، مسئله نیازمند بررسی کاملتر و تکمیلی است که بر اساس آن نظر واحد ی بوجود آید .

مبارزه در راه جلیبا فکار مردم

در سمپوزیوم به آن تغییرات کیفی در ترکیب پرولتاریا فوق العاده توجه میشد که بنوبه خود در وضع اجتماعی - روانی پرولتاریا ، سطح آگاهی و میزان جلب شدنش به سیاست موثر است ، شرکت کنندگان در بحث و مذاکره تاکید میکردند که یکی از وظائف مبرم انقلابی کمونیست ها در نظر گرفتن این تغییرات و کمک به طبقه کارگر برای بر طرف ساختن پی آمد های منفی ممکنه آنها است . از جمله افسزایش

صفوف پرولتاریا با گروه های تازه ای از زحمتکشان در دستگیری مبارزه طبقاتی عنصر تازه ای وارد میکند که باید آنرا به سنن کهن و تجربه شده افزود .

بفرنجی تر شدن ساختار طبقه کارگر در کیفیت منافع و نیازمندیهای قشرهای جداگانه آن موثر است . در میزان دستمزد ، سطح معلومات ، شرایط کار روزندگی ، استفاده از خدمات و همچنین در تجربه مبارزه در راه خواستههای خود و سطح آگاهی و میزان فعالیت سیاسی گروههای مختلف کارگران هم اختلاف فاحش وجود دارد .

مسئله مربوط به راههای پیوستن افراد تازه به طبقه کارگر هم در همین زمینه مورد بررسی قرار میگیرد . در حالیکه در موارد بسیار معمول صفوف طبقه کارگر بلا واسطه بوسیله دهقانانی که دارند از خود راز دست داده اند تکمیل میگردد ، در امریکای لاتین پروسه بفرنجی تری چشم میخورد . در اینجا دهقان فقیر و محروم معمولاً ، ابتدا در شهرها بشکل باصلاح حاشیه نشین ها سکونت اختیار میکنند و سپس بعد از مدتی به افرادی مبدل میشوند که با کارمزدی امرار معاش میکنند . گرایش به پرولتاریزه شدن خرد و بورژوازی و قشرهای متوسط شهری هم چشم میخورد . در ارتباط با این موضوع از دستههای انبوه مهاجرین ، هم در داخل هر کشور و هم بین کشورها ، صحبت به میان آمد . کسالت آنها هم دستمزد های بیشتر در قطب های جاذب آنها نیست . در کشورهای کمبود اینهم سطح اشتغال پائین است سرمایه از وجود ارتش ذخیره کار برای نقض حقوق پرولتاریا بطور کلی و تجاوز به دست آورد های آن استفاده میکند .

ولی ضمن صحبت از بیگاری بمنزله یکی از شرایطی که در مبارزه زحمتکشان موثر است باید یاد آور شویم که در امریکای لاتین گرایش به افزایش مداوم آن مشاهده میشود . اکنون مسئله " انسانهای زیادی " بویژه حادثه است . در آستانه سالهای ۸۰ تعداد افرادی که با کاملاً بیکار بودند و با کار دائمی نداشتند در سراسر قاره به ۴۷ میلیون نفر رسید .

ولی ، عواملی که در جماعه آگاهی ، وحدت و ریزندگی پرولتاریا وابسته بدانهاست در پدید آمدن آنها که در بالا بر شمرده ایم خلاصه نمیشود . در اینجا تاثیر مستقیم رویارویی طبقاتی که بشکل شدید تهن نیرو های ایدئولوژیک و سیاسی در میآید بسیار زیاد است . از سوئی بورژوازی میکوشد نفوذ خود را در سایر قشرها و گروهها حفظ کند . نظریات و تئوریهائی اشاعه داده میشود که با زحمتکشان بیگانه است و هدف از اشاعه آنها تاثیر در جهان بینی آنانست . از سوی دیگر احزاب کمونیست سعی هر چه بیشتر عمل میآورند تا نه فقط واحد های پیشرو پرولتاریا ، بلکه طبقه کارگر بطور کلی را به مواضع انقلابی جلب کرده و به مسیر متناسب با آن سوق دهند ، آگاهی سیاسی را بدرون طبقه کارگر برده و آنرا به طبقه " برای خود " مبدل سازند .

در زمینه ایدئولوژی ، بورژوازی با اتکا به دستگاه دولتی و استفاده از اعمال خود در جنبش سندیکائی رفورمیسم را تبلیغ میکند . با استوار زینت باب های گوناگون با شکل مختلف اندیشه همکاری طبقاتی را اشاعه میدهد . این همکاری طبقاتی در پرتغال " امر اشتراک " ، در مکزیک " آگاهی نسو " در کلمبیا " توافق طرفین " و در ونزوئلا " اشتراک " نامیده میشود . ولی وقتی این شرکدها کارگر نیافتند ارتجاعی ترین عناصر محافظ حاکمه هم دست با امپریالیسم به تضییق و فشار آشکار متوسل میشوند . بطوریکه میدانیم طبقه کارگر بخودی خود قادر نیست ایدئولوژی سوسیالیسم علمی را تهیه و تدوین کند . این ایدئولوژی " از خارج " به محیط کارگری راه مییابد و پرولتاریا آنرا به نسبت تشدید پیکارهای اجتماعی فرا گرفته و تکامل میبخشد . در تاریخ نمونه ای وجود ندارد که با امکان بدهد ، بگوئیم تمام قشرهای پرولتاریا بدون استثنا ، پیش از آنکه با توافق متفقین خود حاکمیت سیاسی را بدست گرفته و کنترل خود را بر کشور برقرار کنند راه و روش طبقاتی را بطور بیگانه از شناسند . رویداد های کوبا ، چائیکه طبقه کارگر در تمام مراحل انقلاب نقش تعیین کننده ایفا میکند از نو تائید میکند که فقط پس از برقراری حاکمیت سیاسی میتوان به " پرولتاریزه کردن " نهائی پرولتاریا ، یعنی درک کامل ضرورت گذار به سوسیالیسم از طرف پرولتاریا توفیق یافت .

شرکت کنندگان در سمپوزیوم به این نتیجه رسیدند که بالا رفتن وزن سیاسی و افزایش نفوذ احزاب کمونیست در مراحل مختلف مبارزه انقلابی شرط لازم برای این است که اراده رزمجویانسه کارگران و خلق بطور کلی با آگاهی طبقاتی و روشنی هدف بارور گردند . فقط به این شرط مارکسیسمها لنینیست ها میتوانند رهبران واقعی توده های زحمتکش در پیکار در راه آزادی ملی و اجتماعی و پیشرو واقعی گردند که در جریان خود نبرد ها استحکام می پذیرند .

گسترش و تشدید گرایش های وحدت گرا

در امریکای لاتین پروسه سازماندهی سیاسی طبقه کارگر و وحدت صنفی آن دوران دشواری را میگذراند و با موانع بسیاری روبرو میشود .

در آنجا فقط درصد کوچکی از نخبگان در اتحادیه های صنفی و حرفه ای متشکل گردیده اند (اگرچه ، البته ، وضع در کشورهای مختلف ورشته های گوناگون صنایع و عرصه خدمات یکسان نیست) و این نیز مبارزان در راه خواستههای اقتصادی حیاتی و دست یافتن به هدف های دموکراتیک و ضد امپریالیستی را دشوار میسازد . پرولتاریا پراکنده است و این تفرقه را جدائی در صفوف سندیکاها که بشیران زیاد از طرف امپریالیسم بورژوازی در آن زد میشود ، تشدید میکند . این وضع ، در درجه اول در وجود سه مرکزین الطلی جنبش سندیکائی با زتاب مییابد : فدراسیون جهانی سندیکاها

کهد مواضع طبقاتی بپذیرد قرار ارد و کمونیست ها در آن نقش بارزی ایفا میکنند و کفند راسیون بین الطلی سندیکا های آزاد که دارای سمت سوسیال - دموکراتیک است و طبق گسترده ای از نظمه نظرهارا در خود جمع دارد (از انواع اروپائی این جریان ایدئولوژیک تا سرسپردگی کامل به امپریالیسم امریکا) . کفند راسیون جهانی کارکه مجمعی با مسلک دموکراتسیتی است . در امریکا لاتین قریبه های این سفکند راسیون به ترتیب عبارتست از : کنگره دائمی وحدت سندیکائی زحمتکشان امریکای لاتین ، سازمانهای منطقه ای امریکائی زحمتکشان و مرکز امریکای لاتین زحمتکشان .

در باره وضع جنبش سندیکائی در کشورهای جداگانه باید گفت در بعضی از آنها مانند بلیوی و اوروگوئه مراکز سندیکائی واحد سرسراسر کشور موجود است . ولی در اکثریت این کشورها وجود و توفیق رفورمیسم بورژوائی و روریوشی گرایشهای متنوع که هر یک مدعی حق رهبری اتحادیه های صنفی و حرفه ایست باعث وجود دو سه و حتی چهار اتحادیه صنفی و حرفه ای و همچنین فدراسیون های مستقل است .

سختناران در این مورد هم عقیده بودند که احتمال نیروی در آینده نزدیک هیچیک از گرایش های کمپرترازیته است ، بحساب از میدان بدر کردن سایر گرایش های که آنها هم در میان توده ها نفوذ دارند تسلط کامل پیدا کند . با احتمال بیشتر ، باید در انتظار همزیستی آنها طی دوران نسبتاً طولانی بود . در این شرایط مسئله وحدت عمل میان اتحادیه های صنفی و حرفه ای که دارای گرایش های گوناگون هستند در صغ مقدم قرار میگیرد .

پروسه های وحدت گرائی در جنبش کارگری و سندیکائی بطور ناموزون پیشرفت میکند . آنها بسته بدانه پیکارهای اجتماعی ، تغییر در تناسب نیروها و بنا بر این وضع سیاسی در این یا آن کشور دستخوش جزو میگردند . ولی ، بطور کلی گفته آنها در جهت مثبت است . جاذبه وحدت راه خود را ضمن برطرف ساختن دشواریها و سایر نفاق افکنانه طبقات حاکم که تمام وسائل را (از روشها اقتصاد و تبلیغات موزیانه ضد کمونیستی تا تضییق و فشار شدید) مورد استفاده قرار میدهند ، میگشاید .

وحدت ضمن نبرد در امر آورده ساختن خواستههای حیاتی اجتماعی - اقتصادی و دموکراتیک همگانی که در جریان خود مبارزه مطرح میشود ، آید بد میگرد و عبارت از تمرکز گشش های فراوان ، آگاهانسه و سیستماتیکی است که قشرهای پیشرو پرولتاریا و پیشتازانقلابی آن بعمل میآورند .

پروسه های وحدت در سندیکاها همزمان جریان میدهد و در وسط اساسی تحقق میدهد . اولی هم هنگام ساختن اقدامات سندیکا های محلی ، منطقه ای و سراسری کشورهای جداگانه است که معمولاً رنگ ایدئولوژیک مختلف دارند . چنین همکاری اغلب از چهارچوب مرزهای کشورها فراتر میرود و جنبه بین الطلی بخود میگیرد . سطح دومی وحدت در سطح سازمانی است . میزان

پیشرفت و تکامل آن وابسته به شرایط مشخص تاریخی و سیاسی هر کشور جداگانه است . در گروسی ساختاری در رشته های صنایع و حرفه ها که در کارهای عمیاتی بخش قابل توجهی از سراسر سندیکائی امریکای لاتین آمده ، بطور صمیمی راه امکانات مساعدی را برای نزدیکی آنها و دستیابی به شکل عالی وحدت میگشاید .

در یک سلسله از کشورها که جنبش سندیکائی در آنها در حالت تفرقه و پراکندگی شدیدا است ، کار و کوشش در این جهت به نتایج مثبتی منجر شده است ، اگرچه آنها هنوز بازگشت ناپذیر نشده اند . در نوامبر سال ۱۹۸۳ در پرویزل کنگره ملی زحمتکشان تشکیل گردید . این بد ان معنی است که مبارزه در راه وحدت و حقوق سندیکائی در کشور پرویزل که از جمله زحمتکشان روستاها هم در آنجا نیرو میگیرند از لحاظ کیفی به سطح بالاتری ارتقا یافت . آنها در د و هزار و پانصد سازمان که نزدیک به ۷ میلیون عضو دارند (از جمله کارگران روز مزد ، نیمه پرولتاریا و دهقانان) تمرکز شده اند (۱) .

کنگره کفند راسیون سندیکائی زحمتکشان کلمبیا که در ژوئیه سال ۱۹۸۳ تشکیل شد برای ایجاد مرکز سندیکائی تازه ای که سندیکاهای راهم که دارای مواضع ایدئولوژیک مختلف بودند در برگیرد شرایط فراهم ساخت . در آرژانتین بدنبال احیای نهاد های دموکراتیک زندگی سندیکائی بحال فادی باز میگرد و این امر به تشدید فعالیت جریانهای طبقاتی و وحدت تگرایی میسرانند . انتخاباتیلهای جدیدی که با احترام از اقدامات سکناریستی و خود محوری در گذشته وجهه خود را از دست نداده اند بیانگر تحقق اراده زحمتکشان بود . برای اشغال مقام های رهبری فعالترین کارگران پرونیست ، کمونیست ها و نمایندگان سایر نیروهای سیاسی نامزد میشوند .

آنچه گفته شد ، امکان میدهد اینطور نتیجه بگیریم که بدون همکاری نزدیک تمام محافل اجتماعی و سیاسی بدینفع نمیتوان امپریالیسم را شکست داد . پروسه های وحدت گرائی جنبش های کارگری و سندیکائی هنگامی به نتایج مثبت میرسد که باتوافق های گسترده سیاسی میان نیروهای دموکراتیک و مترقی همراه است . بنا بر این وظیفه اساسی کمونیست ها عبارت از تقویت وحدت در جریان مبارزات توده ای در سطوح مختلف است و همین تحقق انقلاب اجتماعی را امکان پذیر میسازد .

اعتراض تشدید مییابد

شرکت کنندگان در بحث و مذاکره ضمن بررسی مسئله وحدت شرایطی را که بدان کمک میکند بطور گسترده مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند . صحبت ، مقدم بر هر چیزی ، بر سرعت ، دامنه و تنوع

۱ - در باره این موضوع مشروح تر رجوع کنید به : آ . و . فاسینتو . اتحادیه های حرفه ای پرویزل در حالت اعتلا . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۸ سال ۱۹۸۳ . هیئت تحریریه .

اشکال حرکات پرولتاری بود . اگرچه بورژوازی اندیشه "عدم مداخله در سیاست" را برای جنبش سندیکاها که تحت نفوذ آنست اعلامیه دارد ، عملاً میکوشد از آن برای هدنهای آزمندانه خود استفاده کند . ولی ، کارگران بطور کلی ، فیسرمایه رانمیخورند و از بهکارهای طبقاتی خود رانکار نمیکنند . بسیاری از سندیکاها فعلاً نه و شجاعانه در برابر های دموکراتیک و ضد امپریالیستی شرکت میکنند . این پدیده را مقدم بر هر چیز با وضع دشوار مادی زحمتکشان و وجود آگاهی طبقاتی در آنها میتوان تشریح نمود .

امریکای لاتین ضربات بحران های اقتصادی سرمایه داری سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۴ و سالهای ۱۹۸۳-۱۹۷۹ را از سر گذرانده است . قیمت های مصرفی در قاره بطور کلی در سال ۱۹۸۰ تا ۵۶ درصد و در سال ۱۹۸۲ تا ۷۹٫۷ درصد افزایش یافت (۱) . درآمد واقعی زحمتکشان هم به همان نسبت کاهش پیدا کرد و پیوستن اهالی بصفوف مستندان تشدید گردید . در اواخر سالهای ۷۰ بهیچاز . در درصد اهالی منطقه فاقد وسائل کافی برای برآوردن نیازهای اساسی خود بودند . تشدید مبارزه هم در افزایش دامنه جنبش اعتصابی که در برخی از کشورهای تاضیق و فشار و اعمال قهرا از طرف استبداد روبرو شد ، هم در اقدامات دیگری که از لحاظ ترکیب شرکت کنندگان و هدف های خود گسترده تر بود (از جمله اعتصابات عمومی و روزهای اعتراض ملی سراسری علیه دیکتاتوری) ، خود را نشان داد . خواسته های پرولتاریا که نمیتوانند در شرایط بسیاری از کشورهای امریکای لاتین حرفهای و صنفی خالص جلوه کنند عنصر تفکیک ناپذیر در ترکیب مبارزیم های ضد خلقی و نظامی ارتجاعی ، در راه تجدید دموکراتیک گردیدند . بفضیلت بسط این قبیل پروسه ها تا تاثیر متقابل جریانهای انقلابی و رفورمیستی استحکام پذیرفت و این نیز گواه رادیکال شدن روحیه طبقه کارگر است . در ضمن پدیده مهمی نیز آشکار گردید باین معنوی که سرمایه ترانس ناسیونال جزئی از ساختار اجتماعی اقتصادی امریکای لاتین است و منافع آن با منافع شرکت های محلی سخت درهم آمیخته است . بهمین سبب مبارزه با استثمار و انحصاری خصلت ضد امپریالیستی آشکار بخود میگیرد و به همکاری واحد های ملی و بین المللی سندیکا های یاری میرساند .

در باره اشکال مبارزات سیاسی زحمتکشان ، اتحادیه های و احزاب آنها باید گفت بسیار متنوع است : از شرکت در مبارزات انتخاباتی و بحث و مذاکرات پارلمانی ، آنجا که برای این کار شرایط فراهم است (بطور مثال در مکزیک ، کستاریکا ، پاناما ، کلمبیا ، ونزوئلا ، اکوادور ، پرو و بلیوی) تا شرکت در جنبش های مسلحانه و یاکم بدانها (سالوادور و برخی دیگر از جمهوریهای امریکای مرکزی و جنوبی) .

در جریان بحث و مذاکره وضع مشخص کشورهای مختلف هم بررسی میشد . بطور مثال در مخروط جنوبی روزهای اعتراض شدید توده ای علیه رژیم های فاشیستی شیلی و اورگوئه برگزار میگردد . در این اقدامات نقش اساسی طبقه کارگر و یوزه احساس میشود . در شیلی پرولتاریا از تمام اشکال مبارزه در عدم اطاعت همگانی از رژیم استفاده میکند ، وحدت خود را استحکام می بخشد و نفوذ هر چه بیشتری بمقیاس سراسر کشور کسب میکند .

سندیکا های اورگوئه بلافاصله پس از کودتای سال ۱۹۷۳ اعتصاب همگانی پانزده روزهای سازمان دادند . در تمام سالهای بعد هم آنها بهترین تظاهرات اعتراض آمیز متعدد و اقدامات بزرگ بارتنگ سیاسی مانند تظاهرات اول ماه مه سال ۱۹۸۳ و مسیح توده ای ۲۷ نوامبر همسان سال بودند (۱) . در آرژانتین که چندی پیش گام مهمی بجلود راه دموکراتیزه کردن برداشته شد و به حکمروائی نظامیان پایان داده شد ، در دسامبر سال ۱۹۸۲ شش میلیون نفر از کارگران و کارمندان اعتصاب سراسری علیه مشی اقتصادی دولت سابق تشکیل دادند .

مرکز کارگری بلیوی در رویداد هایی که به تعویض رژیم دیکتاتوری بادولت دموکراتیک غیر نظامیان منجر گردید ، مهمترین نقش را ایفا کرد . در ضمن ، در سمپوزیوم قید گردید که در آن مرکز هنوز جریانهای تروتسکیستی و آنارشیمیستی - سندیکالیستی وجود دارد که به نقش سندیکا ها از راه به امید هند و خواسته های زمان حاضر با هدفهای دراز مدت مانند تثبیت دموکراسی و دگرگونی های بنیادی مترقی در مقابل یکدیگر قرار میدهند .

طبقه کارگر برزیل خواسته های اقتصادی و اجتماعی را با اقدامات محلی خود تقویت میکند ، اقداماتی که در جریان آنها وظائف دموکراتیک مطرح و اغلب انجامی پذیرد . طبقه کارگر تاثیر فراوانی در قشرهای گسترده توده ها دارد و نیروهای را که در مقابل ارتجاع داخلی قرار دارند متحد ساخته و فعالیت و امید دارد . در پرو اکثریت سندیکا ها دارای سمت طبقاتی هستند و پرولتاریا در راس مبارزه علیه الیگارشی قرار دارد . طی سه سال گذشته یک تلسله اعتصابی سراسری انجام شده که شهر و روستا را فرا گرفته و صد ها اعتصاب منطقه ای در رشته های گوناگون برگزار گردیده است . ارتجاع در تلاش بمنظور سرکوب این اقدامات که از عظیبات قاطعانه آینسده خبر میدهند ، تضییق و فشار را تشدید میکند (۲) . در کلمبیا د ارتگامهایی که در جهت وحدت برداشته شده و در نتیجه موافقت

- ۱ - مشروح ترد باره این موضوع رجوع کنید به س. بهاک . مردم اورگوئه دیکتاتوری را رد میکنند . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۳ سال ۱۹۸۴ . هیئت تحریریه .
- ۲ - مشروح ترد باره این موضوع رجوع کنید به س. خیفنس . در راه تحولات بنیادی در پرو . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۳ ، سال ۱۹۸۴ . هیئت تحریریه .

ناممفاهنی که میان چهار مرکز سندیکاکی در سطح رهبری و سطوح پائین یا ماضی رسید امکان بدست آمد که ۱۴ سپتامبر سال ۱۹۷۷ را روزاً اعتراض اعلام کنند ، این اعتراض ، اعتصاب ملی افراد غیر نظامی نامیده شد . بدنبال آن اعتصابات منطقه ای و در سال ۱۹۸۱ ، اعتصاب سراسری برگزار شد .

مبارزات اعتصابی نیرومند طبقه کارگری سالهای اخیر را کودوز و ونزویلا و پیانا ما ، کستاریکا و حتی در آن کشورهای امریکای لاتین هم که در زهرچکمه های دیکتاتوری بسر میبرند ، به وقوع پیوست . در مرکزیک در شرایط بدتر شدن وضع اقتصادی و تحت فشار از پائین ، لیدران رفورمیست طرفدار دولت مجبور شد نداینطور تظاهر کنند (اگرچه بطور لفظی هم باشد) که موضع آنها اندکی " رادیکال تر " شده است .

از آنجا که بیکاری در امریکای لاتین مقیاس خطرناکی پیدا کرده ، بیکاری از عواملی مبدل شده است که باعث اعتراض های اجتماعی میگردد . اینک اشتراک گسترده افراد بیکار در ریه کارهای طبقاتی چشم میخورد .

مبارزه در راه صلح ، علیه مسابقه تسلیحاتی ، میلیتاریسم و درگیریهای منطقه ای در ریه کارهای انقلابی پرولتاریای امریکای لاتین همواره جای قابل ملاحظه ای داشته است . اینک در شرایط افزایش خطر ریلیه هسته ای که امریالیسم جامعه بشری را با آن تهدید میکند این جنبه فعالیت پرولتاریای امریکای لاتین مفهوم خاصی کسب میکند . از جمله در قاره ما مبارزه برای حفظ صلح با اقداماتی در جهت افشای سیاست تجاوزکارانه واشنگتن نسبت به کشورهای امریکای مرکزی و حوضه کارائیب و تحکیم همبستگی با جنبش آزاد بیخش خلقهای آنها در هم آمیزد . سندیکاها ناسی کنه کمونیست ها در راس آنها قرار دارند ، کوشش فراوانی برای تسبیح نیروهای بکار میبرند که آماد هستند در عقیم ساختن برنامه های ما جراجویانه آتش افروزان جنگ سهمی داشته باشند .

بدین ترتیب منظره فعالیت طبقه کارگر هر ساله گسترده تر ، بفرنج ترومتنوع تر میگردد . در جریان رویارویی های اجتماعی و سیاسی ، بفرغم عوامل تا مساعد ، نقش بیشتاز طبقه کارگر در جامعه هر چه برجسته تر بروز میکند . بطوریکه و . ای . لنین آموخت : " نیروی پرولتاریا در هر کشور سرمایه داری همباز همبزرگترین قیاسی بیش از درصد پرولتاریا در جمع کل اهالی است " (۱) .

سیاست اتحاد ها

تظاهرات توده ها برهبری طبقه کارگر برای دفاع از منافع مستقیم اقتصادی و اجتماعی و همچنین

۱ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۰ ، صفحه ۲۳ .

برای انجام وظائف دموکراتیک و ضد امپریالیستی ، در درجه اول ، بدین سبب دامنه گسترده ای پیدا کرد که خواست های پرولتاریای امریکای لاتین مورد علاقه گروههای بسیار مختلف اهالی است . در همین حال طبقه کارگر نیز ریه های خود را بوسیله سیاست اتحاد ها ، اساساً با دهقانان تهیدست و همچنین قشرهای متوسط شهروده ، چند برابر افزایش میدهند .

همهنگام بررسی این موضوع این تز که متحدین پرولتاریا را بگویم احتیاجاً باید هدف غائی خود را سوسیالیسم بدانند و بپایه انقلاب بیکری شهرت داشته باشند رد شد . میدانیم که پیروزی انقلاب بدون اشتراک گروههای بسیار گسترده طبقه کارگر و مردم بطور کلی (از جمله عقب ماندترین قشرهای آنها) بی معنی و مفهوم است . بطوریکه میدانیم نظریاتین چنین است .

البته ، برخورد به این مسئله باید برخوردی مشخص و تاریخی باشد و خصوصیات هر کشور و سطح پیشرفت اجتماعی - اقتصادی آن در نظر گرفته شود . اگرچه فرمول اتحاد کارگری در هتانی بمنزله محور نیروهای استراتژیک انقلاب بطور کلی هنوز مبهم است و در دستور روز قرار دارد ، ولی این بدان معنی نیست که میتوان همیشه و در همه جا بیک شکل بکار برده شود . در برخی از موارد ، مثلاً در شیلی که وزن مخصوص قشرهای متوسط شهری زیاد است ، پرولتاریا برای برقراری اتحاد طبقاتی در درجه اول آنها را مورد توجه قرار میدهد .

عملیات متحد و مشترک در برخی از کشورهای روشن ترین وجهی در جنبش چریکی و در کشورهای دیگر را قدامات وحدت طلبانه مراکز سندیکاکی مختلف تجسم یافته است . در رگلبها این روشگیل در هم آمیخته شده است . در ریزیل کنیروهای اتحادیه ها در روستاها افزایش مییابد و اعتصابات اعتراض آمیز و قاطعانه از حتمتکسانی تشکیل میدهند که در تولیدات کشاورزی بکار مشغول هستند همبستگی و اقدامات مشترک با پرولتاریا که در شهرها تمرکز یافته تحقق مییابد . متحد عمدتاً طبقه کارگر در ریه کارگوشه طبقه دهقانان هستند که ۳۳ درصد اهالی را تشکیل میدهند . زحمتکشان رشته کشاورزی در ریه که در سازمانهای بانقودی متشخصه اند و بمقیاس سراسر کشور مبارزه میکنند طرفداری خود را از اتحاد با طبقه کارگر آشکارا بیان میدارند .

سخنرانان ، ضمن بحث در باره سیاست اتحاد ها با نیمه پرولترها و قشرهای متوسط شهری تاکید کردند که افزایش تعداد آنها در همه جا مشاهد میشود ، آنها از طرف سیستم موجود استثمار میشوند و منافعیشان بطور عمیقی با منافع پرولتاریا در ارتباط است . بدین مناسبت بحث پرشوری در اطراف مفهوم " پرولتاریزه شدن " قشرهای متوسط در گرفت . شرکت کنندگان در بحث و مذاکره قید کردند که برخی از ایند تولوگ های غیر مارکسیست میکوشند با اثبات رسانند که گویا میان طبقه کارگر و این کاتگوری از اهالی وجه مشترک ناچیز است و این قشرها گویا هر بار میکوشند هر چه آشکارتر بمنزله نیروی سیاسی

مستقلی عمل کنند . آنها کمونیست هارا بدین متهم میکنند که گویا قشرهای متوسط را فقط بمنزله پدیده ای که ازگذشته باقی مانده و یا گروههای گذرانی که محکوم بنا بودی خود بخودی هستند (در نتیجه پیشرفت سرمایه داری) در نظر میگیرند . بدین ترتیب است که صحت استراتژی نیروهای چپ مورد شک و تردید قرار میگیرد .

ولی این قهیل اظهارات بی اساس است ؛ افزایش کئی قشرهای متوسط شهری نه فقط به معنی کاهش تعداد طبقه کارگریست ، بلکه مستلزم پرولتاریزه شدن روزافزون خود آنهاست ، زیرا شرایط زندگی و کاراکتریت این کاتگوری از اهالی در بسیاری از جهات به شرایط کار زندگی کارگران مزد بگیر شباهت پیدا میکند . این را میتوان در نمونه شیلی ، برزیل ، پرو ، کلمبیا و یک سلسله دیگر از کشورهای آشکارا مشاهده کرد . ولی این پدیده را بهیچوجه نباید مطلق کرد و مفهوم " پرولتاریزه شدن " را (بجاست گفته شود که از وقت علمی هم برخوردار نیست) باید با احتیاط بسیار کنار برد تا بهنگام تجزیه و تحلیل خصائص ویژه قشرهای متوسط از نظر در و نشود و ثبات نسبی آنها در ساختار اجتماعی سرمایه داری بحساب آورده شود .

جبهاتی که نامبردیم برای استراتژی و تاکتیک سیاسی کمونیست ها دارای اهمیت بسیار زیادی است . بهمین سبب کمونیست ها مسئله نزدیک ساختن مواضع و تعالیات و خواستهای طبقه کارگر و قشرهای متوسط را بطور همه جانبه مورد بررسی قرار میدهند و در ضمن هم خلصت متضاد و دگانگی رفتار این قشرها و هم نزدیکی روزافزون منافع عمده این قشرها با پرولتاریا را نیز در نظر میگیرند . آمادگی مبارزه در راه چنان نظامی که سرمایه داری راغنی میکند پایه ای برای منافع مشترک آنها است .

جبهات ویژه فعالیت پرولتاریای امریکای لاتین بصورت مناسبات متقابل آن با افراد مذهبی و همچنین اقلیت های ملی و اتنیک هم شایان توجه است .

در سمپوزیوم قید گردید که طبقه کارگر با جنبش های توده ای و مترقی افراد مذهبی که بیادیان گوناگون تعلق دارند (اکثر دین مسیحی است که در سراسر قاره اشاعه یافته است) ارتباط و وجود مشترک دارد . زحمتکشان متدین از کاتگوریهای بسیار مختلف میباشند . همکاری با این جنبش ها در هرصه های زیادی برای دست یافتن به هدفهای دموکراتیک و مترقی به گسترش گرایشهای وحدت طلبانه در صفوف پرولتاریا کمک میکند و همچنین برای افشای باطلیل ضد کمونیستی و عقیم ساختن اقدامات ارتجاعی که کلیسای گوش بفرمان دولت بعمل میآورد امکان فراهم میسازد .

توجه ویژه ای به این مسئله مبذول گردید که در برخی از کشورهای گروههای ملی و اتنیک اکثریت د هقانان و بخش قابل توجهی از طبقه کارگر را تشکیل میدهند . در کار پایه های برنامه ای احزاب مارکسیستی - لنینیستی از منافع ویژه این کاتگوری اهالی دفاع میشود و مسئله برخورد احترام آمیز

بمعیرات فرهنگی آنها مطرح میگردد .

بدین ترتیب در این نکته تردید نیست که درک این حقیقت از ویژگیهای پرولتاریای امریکای لاتین است که اورسالت تاریخی خود را فقط بشرط استفاده دقیق ، دلسوزانه ، احتیاط آمیز و ماهرانه از تمام امکانات برای بدست آوردن متحدین توده ای میتواند بطور موفقیت آمیز انجام دهد . بررسی این منظره گسترده و متنوع امکان داد که در سمپوزیوم به این نظر واحد برسند که طبقه کارگر امریکای لاتین نه فقط مبارزه خود را تشدید میکند ، بلکه به عملیات اعتراض آمیز و تظاهرات خلصت برای ارضای خواستهای بلاواسطه اقتصاد و اجتماعی الهام بخشیده و آنها را رهبری میکند .

لشوهین حال پرولتاریا با قرار گرفتن در صف مقدم در مبارزات دموکراتیک ، ضد الیگارشی ، ضد انحصاری و ضد امپریالیستی ، معمولا ابتکاراتی بخرج میدهد و برای تحقق این ابتکارات در پیگیرترین موضع قرار میگیرد . پرولتاریا روز بروز با اعتماد بیشتری عملات نقش تعیین کننده را در درگرونی های بنیادی انقلابی و تشکل در نهادهای استراتژیک در مبارزه راه استقرار رژیم های دموکراتیک با این سده سوسیالیستی ، ایفا میکند .

نتایجی که شرکت کنندگان در سمپوزیوم بدست آوردند با مواد سند نهائی اجلاسیه احزاب کمونیست امریکای جنوبی (ژوئیه سال ۱۹۸۴ ، بوئنوس آیرس) هماهنگ است . در این مجمع خدمات برجسته پرولتاریا در امر تحکیم استقلال ، دفاع از منافع حیاتی قشرهای انبوه زحمتکشان ، تحقق تحولات بنیادی و در عقیق ساختن نقشه های امپریالیستوار تجاع داخلی برای بی ثبات ساختن پروسه دموکراتیک تأیید گردید .

وجهه روزافزون و نفوذی که طبقه کارگر و اتحادیه های آن در مبارزه مشترک همراه با سایر قشرهای اجتماعی و مجامع سیاسی شان کسب کرده اند به طبقه کارگر امکان میدهد به عملی مدلل گردد که این مبارزه را تشدید نموده و رهنمود های صحیح و قابل اطمینانی عرضه کند . صحت اندیشه های کمونیست ها در باره راهها و شیوه هایی که پرولتاریا بکمک آنها بمنقش رهبری در جامعه دست میآید به متق ترین وجهی تأیید میگردد .

مراحل انقلاب اتیوپی

گزارهن کيسره

معاون سرد بهر هفته نامه " سرتو آدر"
ارگان کمیته مرکزی کمیسیون سازماندهی حزب
زحمتکشان اتیوپی

تاریخ اتیوپی ، تاریخ پیکار قهرمانانسه خلق علیه تجاوزگران خارجی و دشمنان داخلی است . با وجود آنکه خلق آزادی طلب ماتوانست حملات نیروهای استعمارگر را دفع کند و استقلال کشور خود را حفظ نماید ، موفق نشد ، زنجیرهای اسارت اجتماعی را از هم بگسلد . سالها یکی از مستبدترین و ظالمانهترین رژیمهای جهان در کشور حکمرانی میکرد . در آستانه انقلاب جامعه اتیوپی زیر ستم دوگانه استعمار نفوذالی و حکمرانی امپریالیستی قرار داشت . در اقتصاد بخش مدرن ، تولید خرده کالای و تولید کشاورزی سنتی در کنار هم وجود داشت . وضع دهقانان ، که به بهره‌مانترین وجهی استثمار میشدند ، بطور مداوم بدتر میشد . شرایط زندگی طبقه کارگر هم کمتازه بوجود میآمد و از بیماری جمعی ، تورم فزاینده و بالا رفتن مداوم قیمت هارنج میکشید ، بهتر از آن نبود . در نتیجه سیاستنواستعماری بخش مدرن اقتصاد مابه انحصارهای خارجی وابسته شد . در کشاورزی ، یعنی جایی که تاکنون اکثریت عظیم اهالی بکار اشتغال دارند عقیماندگی تکنیکی کشاورزی و آشکال کهنه مناسبات اجتماعی تعمد حفظ و نگهداری میشد ، زیرا نه استثمارگران داخلی ونه شرکت های ترانس ناسیونال به دگرگونی های بنیادی اجتماعی - اقتصادی جدی علاقه ای نداشتند . آنها فقط جوای سود بودند ، و بدین سبب ازلی وابدی ساختن سیستم استثمار موجود بنفع آنها بود . برای گشودن راه بجلوایستی دو مانع بر طرف میشد : یکی سیستم نیمه نفوذالی اجتماعی - اقتصادی و دیگری وابستگی به امپریالیسم .

انقلاب سال ۱۹۷۴ چنین وظیفه ای را انجام داد . انقلاب این حقیقت را تایید کرد که آزادی سیاسی اگر بوسیله استقلال اقتصادی تکمیل نشود ساختگی و جعلی از آب در میآید . استقلال

اقتصادی راهم بنویس خود فقط با دگر سازی بنیادی جامعه میتوان بدست آورد . بدست آوردن بهر شرف و ترقی واقعی بمعنای آنست که متحد امکان هر چه سریعتر به استثمار امپریالیستی خاتمه داده شود . برای از بین بردن عقب ماندگی شرایط ایجاد کرد و در ریزی زمینه و بنیادی اقتصادی استوار آفشار شود .

طبق قرارداد ولت انقلابی اتیوپی یعنی شورای نظامی اداری موقت صنایع عمده و موسسات حمل و نقل که از طرف خارجی ها اداره میشد و نیز بانکهای خصوصی و نگاه های بیمه ملی اعلام شد . این اقدام سلطه و نفوذ انحصارهای امپریالیستی را متزلزل کرد . شورای اداری نظامی موقت و کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی با توجه کامل به اینکه بهر شرف سریع و موزون اقتصاد ملی قوی فقط در زمینه استفاده معقول از تمام منابع کشور میسر است ، مبانی و اساس برنامه ریزی اجتماعی اقتصادی را تهیه کردند . در حال حاضر برنامه ده ساله بهر شرف درد ستنبهه است که ما امیدواریم به کمک آن دشواریهای اساسی را مرتفع سازیم و بهر از هر چیز مسئله تامین مواد غذایی اهالی روستایی و شهری را حل کنیم و نیازهای عمده آنها را برآورده سازیم .

دولت انقلابی اعلام کرد که بمنظور منسق نفوذالی کهنه در روستا خاتمه داده شد و از این به بعد دهقانان بیگانه مالکان کار خود هستند . طبق اصلاحات ارضی هر خانواده روستایی ۱۰ هکتار زمین حاصلخیز بدست آورد . شورای اداری نظامی موقت بمنظور بهر شرف کشاورزی ، بالا بردن سطح زندگی دهقانان و سازماندهی و تحکیم تعاونی های کشاورزی که طبق اصول تعاونی لنینی ایجاد میشوند تدابیری را بمرحله اجرا در میآورد . بخش دولتی کشاورزی نیز در حال پیدایش است . در نتیجه زمینه بهر شرف روستای اتیوپی در جهت سوسیالیسم بوجود میآید .

تشکیل ارگان های اداره امور محلی یا باصطلاح کبله (Kebele) (۱) برای جلب توده های مردم چه پرروسه دگرگونی های بنیادی اجتماعی - اقتصادی اهمیت فوق العاده ای داشت . دهقانانی که عضو کبله ها هستند واحد های ویژه ای برای مبارزه علیه ضد انقلاب و تجاوز تشکیل میدهند . کبله در شهرها هم که پس از انقلاب مالکیت خصوصی بر زمین در آنها طغی کرد بد بوجود آمدند . (پیش از انقلاب ۹۵ درصد اراضی شهری فقط به ۱۱ خانواده تعلق داشت ، در ضمن بهر از درونجم تمام املاک در اختیار امیرا طور و اقوام او بود .) وظائف کبله در شهر و روستا گوناگون است . بطور مثال ، اختلافات و منازعات مختلفی ، از اختلاف بر سر اراضی گرفته تا منازعات خانوادگی در آنها حل و فصل میشود . اگر در گذشت مردم در چنین مواردی مجبور بودند به پلیس یا محکمه مراجعه کنند

۱ - کبله - ارگان های اداره امور محلی .

و متحمل مخارج گزافی شوند، آنها حالا میتوانند مسائل زیادی را مستقیماً بوسیله اتحادیه خود فیصله دهند. کلبه‌ها در تقسیم مواد غذایی هم شرکت میکنند. با اصطلاح "مغازه‌های خلقی" که در آنها مواد مورد نیاز اولیه با قیمت‌های مناسب فروخته میشود در اختیار کلبه‌ها است. این امر فعالیت واسطه‌ها و دلالان را بطور قابل ملاحظه‌ای محدود میکند.

در شهرها کمیته‌های انقلاب هم که امنیت منطقه خود را تامین میکنند مشغول بکار شده‌اند. در سالهای اخیر تمام بزرگسالان عملاً به این کمیته‌ها کمک میکنند. هر فردی یکماه و ماه یکبار شب‌کشیک میدهد و این اقدام برای دفع تحریکات دشمنان انقلاب بی اندازه ضروری است. یکی دیگر از وظایف مهم کلبه‌های شهری کمک‌رسانی در حد توانائی بد هقانان است، بطور مثال برای برداشت محصول.

بطور کلی میتوان گفت که سیستم نوین اداره امور شهر و روستا که پس از انقلاب در اتیوپی بوجود آمده است با وجود برخی نواقص، کارآئی خود را نشان داده و نشان میدهد.

فعالیت اجتماعی و سیاسی توده‌ها فقط به اشتراک در امور اتحادیه "خود" محدود نمیشود. در سالهای اخیر نقش سندیکاها بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. در دوران رژیم سلطنتی چون آنها عملاً زائده سازمانی هوادار امپریالیسم مانند کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد بودند استقلال نداشتند. زحمتکشان که از صبح زود تا غروب آفتاب کار میکردند، مزد ناچیزی میگرفتند، نه حقوق بازنشستگی داشتند و نه غسرامتی در صورت آسیب دیدن در اثر سوانح کار.

در اتیوپی توان اتحادیه‌ها و اقوام نظیر اراده زحمتکشان هستند، و مراقب شرایط کار و زندگی خدمات پزشکی و تامین کمکهای اجتماعی آنها میباشند. در سراسر کشور حداقل دستمزد مقرر گردیده مدت کار به ۸ ساعت تقلیل داده شده است، به زنان ۵ روز مرخصی برای زمان بارداری و وضع حمل داده میشود. ارگانهای اداری بدین شرکت سندیکاها حق ندارند مسائل مربوط به دستمزد زحمتکشان را حل و فصل نمایند و یا اینکه برای آنها امتیازاتی قائل شوند. بالاخره در کارخانه‌ها و فابریک‌ها کمیته‌های ویژه‌ای وجود دارد، که حق دارند از طرف کارگران و کارمندان با مدبریت در باره مسائل اجتماعی مذاکره نمایند. کمیته‌های مخصوص جوانان و زنان هم مشغول فعالیت هستند. کارگران و کارمندان رشته‌های اساسی صنایع در سندیکای سراسر اتیوپی متحد شده‌اند.

اتحادیه جوانان اتیوپی انقلابی و سازمان زنان اتیوپی انقلابی ایجاد شده است که در هر ناحیه زیر پوشش اداری یا کلبه شعبه‌ای دارند. در کشور ما سندیکا‌های آموزگاران، فرهنگیان و هنرمندان و موسیقین هافیره وجود دارد. آنها بطور فعال در پرورش بازاری جامعه اشتراک‌موزینند.

انقلاب برای پیشرفت فرهنگ دموکراتیک گروههای اجتماعی که در گذشته مورد ظلم و ستم قرار

داشتند امکانات تازه‌ای فراهم کرده است. توده‌های بسیاری کمیته‌های ملی و فرهنگی‌شان عملاً مورد انکار قرار میگرفت، اکنون اعتلای معنوی را میگذرانند. اقدامات گسترده‌ای که در حال حاضر بساری از این بردها بیسواد است، توسعه سیستم آموزش وجود آوردن قشر تازه روشنفکران چند ملیتی بعمل میآید، همه علائم رستاخیز معنوی و فرهنگی اتیوپی کهن هستند.

موفقیت‌هایی که در عرصه فرهنگ مردمی بدست آمده آشکار است. در سال ۱۹۷۴ فقط ۱۹ درصد کودکانی که به سن تحصیلی رسیده بودند نمیتوانستند درس بخوانند. اکنون ۴۷ درصد تمام کودکان کشور بهمد رسه میروند. تعداد شاگردان مدارس متوسطه بیش از دوبرابر و نیم افزایش یافته است. در ردیف مدارس متوسطه ۱۲ کلاس، شبکه مدارس متوسطه‌ای که در هر کمال تدوین نمیکند (۸ کلاس) و مدارس ابتدائی ۶ کلاس هم توسعه یافت. هدف این است که برای هر سه کلبه روستائی مایک مدرسه ابتدائی داشته باشیم.

شورای موقت اداره نظامی و کمیسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی توجه فراوانی به مسئله بهداشت معطوف می‌دارند. پیش از هر چیز، خدمات پزشکی رایگان را معمول داشتیم. البته تعداد پزشکان هنوز کافی نیست. تاکنون در کشور فقط یک دانشکده پزشکی در دانشگاه آدیس‌آبابا وجود داشت که سالانه فقط ۱۲۰ پزشک آماده میکرد. در نظر گرفته شده است که دانشکده پزشکی دیگری در گوندار (Gondar) در سال ۱۹۸۴ گشایش یابد. آنوقت تعداد فارغ‌التحصیل‌ها به ۲۰۰ نفر خواهد رسید. شبکه بیمارستانها و پلی‌کلینیک‌ها هم توسعه می‌یابد. تعداد بیمارگستردهای برای جلوگیری از بیماریها در دست اجرا است (به ویژه در میان کودکان) و حالا بطور مثال میتوان هر کودکی را در همان روستائی که بدنیا آمده طبیبانه تلقیح کرد. توجه به تندرستی مردم عنصر مهمی از سیاست اجتماعی رهبری جدید است.

مادر رستمجوی راه حل مسائلی که برای کشور مطرح است تجارب غنی جنبش انقلابی بین‌المللی و احزاب پرولتری را رهنمود خود قرار میدهد و در همین حال ویژگیهای پیشرفت تاریخی اتیوپی و خصوصیات روحی و درجه آگاهی مردم را نیز در نظر میگیریم. راه اساسی ساختمان موفقیت آمیخته جامعه سوسیالیستی در کشور ما در این تلقیح دیالکتیکی است.

مشئ استراتژیکی و تاکتیکی و نیز اقدامات عملی انقلابیون اتیوپی گواه وفاداری آنان به اصول اساسی سوسیالیسم عملی است. فعالیت موفقیت آمیز در ایجاد حزب پیشرو زحمتکشان از شاخص‌های مهم این امر است.

وضع مشخص موجود در اتیوپی اشکال و شیوه‌های ویژه و مخصوص بخود ساختمان حزبی را الزام میکند. بطوریکه میدانیم در کشور ما سازمان‌های مختلف سیاسی وجود داشت، از جمله سازمانهای

ناسیونالیستی و چپ های افراطی . کوشش برای گرد آوردن تمام این جمع غیرمتجانس و ناهمگون در یک حزب واحد موفقیت آمیز نبود . ماهی این نتیجه رسیدیم که یک دوران بنیادینی و تدارکاتی لازم و ضروری است . تذاریک پایه گذاری یک حزب پیشرویه کمسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی برهبری منگستوما هیله ماریام واگذار گردید .

فعالیت این کمسیون عملا تمام کشور را دربر میگرفت . در حوزه های آن در ایالات و شهرستان ها ساختار حزب آینده بی ریزی میشد و کارها را آموزش میدادند . به مبارزه برای حفظ انضباط و ایالات بدون آگاهی اعضا کمسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی توجه خاصی مبذول میگردد . در نخستین کنگره آن مشی روشن سیاسی تهیه و تدوین شد و وظائف مشخص ساختمان حزب تعیین گردید . یکی از این وظائف ، گسترش اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم میان توده های مردم بود . اعضای کمسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی طی چهار سال گذشته راه و رسم کار حزبی - سازمانی ، ایدئولوژیک و سیاسی را فرا گرفتند . آنها در کارخانه ها و روستاها و وظائف ساختمان جامعه نوین ، ضرورت افزایش بازدهی کار ، تحکیم انضباط و تولید و غیره را برای مردم توضیح میدادند و در نواحی روستایی به دهقانان برای سازماندهی شرکت های تعاونی کمک میکردند .

در ژانویه سال ۱۹۸۳ در همین کنگره حزب تشکیل گردید ، که در آن گزارش اساسی و اسناد مهم دیگر تصویب رسید . از این لحظه تشکیل حزب مرحله آخر آن رسید . برنامه حزب تهیه و تدوین شد . (تا آنوقت برنامه انقلاب ملی دموکراتیک (۱) رهنمود مابود) . اما سنامه آن هم که اساسا سنامه کمسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اختلاف داشت ، تهیه گردید . بطور مثال ، در حالیکه نمایندگان برای شرکت در کنگره کمسیون سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی از میان جدیترین و فعالترین اعضا آن که بهترین سهم را در انقلاب اد کرده بودند ، انتصاب میشدند و نه انتخابه نمایندگان کنگره حزب قبلا باید انتخاب شوند . مسائلی مانند نام حزب (حزب کارگزار اتیوپی) ، نشان آن که یک ستاره زرد باد آبی و چکش سرخ است نیز مورد بحث و مذاکره قرار گرفت .

در دوران پیش از کنگره مامان اهالی تبلیغ میکردیم و برای مردم در باره حزب نوین و نقش آن در جامعه و موفقیت های انقلاب توضیح میدادیم . در همه جا جنساتی تشکیل میدادیم که فعالین حزبی در آنها صحبت میکردند . ما برای تنوع اشکال تبلیغات و تمهیج مردم اهمیت ویژه ای قائل بودیم . از جمله ممکن دیدیم از جشنواره های ورزشی که مورد علاقه مردم بود برای این منظور استفاده کنیم . کوتاه سخن ، کار دشواری انداز میهنی انجام گردید و کفنتایج مثبتی به بار آورده و سطح معنای

۱ - برنامه انقلاب ملی - دموکراتیک از طرف شورای موقت اداری نظامی در آوریل سال ۱۹۷۶ به تصویب رسید . هیئت تحریریه .

در آینه مهم شرعاتی در بر خواهد داشت .

وقتی میلیون ها انسان در کشور ما ، پس از درهم کوفتن نظام بوسید و اجتماعی - اقتصادی سرنوشته خود را بدست گرفتند ، نیروهای ارتجاع و امپریالیسم برهبری ایالات متحده امریکا ، جنگ تجار و کارخانه ای علیه اتیوپی آغاز کردند و به ترغیب و تقویت ضد انقلاب داخلی پرداختند .

امپریالیست ها که انقلاب اتیوپی را خطری برای مواضع خود در رتبه اول در ناحیه شاخ افریقا می دیدند میکوشیدند بروسه پیشرفت مترقی را به عقب برگردانند . آنها با دستهای می اندیشیدند که کنترل خود را در این بخش مهم استراتژیک ساحل دریای سرخ احیا کنند ، زیرا این کار اعمال سیاست توسعه طلبانه ایالات متحده را در منطقه اقیانوس هند آسان تر میکرد .

در ضمن واشنگتن ، (همانگونه که بارها در رساله های گذشته اتفاق افتاده) ترجیح میداد بوسیله دست نشاندهگان خود ، در این مورد بوسیله رژیم ارتجاعی سومالی که تجار و رهایی اتیوپی انقلابی را آغاز کرد اقدام نماید . در همین حال امپریالیست ها ، حکمرانان محافظه کار غرب و فعال محلی آنها با تپ و تاب میکوشیدند که وحدت کشور ما را از داخل متزلزل کنند . آنها عملیات شورشیان جدائی طلب را با تمام وسائل تشویق و ترغیب میکردند ، به آنها اسلحه و مهمات میدادند و راه را برای ساختن قاتلین حرفه ای گم میکردند . ولی خلق شجاع اتیوپی با وارد آوردن ضربه نابود کننده ای به سربازان مزدور سومالی که بهمین تجار و زکرها بودند تمام نقشه های آنها را برهم زد ، حملات جدائی طلبان را که مورد حمایت نیروهای خارجی بودند ، دفع کرد . کمک برادرانه و انترناسیونالیستی کشورهای سوسیالیستی در بدست آمدن این موفقیت تاثیر بسزایی داشت .

رهبری ، با بسیج توده ها برای بیکار علیه ضد انقلاب داخلی و تجاوز خارجی میکوشد مسئله ملی را که بوسیله دشمنان اتیوپی مصنوعا بزرگ جلوه داد میشود حل کند (در کشور افرادی زندگی میکنند که وابسته به تقریبا هشتاد ملیت اند) . در برنامه انقلاب ملی - دموکراتیک بطور واضح و آشکار از برابری تمام ملیت ها سخن که سابقا مورد ظلم و ستم رژیم سلطنتی قرار داشتند ، صحبت میشود . با پیروزی انقلاب آنها زندگی نوی را در پیش گرفتند و از شرکت کنندگان برابر حقوق در حل مسائل پیشرفت و تحولات بنیادی میهن خود گردیدند . بهمین سبب ملیت های گوناگون اتیوپی عمیقا به موفقیت های پروسه انقلابی علاقمندند .

اکنون بجزو احیای اقتصاد نواحی که در نتیجه اقدامات جدائی طلبان خسارت دیده اند و برای بالا بردن سطح زندگی مردم در نقاط مختلف تدابیر جدی اتخاذ میگردد . این موضوع در رتبه اول به ابرتره مربوط میشود . بطوریکه میدانیم ساکنین ارشتره بعلمت حملات ضد انقلاب مدت مدیدی نمیتوانستند از شرعات اصلاحات ارضی که در هسال پیش اعلام گردیده برخوردار گردند . اکنون دهقانان

ارित्रه نیز در کله متحد میشوند . پذیرش در کله اکید ابراهیه د اوطلبی صورت میگیرد .

مدارس و بیمارستانها و موسسات خدمات اجتماعی ساخته میشود . راههای قدیمی تعمیر میگردد و راههای تازه ساخته میشود . در نتیجه نه فقط شرایط مادی زندگی بهتر شده است ، بلکه زمینه اجتماعی واید پولویک برای جنبش جدائی طلبانه متزلزل گردید ماست . در ارتباط با این موضوع به اقدامات دامنه داری که برای پیشرفت اریتره در ژانویه ١٩٨٢ آغاز گردید و " ستاره سرخ " نامیده شده نقش بزرگی محول گردیده است . با این کار ما در همین حال در وظیفه رانجام میدهم : یکی دفع ضدمات خرابکارانه باند های ضد انقلابی که باقی مانده اند و دیگری احیای اقتصادی منطقه . همچنین باید مردم را متقاعد ساخت که انقلاب اتیوپی ، انقلاب آنهاست و که آنها از این بهمد ارباب و صاحب سرزمین خود هستند و در صورت لزوم باید سلاح در دست آرآن دفاع نمایند .

موفقیت های انقلاب ، که بیکار خلق ما را برای عدالت اجتماعی به ثمر رسانید ، بهروزی نیروهای ضد امپریالیستی و ترقی در تمام جهان است . ما با آنها علیه دشمن طبقاتی مشترک و در درجه اول علیه امپریالیسم جهانی که میکوشد به بر قیمت شد مترقی اجتماعی در کره زمین را متوقف سازد و جامعه بشری را به ورطه جنگ هسته ای بکشاند ، مبارز می کنیم . فقط همین جنبش مسالمت آمیز شرایط مساعدی برای پیکار سرزمندان ضد استعماری و تحکیم استقلال ملی کشورهای آزاد شده فراهم میآورد .

اتیوپی با تأیید اصول انترناسیونالیسم پرولتری ، همکاری گسترده ای را در عرصه های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و عرصه های دیگر با جهان سوسیالیستی بسط میدهد . مبادله هیئت های نمایندگی و تماس های دائمی میان شخصیت های حزبی و دولتی و میان نمایندگان سازمانهای اجتماعی در تمام سطوح گواه دامنه فزاینده و استحکام این مناسبات دوستانه است . در نتیجه همکاری شریکش با جامعه کشورهای سوسیالیستی تمداد زیادی تا سیاست اقتصادی در اتیوپی ساخته شده و ساخته میشود .

سیاست خارجی استوار و بیکر اتیوپی و پشتیبانی قاطعانه آن از نیروهای ضد امپریالیستی در اسناد سازمان ملل متحد ، سازمان وحدت افریقا ، در جنبش کشورهای غیر متعهد و سایر سازمانها منعکس گردید ماست . کشور ما در بر توشی اصولی خود ارجح و اعتبار زیادی در عرصه بین المللی کسب کرده است . کمر انترهای بین المللی ، اجلاسهای سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا ، دیدارهای نمایندگان جوانان و جنبش های دیگر و ویژه مسائل پشتیبانی از مبارزه آزاد بیخش علیه امپریالیسم و ارتجاع که در آد پیش آبا با برگزار گردیده گواه انترناسیونالیسم انقلاب اتیوپی است . با وجود نوبانی اتیوپی انقلابی در شوراها و عظیم سر راه ساختمان جامعه نوید ما این مداوم ارتجاع داخلی و خارجی ما از نیروهای ضد امپریالیستی از لحاظ مادی و معنوی پشتیبانی میکنیم ، زیرا ارتباط متقابل سرنوشت انقلاب ما و پیروان انقلابی جهانی را در یک میکیم .

بیست و پنج سال مبارزه علیه تبعیض نژادی و آپارتیید

نخستین شماره مجله " آفریکن کومنلیست " که هر سه ماه یکبار انتشار مییابد یک ربع قرن پیش از این منتشر شد . در آئینگام یعنی اکتبر سال ١٩٥٩ کومنلیست های افریقای جنوبی اعلام داشتند که این نشریه بمنظور کمک به همبستگی افریقائی و اشاعه آموزش مارکسیسم - لنینیسم در سراسر قاره انتشار مییابد . از آنوقت با اینطرف این سخنان مرتباً در نخستین صفحه مجله درج میشود و به شمار مبارزه آن جدول گردیده است .

حزب کومنلیست افریقای جنوبی طی بیست و پنج سال صد شماره " آفریکن کومنلیست " را منتشر کرده است . مجله در برای مرزهای قاره هم شهرت یافته و آنرا در اروپا و آمریکا بخوبی میشناسند و در کشورهای سوسیالیستی برای آن ارج فراوان قائل هستند .

طبیعی است که در مجله توجه اساسی به رویدادها و پیروسی های سیاسی که در جنوب قاره جریان دارد و همچنین به وظائف مبارزه علیه رژیم نژاد پرست جمهوری افریقای جنوبی مبذول میگردد . مجله به موقع خود خوانندگان را با برنامه حزب کومنلیست افریقای جنوبی تحت عنوان " راه آزادی افریقای جنوبی " آشنا ساخت . در مجله اسناد حزبی منظم چاپ میشود که در آنها مراحل پیشرفت جنبش آزاد بیخش در کشورهای زبایی میگردد . مجله در تعیین اشکال و شیوه های مبارزه نقش مهمی ایفا میکند . بطور مثال نود و هفتمین شماره آن به مسائل ایجاد جنبه واحد بمنظور پایان دادن به سیستم آپارتیید در کشور اختصاص داده شده است .

" آفریکن کومنلیست " در تمام طول مدت موجودیت خود وظیفه اشاعه مارکسیسم - لنینیسم را بدین وقته انجام میدهد . در مجله سلسله مقالاتی درباره اساس های تئوری مارکسیستی - لنینیستی و مسائل مختلف جنبش های کومنلیستی ، کارگری و آزاد بیخش ملی ، درباره کمینترن ، انقلاب کیبیر سوسیالیستی اکثر ، موفقیت های اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بچاپ رسید . توجه زیاد هم به روشن ساختن زندگی و فعالیت ک . مارکس ، ف . انگلس و و . ای . لنین معطوف

میگرد و بر فعلیت و میرم بودن اندیشه‌های آنان برای حل مسئله ملی در جمهوری افریقای جنوبی تاکید میشود .

در مجله گرایش‌های عمده و پیشرفت کشورهای مستقل افریقا و ویرانه‌های ساختمان جامعه سوسیالیستی در آنها تجزیه و تحلیل میشود . در رساله‌های اخیر تعداد مقالات مربوط به پدایش و تشکل طبقه کارگر افریقا و جنبش سندیکا ، افزایش یافته است . حزب کمونیست افریقای جنوبی بوسیله صفحات مجله اتحادیه‌های موجود در کشور را ، بمنظور سازماندهی تمام کارگران در فعالیت و جنبش علیه رژیم سلطه نژادی ، به وحدت فرامیخواند .

مسئله پیشگیری از جنگ هسته ای و تحکیم صلح در روی زمین که از جداترین مسائل دوران معاصر است در مرکز توجه " آفریکن کمونیست " قرار دارد . در مقالاتی تحت این عنوان بروشنی نشان داد میشود که خطر از کجا جامعه بشری را تهدید میکند ، ماهیت تجاوزکارانه سیاست امپریالیسم ایالات متحده امریکا افشا میگرد و میراثیک نو استعماری کشورهای امپریالیستی نسبت به کشورهای در حال رشد برملا میشود . در همین حال مجله ابتکارات کشورهای سوسیالیستی در جهت تحکیم امنیت بین المللی را تشریح میکند و مورد پشتیبانی قرار میدهد .

موضع پیگیراید طولی کمونیست های افریقای جنوبی در انتشارات مربوط به جنبش کمونیستی جهانی با زتاب مییابد . در این سلسله انتشارات تاکید میشود که حزب کمونیست افریقای جنوبی همواره طرفدار وحدت و یکپارچگی این جنبش بر پایه انترناسیونالیسم پرولتری بوده و خواهد بود .

اردوگاه کار اجباری انصار باید بسته شود !

جمعیت زندانیان اردوگاه کار اجباری انصار که بوسیله کمونیست ها و میهن پرستان لبنانی ایجاد گردیده که چندی پیش از زندان رهائی یافته اند بیانیه ای منتشر کرده که اقدامات خشونت آمیز و شقاوت های زندانیان اسرائیلی را برملا میسازد و همه پستی بین المللی با کمالاتی که هنوز در انصار رنج و هذاب میکشند فرامیخواند .

در این سند از نقض مداوم حقوق بشر در بخش ازرزمین لبنان که در اشغال اسرائیل است ؛ از شکنجه و فشار مستمر ، بیرون راندن اهالی محلی از خانه و کاشانه آنها و از شکنجه و کشتار مردم بی دفاع پرده برداشته میشود . تمام این اقدامات خود سرانه را بقیاس کمتره اشغالگران و دست نشانده گانشان که خود را " ارتش جنوب لبنان " مینامند انجا میهند .

اردوگاه انصار را ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ در شهری به همین نام در جنوب کشور مسما بوجود آورد ، بدین منظور که در آنجا گویا اسرای جنگی را جاد هند . ولی برغم توافق درباره اسرای جنگی که در نوامبر سال ۱۹۸۳ بعمل آمد ، اردوگاه را نیستند و طبق آمار صلیب سرخ بین المللی اکنون بیش از ۶۰۰ زندانی جدید در آنجا بمر میزنند .

صد هاش از زندانیان هم با خشونت آزارترین برخورد ها در زندانهای اسرائیل ، در سربازخانه های ارتش اشغالگر و در اراضی لبنان روبرو هستند . اما اینها به هیچ وجه اسیر جنگی نیستند . گروهی از زندانیان را روحانیون ، جوانان ، پسران ، زنان و حتی کودکان تشکیل میدهند . بیماران و شکنجه شدگان از هرگونه کمک بهداشتی محروم هستند ویران بیمارستانی و جراحات وارده ویا با گلوله زندانیان انجا در میآیند .

زندانیان سابق اردوگاه انصار در مقابل سیاست تروریستی اسرائیل علیه مردم لبنان ، وظیفه خود میدانند اعلام خطر کنند و افکار عمومی جهان را از آنچه میگردد با خبر سازند . ما امید داریم همه پستی جهانی توفیق پیدا کند به این قبیل اقدامات در خیما صهیونیست ، با وارد آوردن فشار مستقیم بر اسرائیل ، پایان دهد .

مهم پرستان لبنان الغای محاصره جنوب لبنان و بخش فریبی دره بقیع و گشودن تمام راههای ارتباطی کشور را طلب میکنند و پیشنهاد میکنند کمیته بین العلی ویزه ای برای رسیدگی به دعاوی آنها بررسی وضع زندانیان در انصار، سا برارد و گاهها و زندانها ایجاد گردد و همسرده سکوتی که اشغالگران در سر آن وحشیگریهای خود را پنهان میکنند دیده شود. باید زندانیان آزاد شوند! ارد و گاه کار اجباری انصار را باید بست!

خبرهای کوتاه

لهستان

د فرهنگستان علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان کنفرانس علمی برگزار کردید که موضوع آن "مقاومتش حزب طی چهل سال موجودیت لهستان توده ایست."

فرانسه

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه قراری را تصویب رسانید که بموجب آن بیست و پنجمین کنگره نهیتی حزب کمونیست فرانسه در فوریه سال ۱۹۸۵ برگزار میگردد.

شیلی

در شهر کلمپسیون برای نخستین بار میان نمایندگان حزب کمونیست شیلی و آلیانس د موکراتیکی که نیروهای اپوزیسیون مرکزیت گرا و راستگرا در آن متحد گردیده اند، ملاقاتی صورت گرفت. در این دیدار راههای تشدید مبارزه علیه رژیم فاشیستی پینوشه مورد بررسی قرار گرفت.

بقیه در صفحه بعد

مجارستان

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تصمیم گرفت سیزدهمین کنگره حزب را در بهار سال ۱۹۸۵ تشکیل دهد.

اسپانیا

جشن سنتی حزب کمونیست اسپانیا زیر شعارهای مبارزه در راه صلح و خلع سلاح و علیه پیوستن کشور به ناتو رومادرید برگزار گردید.

سوئیس

ره د افلون که کمونیست و عضو پارلمان از حزب کار سوئیس است باردیگر به شهر اری شهر ژنو برگزیده شد. او در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۹ هم شهردار ژنو بود.

لائوس

بوروئی سیاسی کمیته مرکزی حزب خلقی - انقلابی لائوس قراری را تصویب رسانید که طبق آن در سال ۱۹۸۵ در روز پنجشنبه در تاریخ مردم لائوس جشن گرفته خواهد شد، یکی سیمین سال تاسیس حزب خلقی - انقلابی لائوس و دیگری در همین سال روز پیدایش جمهوری توده ای - د موکراتیک لائوس.

اسرائیل

در انتخابات پارلمانی کمیته چهار نماینده از جبهه د موکراتیک برای صلح و برابری حقوق که حزب کمونیست اسرئیل رهبری آنرا برعهده دارد انتخاب گردیده است.

ایتالیا

حزب کمونیست ایتالیا متکررأ جمعه به آراء عمومی کشور در مورد فرمان ضد خلقی دولت در سارو ارزش نیروی کار گردیده است. در این فرمان کاهش شده در آمد واقعی میلیونها تن از حمتکشان در نظر گرفته شده است. کمونیست ها جمع آوری امضا زهر طوماری را آغاز کرده اند که ضمن آن از دولت خواسته شده است با مراجعه به آراء عمومی موافقت کند.

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار
می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی
کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.
مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل
صلح و سوسیالیسم' که تئوریک و اطلاعاتی احزاب
کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه
های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.
در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۹ و ۱۰
(سپتامبر - اکتبر) سال ۱۹۸۴ مجله 'مسائل صلح و
سوسیالیسم' به چاپ رسیده است.

**PROBLEMS OF
PEACE AND SOCIALISM**

Theoretical and information journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

No 9,10 1984